واوّل ظالمیهم المستوجبین للسخط والنکال وبعد چنین گوید
این بندهٔ ضعیف ذلیل وملتجی بعفو وکرم خداوند جلیل جمال
الدین محمّد بن العلّامة حسین بن مرتضی الحسنی الحسینی الطّباطبائی
الواعظ الیزدی الحائری بلّغه الله الی ما یتمنّاه وجعل عقباه
خیراً من دنیاه که برضمائر هوشمندان اسرار وخردمندان عالی
مقدار وصیرفیان عیون جواهر اخبار پوشیده نماناد که این جریده ایست
در بیان اوائل اخبار واثار ذکر می شود مطالب غریبه وسوانح
عجیبه فریده که کمتر بسمع دانشمندان عالم رسیده بخواهش بعضی
از فضلآء ابرار وادباء اخیار بمقتضای المیسور لا یسقط بالمعسور
بقلم تالیف وخامه تحریر درآورده وحصول این نامه از اثر
عصر همایون ودولت روزافزون اعلیحضرت ناهید عشرت
کیوان رفعت خورشید رایت بهرام صولت مشتری سعادت
جمشید حشمت فریدون حکمت سکندر همّت فیروز بخت
سلطان سلاطین زمان دارا دربان کسری نشان گیتی ستان
قوام ملک وملّت دوام دین ودولت السّلطان بن السّلطان
والخاقان بن الخاقان السّلطان ناصر الدین شاه قاجار لازالت
اعمدة فساطیط جلاله مرفوعة واطناب خیام سلطنته ممدودة
اللّهمّ متّع المسلمین بخلود ملکه وابّد دولته ونصره عساکره
ما بقی اللّیل والنّهار وتلاطم البحار وجری الانهار ونامیدٌ
این اثر جمیل وفهرس شریف را به اخبار الاوائل وموسوم

ارباب الفضائل و تاریخ شروع در این رساله از مصرع اخیر ظاهر
بین نفر کتابه که بتاریخ اخبار اوائل شده موسوم
امید چنانست که در نظر دانشوران موقعی عظیم و مقامی کریم
بهم رساند نه در نظر ارباب غرض الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ سخنی گوید
منه گوش در قول صاحب غرض که از کینه در سینه دارد مرض
رجاء واثق آنستکه طالبان حدیث و خبر و صاحبان علم اثر و سیر
بنظر حقارت بر این نامه خورده ننگرند و خورده نگیرند و اگر
سهو و غلطی بیابند شان اکابر آنستکه بجامه عفو از در اصلاح
درآیند والعذر عند کرام الناس مقبول ولعل الناظر فی هذا
الکتاب المنسوج علی ذالک المنوال بعد الملاحظة علی الانصاف
والتامل الصادق بلا اعتساف یصدق بما ذکرناه و من الله
المتعال الاعانة فی کل احوال والتوکل الیه والتوسل الی اولیائه
فی المبدء والمآل وها انا اشرع فی المطلوب بتوفیق العالم بما
فی القلوب والغیوب وهو اصل المطلوب فی جمیع الاعمال اول
چیزیکه خدای تعالی خلعت خلقت بروی پوشانید نور مقدس
سید انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بود چنانچه در روضة
الصفا و مناهج الطالبین و حبیب السیر و ناسخ و دیگر کتب احادیث
مسطور است که روزی جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد
یا رسول الله اول چیزیکه خدای تعالی خلق کرد چه بود آنحضرت
فرمود نور نبیک اخبار و احادیث مختلفه در این باب وارد

شده

شده کما قال اوّل ما خلق الله القلم اوّل ما خلق الله العقل فقال
له اقبل فاقبل ثمّ قال له ادبر فادبر فقال وعزّتی وجلالی ما
خلقت خلقاً اکرم علیّ منک بک اعطی وبک امنع وبک اثیب
وبک اعاقب وقال اوّل ما خلق الله اللّوح وقال ایضاً اوّل ما خلق الله
الرّوح وفی الخبر فلمّا خلق العقل وهو اوّل الرّوحانیّین در جواهر
الاسرار تصنیف شیخ نور الدّین حمزة بن علی الطّوسی آمده بدانکه
اوّل شیئی که از موجود حقیقی صادر شد عقل اوّلست بدلیل
اوّل ما خلق الله العقل وفی روایةٍ جوهرة وفی روایةٍ درّة وفی روایة
اوّل ما خلق الله العشق وفی روایةٍ العلم واینها مختلف نیست
بحسب معنی بلکه همه عبارت از یک چیز است یعنی جوهرهٔ که در روی
ثناء وحمد نست اسم محمّد صلّی الله علیه واله است وچون این
حقیقت را معانی بود اسم او درّة آمد وچون حیّ ومحیی بود اسم
او روح آمد وچون ظاهر ومظهر بود اسم او نور آمد وچون
مدرک کلیّات بود اسم او عقل آمد ونار الله که در روی محبّت
موقد گشته بود اسم او عشق آمد پس جوهر اسم ذات او باشد
وما بعد اسماء وصفات او بود گفته اند نخستین آیتش عقل
کل آمد که در روی همچو پای بسمل آمد ونیز خواجه نصیر الدّین
طوسی ره گفته اوّل مکوّنات عقل وجانست واندر پی او
نه فلک گردانست زاینها چه گذرکنی چهار ارکانست پس
معدن وپس نبات وپس حیوانست ودر جای دیگر وارد شده

که اوّل ما خلق الله جوهر نیست که چون مخلوق شد نظر کرد خداوند
باو بنظر هیبت پس از هیبت خدا گداخته شد و گرم گردید و از او
کفی بهم رسید و دخانی برخواست پس آفرید از دخانش سموات و از
کفش زمینها را و علماء فن اخبار و آثار در باب این احادیث تاویلها
چند کرده اند و نیکوتر از همه تأویلها که شبیه بتأویل اوّل است
آنکه عبد الله بن علی بن اسعد الیافعی الیمنی در کتاب نوادر المعانی
این وجه مرقوم داشته که مراد حضرت رسالت پناه از این عبارت
بجوهر است بنا بر آنکه آن جوهر بجود ظاهر است و مظهر غیر و فیضان
کمالات بر ذات مقدس نبوی از مبدء اله بتوسط وی واقع گشته
از آن نور گفته اند و خود اضافت فرمود باعتبار آنکه نقّاش علوم است
بر لوح محفوظ بر صفحات نقوش معتبر بقلم گشت و از این جهت که
مخترع خویش و ذات خود و سایر اشیاء را تعقّل نموده موسوم
بعقل شد و بواسطه آنکه محل نقوش اعیان ثابته است لوحش
گفتند و از این حیثیت که حیّ بالذّات و محیی غیر است روحش
خواندند و این معنی از اجلّ بدیهیات می نماید که تعدد اسماء
موجب اختلاف مسمّی نیست در روضة الصفا مؤلّف گوید
این روایات مختلفة العبارات متناقض نیستند چه تواند بود
که همه اشاره بحقیقت واحده باشد که حقیقت محمّدیه است که
قبل از تکوین عالم شهود و تزیین نقوش موجود قوله تعالی وَمَا
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا صورتاً اوّل کلمه الف نقش بست

بر در محبوب احمد نشست اگر چنین نگوئی جمع میان احادیث نبویه
نخواهد شد و تناقض لازم آید و آنجناب اجلّ شأن است از اینکه
تناقض در کلامش باشد که در بعضی روایات عقل و در بعضی
روح و در بعضی القلم و در خبر نوری است همه اینها مقصود نور
خاتم انبیا است و از اینجا است که در خبر آمده ندای حضرت
احدیت رسید لولاک لما خلقت الافلاک خلقت لولاک شد
از قامت او مختصر همچنان که افلاک از تشریف هستی کامیاب
چنانکه گفته شاعر نور اوّلهم گروهی خوانده اند لیک از تفسیر
او وامانده اند روح اوّلهم فریقی گفته اند گوهر معنی در آن
ناسفته اند قوم دیگر از ازل لفظ قلم بهر نام پاک او کرده علم
قال ابو جعفر علیه السلام یا جابر انّ اوّل ما خلق الله خلق محمّداً و عترته
الهداة المهتدین فکانوا اشباح نور بین یدی الله تعالی یعنی حضرت
امام محمّد باقر علیه السّلام فرمود ای جابر اوّل آنچه خدا خلق فرمود
خلقت محمّد صلّی الله علیه و آله و اولاد هادیه مهدیه او بود و پس
اینها با بدان اشباح نوری پیش خدا موجود بودند فی الکافی
و شیخ عزیز نسفی گوید و قسمی دیگر اند اگر چه بعالم التفات
ندارد و در شهود قیومیت شیفته و متحیرند امّا ایشان حجاب
بارگاه الوهیتند و وسائط فیض ربوبیّتند و این طائفه را
باصطلاحی دیگر اهل جبروت گویند و سیّد و رئیس ایشان
روح اعظم است و در ملاء اعلی از وی عظیم تر روحی نیست

اورا باعتباری قلم اعلی خوانند که اوّل ما خلق الله تعالی القلم فی مقصد
الأقصی مؤلف گوید بباید دانست که در اوّل ایجاد و ابداع یک
وجود بفضاء شهود آمد و تمام کثرات عقلیّه و حسیّه منهما
و مرتّبا از مشیّت اولیّه خلعت هستی پوشیدند پس همان ترتیبی
که در عالم اوّل اظهار فرمود بخلاصه از بنی آدم و اهل عالم را در این
عالم حسّ و شهادت نیز آشکارا ساخت یعنی نور حضرت مولای
متّقیان علی علیه السّلام از نور خاتم رسل عقل کلّ محمّد صلّی الله
علیه و آله نام او در نامهٔ ایجاد حرف اوّلین ذات او در دفتر
توحید فرد انتخاب و نور حضرت فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها
از این هر دو نور و نور دو سیّد شباب اهل بهشت امام حسن
و امام حسین علیهما السّلام از نور صدّیقهٔ کبری ظاهر گشت
و در این عالم مانند آن عالم با همان ترتیب و تدریج بعرصهٔ عالم
تکوین قدم نهادند آنچه اوّل شد پدید از جیب غیب بود نور
جان او بی هیچ ریب بعد از آن آن نور مطلق زد علم گشت عرش
کرسی و لوح و قلم یک علم از نور پاکش عالم است یک علم ذرّیّه
آدم است نور او چون اصل موجودات بود ذات او چون مصطفی
هر ذات بود واجب آمد دعوت هر دو جهانش دعوت ذرّات
پیدا و نهانش میان او و میان ایزد پاک هیچ واسطه نیست مگر
تعیین او چنانکه فرموده است اوّل ما خلق الله روحی او نوری
یعنی اوّل چیزی که خدا خلق کرده است او را روح یا نور من است

ومقصود از همه افعال قادر منّان اوست چنانچه در حدیث
قدسی فرموده لولاک لما خلقت الافلاک اوّل بقعهٔ که ایزد
متعال در زمین خلق فرمود کعبه بود چنانچه در کلام مجید خود
میفرماید اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِیْ بِبَکَّةَ مُبَارَکًا
وَهُدًی لِلْعَالَمِیْنَ در تفسیر صافی از امام محمّد باقر ع روایت شده
که فرمود لَمَّا اَرَادَ اللّٰه تعالی اَنْ یَخْلُقَ الْاَرْضَ امر الرّیاح فضربن متن
الماء صار موجا ثمّ ازبد فصار زبدا واحدا فجمعه فی موضع
البیت ثمّ جعله جبلا من زبد ثمّ دحی الارض من تحته وهو
قول الله تعالی اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِیْ بِبَکَّةَ مُبَارَکًا الخ
شعبی گوید خانهٔ کعبه شرّفها الله را اوّل آدم بنا کرد دوّم شیث
پس ابراهیم پس اسمعیل پس قریش پس عبدالله بن زبیر که شاذروان
و حجر داخل کرد پس حجّاج بن یوسف بوضع اوّل ساخت و گویند
اینکه امروز هست بنای حجّاج است مؤلف گوید در کتب تواریخ
بنظر رسیده که در روز نوزدهم شعبان سال هزار و سی و نه سیل عظیم
آمد و تمام دروازه‌ها و خانه‌های مکّه را خراب کرد و داخل
بیت الله شد و بقدر یکقامت و نیم آب بلند شد و دیوار از کرفته
بود و حجر الاسود از خانه جدا شد سلطان مراد رابع عثمانی
فرستاد تعمیر کردند و سیّد زین العابدین کاشی حجر الاسود را
نصب نمود و فراغ از بناء سنهٔ ۱۰۴۰ از هجرت بود و رفع الله قواعد
البیت تاریخ اوست و بناء حجّاج از جانب شامیه ساقط گشت

والآن که این بنا ظاهراست از سلطان مراد است اوّل کسیکه
از صوامع جبروت بحج بیت الله آمد روح القدس جبرئیل
امین بود فی سماء والعالم اوّل صیدیکه در شبکهٔ وجود افتاد
بحکم فرموده خلق الله الارواح قبل الاجساد باربعة آلاف سنة
حقیقت روح بود فی نفائس الفنون لمولانا محمود الدین اوّل
پیغمبران آدم صفی است اوّل وحی انبیاء شیث بود اوّل کس
که از اولاد آدم عذارش بمحاسن مشکین مشک آگین گشت اوّل
کس است که بعد از آدم صفی الله بتعلیم معضلات حکمت و تنبیه
ضروریات شریعت پرداخت و بنا بر این حکماء او را اوریاء
اوّل گویند چه اوریا بلغت سریانی معلّم است فی حبیب السیر
وغیره اوّل کسیکه درخت خرما انشا نید انوش بن شیث بود
و اوّل کس است که صدقه بر مساکین افشاند در تاریخ بناکتی
وحمد الله مستوفی اوّل کسیکه بسوزن جامه دوخت شیث
بود و اوّل کس است که بقلم نگاشتن فرمود و آموخت اوّل
کسیکه از پوست روباه جامه دوخت خزر بن یافث بن نوح
بود از اینجا است که لباس خز خوانند و اوّل کسیکه از مگس
نحل استخراج عسل آموخت در ناسخ اوّل کسیکه از پوست
سمور و سنجاب پوستین کرد برطاس بن کاری بن یافث بن
نوح بود اوّل کسیکه اسم شاهی بروی اطلاق گشت کیو
مرث است ابی القاسم فردوسی گوید: نخستین خدیو یکه کشور گشود

سر تا جداران کیومرث بود در نظام التواریخ است وغیره و
اول کسیست که در مملکت ایران بر چهار بالش سلطنت نشست
و تشید قوانین حکومت فرمود و باتفاق مورخین جهان اول
کسیستکه بعد از طوفان نوح در عالم قانون جهانگیری نهاد
عکس قول شیخ ابوحامد محمد بن محمد بن محمد غزالی است که در
کتاب نصیحة الملوک کفته کیومرث برادر شیث بود شیث قانون
شریعت داشت و کیومرث قانون حکومت و سلطنت و هو
اول من بنی و سکن الدور وکانوا قبل ذالك یسکنون الکهوف
والمغابر فی اخبار الدول وآثار الاول واول کسیستکه جغد را
مشئوم شمرده روزیکه عزیمت دیدار فرزند داشت در راه
جغد را دید که چند کرت آوازی موحش کرد وان را بفال بد
کرفت چون بمسکن سیامك شتافت وی را کشته یافت لاجرم
جغد را مشئوم دانست در ناسخ اول من تکلم بالعبرانیة شیث
وهو اول من لبس القلنسوة والنعلین واول من علم الکتابة
وعلم الحساب والشهور والسنین فی سبائك الذهب اول
کسیکه مقراض ساخت و قطع اثواب کرد متوشلح بن ادریس
نبی بود فرطاس حکیم کفته که اول مخلوقات هواء است و مجموع
اجرام علویه را جسام سفلیه از هوا متکون شده چنانچه کواکب
وعقول ونفوس را زهوای صافی مخلوق کشته اند وجماد و نبات
وحیوان وانسان از هوای کثیف در وجود آمده اند فی خزائن

سار احمد الزراقی اوّل قتیلة قتلها الله تع وان عناق دختر آدم ع
او را بیست انگشت بود که در هر انگشت دو ناخن داشت و هر ناخن
را بمثابه داسی بزرگ داشت و هرگاه مینشستی یک جریب زمین
را طولا وعرضا فرو میگرفت فسلّط الله علیها اسدا وذئبا و
نسرا فقتلوها در ناسخ اوّل کسیکه کیل و ترازو ساخت
شعیب نبی بود و حقّ مردمانرا تمام میدادند قوم بکیل او
کیل میکردند در خبر است که بدست خود ساخت و چون
شروع کردند در کم دادن کیل و ترازو و دزدی در او پس
ایشانرا زلزله گرفت و بآن معذّب گردیدند تا اینکه هلاک
شدند اوّل کسیکه در ترکستان رایت جهان ستانی بر
افراشت ترک بن یافث بن نوح بود در ناسخ و اوّل کسیکه
خانها از چوب و گیاه ساخت اوّل کسیکه اختراع خیمه
خرگاه کرد لهراسب کیانی بود که نسب او بکیقباد میرسد
کسیکه جامه از چرم حیوانات ترتیب داد در ناسخ [illegible]
سر بریده که سخن گفت سر یحیی بن زکریا بود در مجلس [illegible] پس
پادشاه فرمود با ربیبه خود زنا مکن او متنبّه [illegible] رکرد
تا سر حضرت یحیی را بخاک سپردند اوّل قتلی که [illegible] شد قتل
هابیل است بدست قابیل در تاریخ ابن اثیر [illegible] عمل
الوضع کتاب الملك اوّل من اسلم من الا[illegible] رافع بن
مالك در سبائك الذهب اوّل ملوك [illegible] ثالث است

فی اخبار الدول اوّل کسیکه رسم نمک در طعام پدید آورد
فودک خان پسر ترك بن یافث بن نوح بود گویند روزی فودک
در شکارگاه لقمه در دهان میگذاشت از دستش رها شده در شوره
زاری افتاد و نمک آلوده شد چون فودك آن لقمه را برگرفت و
بخورد آن طعم را ملایم ذائقه یافت از آن پس رسم شد که نمک در
طعام باشد در ناسخ اوّل پادشاه سریانی نمرود بن کوش بن
[illegible] بن نوح بود در ناسخ اوّل من سنّ الحدآء لقابل [illegible]
[illegible] و کان من احسن النّاس صوتا فی سبائك الذّهب اوّل
[illegible] نصب الأعلام و بنی الامیال و العلامات علی الطّرق و
[illegible] ابرهة بن حارث بن قیس فی سبائك الذّهب اوّل
[illegible] سنّت صور در میان اشکار ساخت طهورس بن دیوبند
[illegible] بود چه در کتاب روضة الصّفا و اخبار الدّول
و [illegible] و ناسخ التّواریخ است که در زمانش قحطی بسیار
عظیم [illegible] گشت و علامتی غریب روی داد میفرمود تا اغنیاء
همه روزه [illegible] و طعام چاشتگاه خود را بفقرا بخش کردند تا آن
بلا برطرف [illegible] در روضة الصّفا است در آن اوان قحطی عظیم
روی نمود [illegible] ه گروه مردم آب می شد تا گرده از تنور رزق
میکشید [illegible] بینوایان روز بدیدن قرص خورشید
بشب [illegible] بمشاهدهٔ کلیچهٔ قمر بروز میرسانند
غذای اوست [illegible] قرص در شب [illegible] بروز دیدن خورشید و شب مه تاب

واوّل کسیستکه مرغان شکاری را صید آموخت در روضة
الصّفا واوّل کسیست که خطّ پارسی بر کتاب نوشت واوّل کسیست
که ابو شیم آنکو مرقرانید وخت واوّل کسیست که حمل اثقال بر دواب
نمود اوّل کسیکه تاج بر سر نهاد جمشید جم بود واوّل کسیستکه
عید کرد و نام آن نوروز نهاد واوّل کسیستکه لعل وگوهر از
معدن بر آورد واوّل کسیست که جامهای حریر با رنگهای مختلف
ملوّن کرد واوّل کسیست که آلات حرب را چون شمشیر وخنجر
وخود ومغفر بکمال رسانید واوّل کسیست که حمّام بنا نهاد
واوّل کسیست که در علم طبّ استنباط بدیع کرد واوّل کسیست
که رسوم جادها در مسالك ومعابر مقرّر داشت واوّل کسیست
که در زمان وی شراب ارغوانی پدیدار گشت اوّل کسیکه
رجعت خواهد نمود امام حسین علیه السّلام بود در حقّ الیقین
اوّل کسیکه تاج ساخت وبر سر نهاد شابور بن هرمز بود در
حیوة القلوب اوّل کسیکه نوره اختراع کرد سلیمان بر نبینا و
علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام علی بن ابراهیم روایت کرده که از
پیش از آمدن بلقیس سلیمان امر کرده بود جنّیان را خانهٔ
از شیشه برای او ساخته بودند وبر روی آب گذاشته بودند
پس بلقیس آمد گفتند باو که داخل شو در عرصه تا بیند پس او
گمان کرد که آب است جامه خود را از ساقهای خود بالا کرد
پس ظاهر شد که موی بسیار در ساق او بود پس سلیمان گفت

این عرصه ایست نرم از شیشه ساخته اند و آب نیست بلقیس
گفت که من ستم کرده بودم بر نفس خویش که غیر از خدا را میپرستیدم
و اسلام آوردن و منقاد شدن با سلیمان برای خداوندیکه
پروردگار عالمیان است و علیّ بن ابراهیم نیز روایت کرده است
که پس سلیمان او را بعقد خویش در آورد و شیاطین را حکم
فرمود که چیزی بسازید که موها از پای وی زایل سازند پس
حمامها بعمل آوردند و نوره را برای او ساختند پس حمّام و نوره
از چیزهائیست که شیاطین برای بلقیس ساختند و همچنین
آسیائی که آب میگرداند در زمان آن حضرت بهم رسید
پس معلوم شد که اوّل آسیائی که ساخته شد جنّیان
ساخته بودند و در حدیث آمده که چون بخواهید نوره
بکشید در وقت آن انگشت خود را محاذی بینی برده بگوئید
اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنّوره و سلیمان اوّل
کسیست که داخل حمّام شد و اوّل کسیست که بلغت آدمیان و
جنّیان و وحوش و طیور و سباع و بهائم سخن گفت و متکلّم
گشت و اوّل کسیست که بر بساط نشست و عالم را سیر کرد و طواف
کرد اوّل کسیکه بپارسی سخن گفت هوشنگ شاه بود اوّل
کسیکه با امام زمان در وقت ظهور بیعت کند جبرئیل امین
بوده باشد اوّل کسیکه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گفت و یاد نمود
سلیمان بود اوّل کسیکه سر نامه را مهر زد وی بود اوّل

کسیست که خانه مبارک کعبه را جامه بافته پوشانید در زمان آنحضرت
بنابر جامهای مصری سفید بر خانه کعبه پوشانید اول
کسیکه مثله کرد ضحاک بود و اول کسیست که تازیانه زد و اول
کسیست که مردمان را بردار کشید اول کسیکه در شکم مادر
چهار ماه بیش نزیست و چهار ماهه متولد شد دی پونانک
پادشاه چین بود در ناسخ اول کسیکه از بطن مادر ختنه کرده
بیرون آمد لوط نبی ع بود در رابع بحار الانوار است از امیر
المؤمنین ع روایت میکند که فرمودند بیهودی از یهود انتم
تقولون ان اول عین نبعت علی وجه الأرض العین التی فی
بیت المقدس وکذبتم هی عین الحیوة التی غسل فیها یوشع بن
نون السمکة فهی العین التی شرب منها الخضر ولیس یشرب
منها احد الا حیی وانتم تقولون ان اول شجرة نبتت علی وجه
الأرض الزیتون هی الشجرة العجوة التی نزل بها آدم من الجنة
معه اول من عملت له السیاط الاصبحیة حارث بن مالک بن
زید فی سبائک الذهب اول من ملک فی بنی عباد القاضی
محمد بن اسماعیل بن قریش بن عباد فی سبائک الذهب
اول کسیکه در علم طب سخن گفت اسقلیوس حکیم بود و اولاد
خود را وصیت کرد که این صنعت را بغربا و اجانب تعلیم ننمایند
تا عزت و شرف این علم مخصوص خاندان او باشد و رای او
در علم طب تجربه بود و بقیاس و استدلال عمل میکرد و مدت

هزار و چهار صد و شانزده سال قول حکماء در مسائل طبی بر
این منوال بود در روضة الانوار اوّل سریکه در اسلام بر نیزه
رفت سر عمرو بن الحمق الخزاعی بود که امیر المؤمنین ع او را خبر داده
بود در ناسخ اوّل کسیکه وارد بهشت میشود علی بن ابی طالب
علیه السّلام است زیرا که لوای پیغمبر در دست اوست و صاحب
لواء مقدّم است در حق الیقین اوّل کسیکه در غدیر خم بیعت
با امیر المؤمنین علیه السّلام کرد عمر بود گفت بخ بخ لک یا امیر المؤمنین
اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة اوّل کسیکه بعد
از طوفان نوح در مملکت هندوستان لوای سلطنت بر
افراشت کشن بن یورب بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ
اوّل کسیکه آهنگری و درودگری و نجوم تلقین کرد براهمن از
نسل بنک بن هند بن حام بن نوح ع بود در ناسخ اوّل کسیکه
فیل را بدست آورد و رام کرد و سوار شد کشن بن هند بود
اوّل شهریکه در هندوستان بنا کرد شهر اوده بود در ناسخ اوّل
بنای نیکوئی در ارض بنا شد بهشت شدّاد بن عاد بود بمصداق
آیه کریمه اِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ اوّل
کسیکه اختراع ساز و چنگ و سلاح نبرد نمود قالع بن عابر ع
بود و قالع قاسم را گویند اوّل کسیکه بمرض فجاءه مرد داود ع
نبی بود که بر منبر رحلت کرد فی رابع بحار الانوار اوّل زبانی
که آدم و اولادش بدان تکلم مینمودند سریانی بود در ناسخ

اوّل کسیکه امر کرد بوضع زر بفت بهمن بن اسفندیار بود اوّل
آیه که بر رسول خدا نازل گشت آیهٔ اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه پیرهن بدوخت و تحیّت فرستاد
قالع بود که برای هود علیه السّلام فرستاد بعضی انعم صباحا و
ابیت اللعن در تاریخ اوّل کسیکه سپاه نشانید در همه بنی دارا
کیانی بود اوّل پادشاهیکه دامن عصمت را از شهوت بمعصیت
ملوّث کرد خسرو بن پلاش بود که با خواهر خود زنا کرد اوّل من
امر بتصنیف کتب الجدل فی الرّد علی الزّنادقه والملحدین محمد
مهدی عبّاسی بود که سوّم خلفاء است فی سبائك الذّهب اوّل
کسیکه کمربند اختراع کرد و بر کمر بست اردشیر بن ساسان بود و
اوّل کسیست که جاسوسان در عالم گذاشت اوّل کسیکه سرنیزه
دو سفره گذاشت کیخسرو بن سیاوش بود اوّل کسیکه آهن از
سنگ بیرون آورد و در کوره گداخت و از آن سلاح جنگ ساخت
هوشنگ بن سیامک بن کیومرث بود در تاریخ و اوّل کسیست که
سگان تازی را صید کردن آموخت و اوّل کسیست که کلاب را
برای حفظ رمه معیّن ساخت و اوّل کسیستکه خدمه را در نزد
خود بقیام امر کرد و اوّل کسیستکه زر و سیم و معادن برّ و بحر
و جواهر شاداب استخراج کرد و اوّل کسیستکه قطع شجر آموخت
و اوّل کسیستکه پرداختن تخته و در ساختن آموخت و اوّل
کسیستکه تصنیف کتابی کرد و نام او جاودان خرد نهاد که اوّل

مرتبه کیخور بن اسفندیار که یکی از وزرآء سلاطین عجم است
پارسی قدیم بزبان متداول ترجمه کرد وحسن بن سهل برادر
ذوریاستین که وزارت مامون عبّاسی داشت بزبان عربی نقل
نمود واستاد عالم ابوعلی مسکویه بالحاق حکمتهای فرس وهند
وروم وعرب انرا انجام داد ونام ان آداب العرب والفرس نهاده
وفقیر انرا دیده ام ومطالعهٔ ان دلیل ظاهر است بر حصانت
نفس وکمال وفهم وفضل ودانائی او واین کتاب را هوشنگ
برای پند واندرز فرزند خود ودیگر ملوک از پی او سلطنت
کنند نگاشت مؤلف گوید همانا عبارت بعضی کلمات آن
کتاب اینست که میفرماید از خداست اغاز وبدوست انجام
وبدوست توفیق واوست ستوده کسیکه شناخت اغاز
را شاکر شد وکسیکه شناخت انجام را مخلص شد وکسی
که فضل وکرم او را دانست موافقت وانقیاد پیشه کرد
وازراه مخالف برکنار آمد اگر بخواهم تمام نصایح بنگارم از
مقصود خارج خواهیم شد اوّل کسیکه داروها برای ربخ
اسب بساخت بهرام بن بهرام ساسانی بود اوّل کسیکه
پوشش از پوست سمور وسنجاب ودیگر جلود کرد ودیگرانرا
نیز پوشانید هوشنگ شاه بود اوّل شهری که در زمین
بنا شد شهر چین بود که ترک بن یافث بن نوح ع بود که بنای
او مشتهر شد در حدیث آمده از حضرت صادق فرمود

اوّلنا محمّد و آخرنا محمّد و اوسطنا محمّد و کلّنا محمّد فی شرح
الزّیاره و غیره اوّل کسیکه کاسهٔ چوبی ساخت از برای آشامیدن
آب و غیره قینان بن انوش بن شیث علیه السّلام بود اوّل کوهی
که وضع گشت بر روی زمین کوه ابو قبیس بود در کشکول شیخ
یوسف اوّل مسجدی که بنا شد مسجد الحرام بود فی کشکول اوّل
کسیکه در زمان جاهلیّه مال خود را در راه خدا داد عبد المطّلب
در روضة الصّفا اوّل من تکلّم بالعربیّة عابر اعنی هود النّبی علیه السّلام
اوّل کسیکه بزبان عربی سخن گفت یعرب بن قحطان بن هود ع بود
و خود گوید انا ابن قحطان الهمام الافضل یا قوم سیروا فی الرّعیل
الاوّل انا البدو فی اللسان السهل المنطق الابین غیر مشکل
در ناسخ اوّل کسیکه طبل و نقاره و درای وضع کرد دی کوکاو (شیدنک)
شی بود در ناسخ اوّل کسیکه در یمن درجه سلطنت یافت و
از جمله ملوک بزرگ شمرده شد حارث رایش بود و او پسر قیس
بن صیفی بن سبا الاصغر بن حمیر بن سبا الاکبر در
ناسخ اوّل کسیکه در مهد سخن گفت زاب بن طهماسب بن
منوچهر بود در تاریخ مناهج الطّالبین اوّل کسیکه علم نیرنجات
و سیمیا در عمل آورد کیقباد شاه بود در مناهج و اوّل کسیست
که در راهها فرسنگ و میل تعیین کرده اوّل کسیکه در جهان
گریه و ناله کرد حضرت آدم علی نبیّنا و آله و علیه السّلام بود
اوّل کسیکه در عالم مرثیه گفت کیکاوس بود بجهة پسر خود سیاوش

یل اوّل
نوحه اوّل

در مناهج اوّل کسی که از ملوک خلایق را وعظ گفت کیخسرو بن
سیاوش بود در مناهج اوّل العلم معرفة الجبّار و اخر العلم تفویض
الامر الیه فی امثله عرب اوّل کسیکه جمع کرد مردم را در نماز جنازه
بر چهار تکبیر عمر بن الخطّاب بود و حال انکه رسول خدا فرموده
بود بر جنازه پنج تکبیر بگویند چنانچه ابن بطه گفت پیغمبر ص
صلّی الله علیه و اله بر نعش حمزه سیّد الشّهداء پنج تکبیر گفت در
اوّل کسی که از اهل بیت اطهار شهید شد عبد الله بن مسلم بن
عقیل بود فی مخزن البکاء للبرغانی و روضة الصّفا اوّل کسیکه
در روز عاشورا تیر بجانب امام حسین علیه السّلام افکند
عمر بن سعد بود گفت گواه باشید که اوّل کسیکه بطرف لشکر
امام حسین علیه السّلام تیر انداخت من بودم شخصی از شیعه
ان جناب جواب داد که اوّل کسیکه ازین مردم بدوزخ خواهد
رفت تو خواهی بود در روضة الصّفا اوّل کسیرا که در روز قیامت
بطلبند و در پیشگاه حضور خود خوانند حضرت نوح علی نبیّنا
و علیه السّلام خواهد بود پس از او بپرسند که ایا تبلیغ رسالت
کردی گوید بلی گویند که گواهی میدهد از برای تو گوید محمّد بن
عبد الله ص پس نوح بیرون اید و پا بر سر مردم گذارد تا بیاید
بنزد محمّد صلّی الله علیه و اله و او بر روی تلّی از مشک و علی
نیز با او باشد و این است معنی قول حق تعم فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِیْئَتْ
وُجُوهُ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا یعنی چون ببینند علی را صاحب قرب و

منزلت نزد حق تعالی و بر بالای تل مشک در خدمت رسول
خدا ببینند متغیر گردد و سیاه گردد روی کافران پس نوح گوید
یا محمد حق تعالی از من گواهی طلبیده بر تبلیغ رسالت حضرت نبوی
گوید ای جعفر و ای حمزه بروید و گواهی دهید از برای نوح که او
تبلیغ رسالت کرد حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که پس
جعفر طیار و حمزه شاهد انبیاء خواهند بود بر تبلیغ رسالت
ایشان راوی یوسف بن ابو یوسف است گفت فدای تو شوم
علی در آنوقت کجا است حضرت فرمود شان و منزلت و جاه علی
از آن بالاتر و بزرگتر است که او را برای گواهی انبیاء بفرستند
در غایة المرام و حق الیقین وغیره اوّل خلافیکه در اسلام شد
منع از کاغذ و قلم بود برای پیغمبر و این اوّل فتنه و فساد و خلافی
بود که در اسلام بهم رسید در حق الیقین اوّل کسیکه رد شمس
از برای او شد یوشع بن نون نبی ع بود چنانچه در ادعیه و خبر
رسیده یا راد الشمس لیوشع بن نون نور الشمس بعد غروبها
و در روایت دیگر اوّل کسیکه رد شمس برای او شد سلیمان بن
داود ع بود خداوند میفرماید اذ عرض علیه بالعشی الصافنات
الجیاد و یاد کردن وقتی را که عرض کردند بر او در وقت
پیشتر اسبان نجیب بر سه دست و پا می‌ایستادند و از یکپا سر
سم را بر زمین میگذاشتند نیک رفتار و تند رو بودند و گفته
اند که هزار اسب نفیس بودند که از داود ع بان حضرت رسیده

بود و بعضی گفته اند که اسبان بال دار بودند که از دریا برای
آن جناب بیرون آمده بودند فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ
حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ یعنی پس گفت بدرستی که من دوست
میداشتم اسبان را تا پنهان گشت آفتاب در پرده یعنی پست
شده یا غروب کرده رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ
یعنی برگردانید اسبان را بر من پس شروع کرد بزدن ساقها و
گردن اسبها یا آنکه برگردانید آفتاب را برای من پس مسح کرد
ساق و گردن خود را برای وضو و نماز کرده وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ
وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ یعنی و بتحقیق امتحان کردیم
سلیمان را و انداختیم بر کرسی او بدنی را پس انابه کرد و توبه
نمود بسوی ما و علی بن ابراهیم گفته است در تفسیر این آیات
که سلیمان اسبان را بسیار دوست میداشت و مکرّر میطلبید
و بر او عرض میکردند پس روزی مشغول اسب دیدن شد
تا آفتاب فرو رفت و نماز عصر از او فوت شد غم عظیمی باین
سبب او را عارض شد پس دعا کرد که حق تعالی آفتاب را برای او
برگردانید که صلوة عصر بکند پس برگشت آفتاب تا نماز
عصر را ادا کرد پس اسبان را طلبید و بشمشیر گردن اینها را زد
و پی کرد تا همه را کشت چنانچه حق تعالی فرموده است شروع کرد
بمسح و ساق کردن اول کسیکه سعی میان صفا و مروه کرد آدم
علی نبیّنا و آله و علیه السّلام بود در طلب حوّا هفت مرتبه

از صفا بمروه آمد و برگشت باین سبب مقرر شد که هفت
شوط در میان صفا و مروه بنحویکه آدم کرد طواف کنند در
حیوة القلوب امیدوار هستم که خداوند متعال نصیب نماید
که مشرف شوم اول نانی که آدم بخورد کماج بود در مناهج الطالبین
اول ملوک البحیره من بنی فهم خذیمه الدرش ابن مالک ف
سبائک الذهب اول من مشت الرجال بین یدیه بالسیوف
المرهفه موسی الهادی که از خلفاء بنی عباس است در سبائک
الذهب اول اسبی نامدار که در ایام عرب پدید آمد اسبی بود
از اسبان سلیمان ع و سبب آن بود که قومی از جانب عمان برای
ساختن مهمات پیش سلیمان رفتند چون حاجت ایشان
بانجاح مقرون شد وقت مراجعت گفتند ای پیغمبر خدا از
اینجا تا دیار ما مسافت بسیار زادی فرمای تا ما را بمنزل
رساند سلیمان ع اسبی بدیشان داد و گفت مردمان بهر
منزل که فرود آئید چندانکه خواهید باو صید کنید که
هیچ صید از او نجهد ایشان بهر منزل که فرود میآمدند
چندان صید میگرفتند که ایشان را کفاف دهد آن اسب
را زاد نام نهادند چون نام او در عرب منتشر شد آن اسب
را بر مادیان خود انداختند و از او نتاج گرفتند و اسبان
عرب از آن وقت پدید آمدند فی نفائس الفنون محمود
الدین اول کسی که سواره گوی باخت طهورس بود در مناهج

واوّل کسیستکه باز شکار انداخت واوّل کسیستکه پابپی نوشت واوّل کسیست که مردمان را براسب سوار کرد واوّل کسیست که استر پدید کرد اوّل کسیکه از ملوک دعوی خدائی کرد جمشید بود در مناهج واوّل کسیستکه دیوان وعلم حساب ظاهر گردانید واوّل کسیست که از آهن سلاح فرمود وپیش از آن سلاح از چوب وسنك داشتندی واوّل کسیستکه شمشیر فرمود ساختند و اوّل کسیست که جوشن وخود بنیاد نهاد واوّل کسیست که زین براسبان نهاد واوّل کسیستکه کرباس فرمود بافتند وپیش از آن جامها از پشم وپوست جانوران می پوشیدند واوّل کسیستکه بفرمود پنبه کاشتند وبرشتند وبافتند واوّل کسیستکه رنگها در جهان پدید آورد پیش از وی هیچ رنگی در عالم نبود در مناهج الطالبین واوّل کسیست که منشار بر سرش نهادند اوّل کسیکه از اصحاب حضرت سیّد الشهدا ع بمبارزت شهید شد حرّ بن یزید الرّیاحی بود در بحار الانوار از عبدالله بن عبّاس روایت است که اوّل ما نزل به جبرئیل علی محمّد ص قال استعذ یا محمّد بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم ثمّ قال بسم الله الرّحمن الرّحیم اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ فی نفائس الفنون محمود الدّیلمی اوّل کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجّاج بن یوسف ثقفی بود در زهر الرّبیع اوّل کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبیّنا وآله و

علیه السّلام بود اوّل کسیکه سر راه بر حسین ع گرفت حرّ بن یزید
الرّیاحی بود در روضة الصّفا بخدمت امام حسین مبادرت
نمود گفت ای قرّة العین البتول اوّل کسیکه بر تو خروج کرد
من بودم اکنون رخصت فرمائی تا اوّل کسی باشم که پیش تو جان
فدا کرده باشم اوّل کسیکه بضبط عالم وعالمیان پرداخت کیقباد
بود در روضة الصّفا اوّل کسیکه ارد ساخت ذو القرنین بود
اوّل کسیکه عود سوزانید وانواع بخور ساخت خاقان دخت
چین بود واوّل کسیست که غلامان را خصی کرد وخواجه سرا پادید
آورد فی مناهج الطّالبین اوّل خلیفة استخلف سلطان الواثق
بالله هرون قال السّیوطی فی کتابه وفی سبائك الذّهب اوّل
خلیفة ولی الخلافة فی مصر من بنی العبّاس احمد المستنصر فی
سبائك الذّهب اوّل کسیکه از اهل بیت شهید گشت در
روز عاشورا علی بن الحسین ع بود که امام عصر عجّل الله فرجه
در زیارت ناحیه میفرماید السّلام علیك یا اوّل قتیل
من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل اوّل من تسمّی
ابراهیم ابراهیم علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام وهو اوّل من
استنشق بالماء وهو اوّل من شاب وهو ابن مائة وخمسین سنة
قیل لمّا اتی علیه ستة تکلّم وهو اوّل کلامه فقال یا امّاه من
ربّی قالت انا قال ع ومن ربّك قالت ابوك قال ع ومن ربّ
ابی قالت نمرود قال ع ومن ربّ نمرود فلطمته وقالت اسکت

وهو اوّل من هاجر من وطنه فی طاعة الله تعالی حفظاً لایمانه
حین سأله النمرود وهو اوّل من جرّد من ثیابه فی سبیل الله فلذا
کساه الله تعالی فی ذلک المحل قمیصاً من الجنّة اوّل کسیکه نام سیدنا
موسی موسی علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام بود پس از آنکه آسیه
یافت او را ونام او را موسی نهاد و بلغت عبری موشه است زیرا
که یافت او را میان آب و درخت و مو در لغت عبری ماء است
و سو وشه و سا در لغت عبری شجر است اوّل من سمّی محمّداً واحمداً رسول
الله صلّی الله علیه وآله واوّل عین نظر الی الله عزّ وجلّ هو النبیّ
وهو اوّل الانبیاء فی الخلق وآخرهم فی البعث فی نزهة النّواظر
اوّل نذیر من التّرک نجاشی النبیّ قال السّیّد مؤمن الشّافعی فی
نور الأبصار فی ذکر النبی صلی الله علیه وآله وامّا اسیر فمنهم
باذان بن ساسان من ولد بهرام امره علی الیمن وهو اوّل امیر
فی الاسلام علی الیمن وهو اوّل من اسلم من ملوک العجم وفیه لم
یتزوّج علیّ علی فاطمة حتّی ماتت وکانت اوّل ازواجه قال
ابن عبّاس لیس آیة من کتاب الله تعالی یا ایّها الّذین آمنوا الّا و
علیّ اوّلها وامیرها وشریفها فی نور الأبصار الشّافعی ابان بن
عثمان عند العایشة فی حرب الجمل فقتل وکان اوّل من
انهزم اوّل من اذّن لرسول الله صلّی الله علیه وآله بلال
بن رباح ولم یؤذّن بعده لاحد من الخلفاء الّا لعمر لما فتح
الشّام اذّن بلال فتذکّروا النّاس النّبیّ فبکوا بکاءً شدیداً فی

نور الأبصار للسيد مؤمن الشلبنجي الشافعي أوّل من ملك من
آل عثمان في ممالك الروم الأمير عثمان الغازي بن الأمير
ارطغرل بن سليمان شاه في أخبار الدول وكان السلطان
اورخان بن السلطان عثمان خان بنى بازنيق جامعاً ومدرسة
وهي أوّل مدرسة بنيت في الدولة العثمانية في أخبار الدول
أبي جعفر المنصور عبد الله بن محمد العباسي أوّل ما فعل أن
قتل أبا مسلم الخراساني وهو أوّل خليفة المنجّمين وعمل بأحكام
النجوم وهو أوّل خليفة ترجمت له الكتب السريانية والأعجمية
بالعربية ككتاب كليلة ودمنة وأقليدس وهو أوّل من رخّم
الحجر قال صاحب تاريخ الدول القرماني وفي سنة ثمان وخمسين
ومائة شكى الناس ضيق المسجد الحرام فاشترى المنازل التي
حوله حتى زاد فيه وعمّر مسجد الخيف بمنى ورخّم الحجر وهو أوّل
من رخّمه محمد المهدي أمر بعمارة طريق مكة وقصر المنابر وصيّرها
على مقدار منبر رسول الله صلعم وهو أوّل من جهّز القصر وعيّنه
لأهل الحرمين محمد أبو عبد الله بن المتوكّل وهو أوّل خليفة
أحدث الركوب بحيلة الذهب وكان الخلفاء قبله يركبون
بالحلية الخفيفة من الفضة أوّل من ملك منهم بالمغرب
أبو محمد عبيد الله المهدي أوّل من ضرب على الحجر ثمانين جلدة
وهو أوّل من حرّم المتعة وهو أوّل من نهى عن بيع أمهات الأولاد
وهو أوّل من جمع الناس في صلوة الجنازة على أربع تكبيرات وهو

اوّل من نصب القضاة فی الامصار فی اخبار الدّول واخرج
البخاری فی تاریخه عن ابن المسیّب قال اوّل من کتب التّاریخ عمر
بن الخطّاب بسنتین ونصف من خلافته فکتب لستّة عشر من
الهجرة بمشورة علی ع واخرج بن سعد عن شدّاد قال کان اوّل
کلام تکلّم به عمر حین ولی الخلافه وصعد المنبر ان قال اللّهمّ
انّی شدید فلیّنی وانّی ضعیف فقوّنی وانّی بخیل فسخّنی اوّل
المهاجرین عثمان فی اخبار الاوّل اوّل من کتب باسمک اللّهمّ
امیّة بن الصّلت الثّقفی فی تاریخ الدّول اوّل من سکن الارض
امّة یقال لهم الجن والبن نزل علی آدم عشر صحائف فی عشرین ورقة
وهی حروف المعجم وهی اوّل کتاب فی الدّنیا فی تاریخ الدّول اوّل
شیٔ اکله آدم فی الجنّة العنب واخر شیٔ اکله قبل الحنطة العنب
فی تاریخ الدّول اوّل من کتب بالخطّ العربی عبد الضخم بن ارم
بن سام بن نوح علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام بود فی سبائک
الذّهب اوّل ملوک کیانیه کان کیقباد فی اخبار الدّول وانا
الاوّل اوّل من اتّخذ انواع الاطعمه وقسم الغنایم علی جیوشه
هوزاب بن طهماسب فی اخبار الدّول اوّل من نظر فی علوم
النّجوم والحساب ادریس علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام وهو
اوّل من سبی من ولد قابیل بن آدم فاسترقّ منهم فی تاریخ ابن
اثیر وحضرت ادریس اوّل کسیست که خطّ نوشت در تاریخ ابن
اثیر وانچه در مناهج جار الله الهلالی است باری تعالی ز کتب

سماوی سی صحیفه بود و فرستاده را بخط خود نوشت و اوّل
کسیکه رسم جهاد و غزا او نهاد در راه خدا و در تقویت شرع شمشیر
زد در مناهج الطالبین و اوّل کسیکه جامه دوزی کرد برای
بنی آدم در حدیث آمده که بهر دوزی تسبیح میگفت و پیش از
وی کسی جامه بریدن و دوختن را ندانستی پوست چهارپایان
بر قامت راست کردی و در خویشتن بستندی و پیراهن و زیر
جامه را آن جناب ساز کرد مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه
فرمود ای پسر عباس اوّل سخنیکه حق تعالی با من گفت این بود
که فرمود ای محمّد نظر کن بزیر خود چون نظر کردم دیدم که حجابها
شکافته شد و درهای آسمان کشوده شد الخ اوّل کسیکه قرآن
را جمع کرد و ترتیب داد و نوشت امیر المؤمنین علی ع بود در حق
الیقین اوّل کسیکه وضع لغت و خط عربی کرد اسمعیل ع
بود در نفائس الفنون اوّل کسیکه در ترکیب اغذیه و تدبیر
ادویه مستحدثات بدیع انداخت مرا یادکم اوّل سلاطین
عجم قبل از هبوط آدم است در ناسخ و غیره و اوّل کسیکه پشم
از گوسفند باز کردن آموخت اوّل کسیکه علم فال بینی که
مانند رمل چیزیست اختراع کرد اوّل ا رطبفه دوم چین
قبل از هبوط آدم بود در ناسخ و در باب رمل چند کتاب انشاء
کرده و مرتب داشت و اوّل کسیست که شیوهٔ زنا شوئی و
زفاف میان آدم و اوّل کسیستکه برای صید ها دام ساخت

اوّل کسیکه نحو تعلیم کرد امیر المؤمنین ع بود که ابا اسود دئلی
داخل شد بر امیر المؤمنین علیه السّلام حضرت رقعه بجانب
او انداخت نوشته بود بسم الله الرّحمن الرّحیم الکلمة ثلثة
اشیآء اسم و فعل و حرف جاء لمعنیً فالأسم ما انبأ عن المسمّی و
الفعل ما انبأ عن حرکة مسمّی و الحرف ما اوجد معنیً فی غیره
ابو الأسود گفت یا امیر المؤمنین این کلام نیکو و احکم یا اوبدیع است
که من نشنیده ام فایده اش را حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود
من شنیده ام در بلاد شما غلط فاحش را دوست دارم که نوشته
بنویسم هر کس در او نگاه کند تمیز دهد بین کلام عرب و کلام
آن جماعت ابو الأسود گفت وفقنا بك یا امیر المؤمنین للصّواب
فی زهر الربیع للسیّد الجزائری اوّل چیزیکه قوم هود را بعد وقوع
عذاب شریف و تنبیه کرد باد بود که در امداد ایشان را که نگاه
کردند و مردان و کودکان و چهارپایان را دیدند که در هوا
بین الأرض و السّمآء پرواز کردند و باد سنگها را از زمین
بهوا پرّان می کرد بر سر مغزهای ایشان میزد و هلاک می
کرد و مناهج الطالبین اوّل کسیکه در زمین آتش پرستید
قابیل بود فی کامل ابن اثیر و مناهج و غیرها است قابیل چون
هابیل را کشت ابلیس بیامد و گفت دانی که آتش چرا قربانی
برادرت را قبول کرد و از آن تو را نه قابیل گفت نمیدانم گفت
برای آنکه هابیل آتش پرستیدی تو نیز آتش را سجده کن

تا از تو خوشنود شود و مملکت زمین با تو بماند قابیل بقول
شیطان رجیم عمل کرد اول شخصی که هوشنگ در جلوس سلطنت
گفت این بود که ما بخدائیم خوشنود و بر خشمیم از برای بنی آدم
و شیطان و اول کسیستکه ملقب به پیشداد شد در مناهج که
از غایت معدلتش باین لقب خوانده شد و اول کسیستکه فرش و
زیلو و قالی بر زمین انداخت و اول کسیست که بر تخت جلوس کرد
پیش از آن شاهان را این رسم و آئین نبود در مناهج و اول کسی
است که مردم را بر شتر سوار کرد علامه مجلسی باسانید معتبره بسیار
نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از
حضرت رسول خدا م پرسیدند که بچه سبب تو سبقت
گرفتی بر پیغمبران و از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه
مبعوث شدی فرمود زیرا که من اول کسی بودم که اقرار به
پروردگار خود کردم و اول کسیکه جواب گفت در وقتیکه
حق تعالی میثاق و پیمان گرفت از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان
را بر نفسهای ایشان که گفت أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ یعنی آیا نیستم من پروردگار
شما گفتند بلی پس اول پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت
گرفتم بر ایشان در اقرار بخدا در حیوة القلوب اول کسیکه روز
عاشورا از انصار حسین شهید شد مسلم بن عوسجه بود که در
زیارت ناحیه اگر خوانده باشی آقا میفرماید و کنت اول من
شری نفسه و اول شهید شهد الله و قضی نحبه اول کسیکه

شبث

سنت نهاد و برکعت نماز را در نزد قتل خبیب بن عدی از
کبار اصحاب سید مختار بود عن ابوهریره اوّل من سنّ الرکعتین
عند القتل لانه قتل جبرا خبیب در غزوهٔ رجیع اسیر گشت بمکه
آوردند منافقان فروختند او را دختر حارث بن عامر بعبد شتر
خرید که در ازای پدرش حارث که مقتول یوم البدر بود شهید
نماید در ناسخ اوّل کسیکه گفت انّا لله وانّا الیه راجعون
امیرالمؤمنین علیه السّلام بود در مصیبت برادرش جعفر طیّار
پس از آنکه خبر قتل جعفر بسمع امیرالمؤمنین علیه السّلام رسید
فرمود انا لله الخ و در نورالعینین و در ضیاء التفاسیر از میر محمد
صادق موسوی خوانساری آمده در حدیث است که بتفسیر
الصّابرین در حق امیرالمؤمنین علیه السّلام است که چون خبر
شهادت برادرش جعفر را از موته آوردند حضرت فرمود انّا
لله وانّا الیه راجعون و هیچکس پیش از امیرالمؤمنین این
کلمات را نگفته بود حق تعالی فرمود من این را سنّت کردم تا بعد
از وی هر مصیبت زده که اقتدا بوی کند من صلوات و
رحمت نامتناهی با او کرامت فرمایم عبدالله بن عبّاس گفت که
اوّل چیزی که بعد از قلم مخلوق شد لوح محفوظ بود اوّل کلمه
که قلم بفرمان حضرت باری تعالی بر لوح نوشت این بود بسم الله
الرحمن الرحیم انّی انا الله لا اله الّا انا و محمد صلّی الله علیه وآله
رسولی من استسلم بقضائی وصبر علی بلائی وشکر علی نعمائی

ورضی بحکمی بعثه یوم القیامة مع الصدیقین ومن لم یسلم
بقضائی ولم یصبر علی بلائی ولم یشکر علی نعمائی ولم یرض بحکمی
فلیتخذ الهاً سوائی بعد از آن آنچه در علم الله مقدر بود در شأن
مخلوقات تا روز قیامت قلم بحکم الله بر صفحات لوح ثبت کرد
اوّل خونی که بر زمین ریخت خون هابیل بوده در انوز ربیع
مردم کشته شدند قال المجلسی فی حیوة القلوب اوّل من
کتب الشرح المزجی من اصحابنا هو الشهید الثانی ره فی روضات
الجنّات مؤلف این وجیزه گوید که اوّل کسیکه شرح مزجی
نوشت از علمای امامیه خواجه نصیر الدین طوسی بود و اکنون
آن شرح حاضر است گویا بنظر مصنف روضات نرسیده باشد
اوّل کسیکه در جهان خطبه خواند کیومرث بود چون
مملکت او را مسلم شد بهر شهری که رسیدی خطبه کردی
و خدای جل جلاله را حمد و ثنا گفتی در مناهج الطالبین
مؤلف گوید خطبهٔ غرّا بلسان سریانی املا کرد بزبان
عربی این الفاظ امده الحمد لله الذی من علینا بکرامته واصطفی
بدینه و امانته احمده علی آلائه و نشکره علی نعماء الذی علی
انبیائه یقول دعوته و شمول نعمته عباد الله انتبهوا من
نومة الغفول واستیقظوا من رقدة الذهول وانظروا
العیون الاعتبار الی ما صبّت من البوار علی بقات ملکم
والمجاهرین بالعصیان جمعوا اللذات من البغی والخسار

حتی ابتلاهم الله بحرّ السّیف وحرّ النّار الخ چون مبنای این رساله
بر اختصار است از باقی خطبه چشم پوشند اوّل منجنیقی که در
دنیا ساخته شد منجنیقی بود که برای ابراهیم در کوفه ساختند و شهری
که او را کوثا میگویند در قریه که او را قطا نامیده‌اند و شیطان
او را ساخت و چون ابراهیم را در منجنیق نهادند و خواستند که
با تش اندازند جبرئیل آمد و گفت السّلام علیک یا ابراهیم
ورحمة الله وبرکاته ایا تو را حاجتی هست گفت امّا الیک
فلا بو حاجتی ندارم پس در آنوقت ایزد منّان ندا کرد با تش
که سرد باش در حیوة القلوب اوّل کسیکه سفیدی در
محاسنش پدید آمد و حال آنکه پیش از آن بیاض در لحیه
افراد انسان ظاهر نگشته بود چون پدید آمد ابراهیم مضطرب
گشت حقیقت آنحال را از بارگاه احدیّت سؤال نمود خطاب
رسید که ای ابراهیم این وقار است که بتو ارزانی داشتیم آن
حضرت مسرور گشت گفت اللّهمّ زدنی وقارًا و اوّل پیغمبری
است که در راه خدا هجرت فرمود اوّل کسی را که روز جزا حلّه
خواهند پوشانید آن جناب خواهد بود و اوّل کسیست که
قتال بشمشیر کرد و قسمت غنیمت نمود و اوّل کسیست که سفره
ضیافت گسترد و اوّل کسیستکه مسواک کرد و اوّل کسیستکه
قطع موی لب کرد و اوّل کسیست که مضمضه واستنشاق
کرد و اوّل کسیست که فرق موی کندن و موی بغل وستردن

انه نمود و اوّل کسیست که ناخن چید و استنجا باب و پوشیدن
سراویل بیاموخت و اوّل کسیست که ختنه کرد در سبائک الذهب
وهو اوّل من صافح هانق فی سبائک اوّل کسیکه از مردان برسول
خدا صلعم ایمان آورد و بنبوّت او اقرار کرد علی بن ابیطالب علیه السلام
بود در حیوة القلوب و اوّل کسیکه از زنان بحضرت سید
انبیاء ایمان آورد و جمیع مال خود را در رضای او صرف کرد
خدیجهٔ بحلله بود اوّل جماعتیکه پیش از همه محشریان
که شیعیان امیر المؤمنین هستند وارد بهشت می شوند
حواریون محمد صلعم و علی ع و امام حسن ع و امام حسین ع و علی بن
الحسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق می باشند در
بحار اوّل روزها نوروز است که در او آفتاب طلوع کرده است
و بادهای آبستن کننده درختان وزیده است و گلهای زمین
و شکوفها آفریده شده است در زاد المعاد اوّل کسیکه بعربی
تکلم نمود حضرت اسماعیل بود در حبیب السیر امّا اکثر اهل
تحقیق گفته اند اوّل من تکلم بالعربیّة یعرب بن قحطان بن
هود کما ثبت مؤلف گوید بر ارباب دانش مکشوف باد که
تفریق بین الروایتین بدین طریق ممکن است که بگوئیم
اوّل کسیکه از اهل یمن بعربی تکلم نمود یعرب بن قحطان بود
و اوّل کسیکه از متوطنان مکه بدان لغت سخن گفت اسمعیل
ذبیح الله بود اوّل کسیکه دار کشید و قطع اعضا کرد ضحاک

صار دوش بود فی اخبار الدول واول کسیکه مثله کرد و گوش و بینی را برید واول کسیکه تازیانه زد فی ناسخ التواریخ واول کسیکه مال مردم را بظلم گرفت فی خزائن اول کسیکه طنبور بساخت قوم لوط بودند اول کسیکه خندق ساخت منوچهر بن ایرج بود و هو اول من وضع الدهقنة وجعل لکل قریة دهقانا فی اخبار الدول اول کسیکه قرار داد نافله ماه رمضان را بجماعت کنند و بشهرها نوشت که چنین کنند و خانه رویشد ثقفی را سوزانید که نبیذ میفروخت عمر بود واول کسیکه عسس و شبگردی را اختیار کرد واول کسیکه تازیانه برای تادیب مردم مقرر کرد و میگفتند که تازیانه عمر مهابتش بیشتر از شمشیر حجاج بود واول کسی بود که عمال خود را جریمه نمود و نصف اموال ایشان را گرفت و مسجد حضرت رسول صلعم را خراب کرد و زیاد کرد و از جمله آنچه داخل کرد خانه عباس بود اول کسیکه سبحان الله گفت جبرئیل بود چون خدای تعالی وی را بیافرید چشمش بر عظمت عرش افتاد گفت سبحان الله هر که بگوید ثواب جبرئیل یابد در بحر المعانی اول کسیکه الحمد لله گفت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام بود و چون روح بقالب وی درآمد پرتوان بر منظر دماغ افتاد آدم ع عطسه زد و گفت الحمد لله هر که بگوید از فضل آدم ع نصیبی یابد و اول کسیکه لا اله الا الله گفت نوح ع

نبی بود که چون طوفان از تنور امد ونظر نوح بر هیبت وشدت
ان بلا افتاد لا اله الخ کفت هر که بکوید از ثواب نوح علی نبینا
واله وعلیه السلام بهره یابد در بحر المعانی اوّل کسیکه الله
اکبر کفت ابراهیم علیه السلام بود که چون حق تعالی کبشی فدای
اسماعیل فرستاد که فَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ وابراهیم علیه السلام
کبش را دید کفت اَللّٰهُ اَکْبَرُ هر که بکوید از فیض ابراهیم قسمتی
بوی رسد اوّل کسیکه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ
کفت حضرت رسالت بود که هر که بکوید شفاعت رسول الله
دریابد در بحر المعانی اوّل کسیکه برای وی قرعه زدند
مریم بنت عمران بود اوّل کسیکه بی واسطه ایزد متعال
با او سخن کفت حضرت موسی علی نبینا واله وعلیه السلام
بود که متکلم خدا شد اوّل کسیکه مصافحه کرد در روی
زمین حضرت خلیل الرحمن وذو القرنین بودند چون مقابل
یکدیکر رسیدند وابراهیم ملاقات کرد او را با او مصافحه
کرد در حیوة القلوب اوّل کسیکه جهة اخراج املاک وضبط
املاک جریدها وحساب مرتب داشت انوشیروان بن قباد
بود واوّل کسیست که درخت کل ومرزنجوش از بلاد روم بر
ایران اورد واوّل کسیست که جوارش کمونا فرمود ساختند
اوّل چیزیکه قلم نوشت این بود اَنَا التَّوَّابُ اَتُوْبُ عَلٰی مَنْ تَابَ
اوّل عضوی از اعضاء ادمی که خدا خلق کرد فرج بود نشم

قال

قال هذا امانتی عندك فلا تضعها الا فی حقها اوّل قریه
که در زمین بنا شد قریه ثمانین بود که نوح نجی الله بنا کرد وقتی
که بیرون آمد از کشتی و موسوم ساخت از ابنا ثمانین خبرائین و
سمیت باسم الثمانین والذین کانوا معه فی السفینه مؤلف
گوید از نزهة القلوب احمد الله مستوفی آمده سوق ثمانین
دیهی بوده است در پای کوه جودی که نوح پیغمبر بوقت آنکه
از طوفان خلاص شد ساخت وان اوّل مقامی است که بر روی
زمین بعد از طوفان ساخته اند و اکنون خراب است اوّل
حائطی که بعد از طوفان بروی زمین وضع کردید حائط حرّان
دمشق بود فی تاریخ ابن عساکر اوّل کسیکه تعیین ساعات
دوازده گانه را کرد نوح ع بود در کشتی از برای شناختن اوقات
نماز همچنانکه گفته است ابن عبّاس اوّل کسیکه مسجد بنا کرد
عمّار بن یاسر بود و در او نماز کذارد اوّل کسیکه خطبه بر منبر
انشا کرد حضرت ابراهیم بود اوّل درختیکه نوح ع بعد از طوفان
غرس کرد شجره آس بود اوّل آیه که بر خاتم رسل نازل شد
بسم الله الرحمن الرحیم بود اوّل کلمهٔ که حضرت رسول فرمود در
وقتیکه داخل مدینه شد اینست ایها الناس اطعموا الطعام
وافشوا السلام وصلوا الأرحام وصلوا باللیل والناس نیام
فادخلوا الجنة بسلام چنانکه این خبر از عبد الله بن سلام
رسیده است در روضات الجنات اوّل من اتخذ الخصیان

مخاص خدمته معوية اوّل من جعل القضاة الأربعة من كلّ
مذاهب قاضي القضات الظاهر بيبرس بمصر في سنة ستّ
وسبعين وستّ مائة ثمّ جعل ذالك في الشام وحلب اوّل
كسيكه حفظ كرد قران مجيد را ابو الأسود الدّئلي بود بامر
عبد الملك بن مروان وقيل الحسن البصري اوّل من وضع
الهمزة والتّشديد والرّوم والاشمام الخليل عليه السّلام
اوّل كسيكه تصنيف كرد غريب القرٰان را ابو عبيدة معمّر بن
المثنّي بود كه اخذ كرده از اصليّه نافع بن الأزرق از ابن عبّاس
واوّل كسيست كه تصنيف كرد غريب الحديث را وقيل النّضر
بن شميل اوّل كسيكه تصنيف كرد احكام قرٰان را امام شافعي
بود اوّل من دوّن الحديث ابن شهاب الزّهري كما ذكره الحافظ
ابو النّعيم اوّل من صنّف فيه ورتّبه على الأبواب مالك اوّل
كسيكه در علم رجال سخن كرد شعبه بود اوّل كسيكه تكلّم كرد
در مختلف الحديث وتصنيفي ساخت شافعي بود اوّل من
رتّب انواعه ونوّعه الأنواع المتهورة الأ ابن الصلاح في
مختصره المشهور اوّل كسيكه در مغازي تصنيف كرد
عروة بن الزّبير بود اوّل كسيكه اورا شاهنشاه نام گفتند
عضد الدّوله ابو الشّجاع فنا خسرو بن حسن من آل بويه
بود واوّل كسيستكه بر منابر بغداد بعد از خليفه نام او
مذكور كرديد اوّل كسيكه از نقباء دوازده كانه با حضرت

رسالت بیحث کرد ابو الاسود بود اوّل کسیکه علم نحو را با
ارشاد و املای امیر المؤمنین علیه السّلام تدوین فرمود ابو الاسود
ظالم بن عمرو الدّیلی البصری بود اوّل کسیکه از صحابه در روز
صفّین بدرجهٔ رفیعهٔ شهادت رسید ابو السّفاح البجلی بود ابن
داود گوید عبد اللّه بن علیّ بن ابی شعبه الحلبی اوّل کسیست که
از اصحاب حضرت امام جعفر الصّادق علیه السّلام کرد در
فقه و حدیث امامیه تصنیف فرمود اوّل کسیکه در فقه
تصنیف کرد ابو حنیفه بود اوّل کسی که حدیث کوفیان را در
بلدهٔ قم منتشر ساخت شیخ ابراهیم بن هاشم الکوفی القمی بود
اوّل کسیکه از مجتهدان امامیه با مالک موافقت کرد در
آنکه آب قلیل بمجرّد ملاقات نجاست نجس نمیشود حسن بن
علیّ بن ابی عقیل العمّانی بود اوّل من قاس امر الدّین برأیه
ابلیس اخرجه ابو نعیم فی الحلیة اوّل کسیکه در علم کلام
تصنیف ساخت ابو حذیفه واصل بن عطاء المعتزلی و
هو اوّل من سمّی معتزلیا و اوّل من قال الحق یعرف من وجوه
اربعة کتاب ناطق و خبر مجتمع علیه و حجة عقل و اجماع من
امة اوّل من صنّف فی الأصول الفقه الشّافعی بالاجماع
اوّل من وضع اللّغة علی الحروف الخلیل بن احمد بن تمیم
الأزدی البصری و اوّل کسیستکه اختراع علم عروض کرد
و آنرا میزان شعر ساخت و منشاء اختراع او آن بود که

روزی در بصره در کوچه کازران میگذشت از کوفتن کذین
ایشان اوازهای مختلف شنید و با خود گفت که از اینجا
اصلی را میتوان استنباط نمود که کسی بران سبقت نگرفته
باشد انگاه علم عروض را بروجهی که درمیان مردم شایع آ
وضع نمود کذا فی تذکره عبدالله معتز اوّل کسیکه در ولایت
قم ساکن شد سعد بن مالك بود در کتاب خلاصة الاقوال
علامه مسطوراست که علی بن اسماعیل بن شعیب الاسدی
الکوفی البصری اوّل کسیستکه بر قانون علماء کلام در مذهب
اهل بیت کرام تکلّم نمود و دران علم تصنیفی فرمود اوّل من
قصد القصاید مهلهل وقیل امرأة القیس اوّل من نظم
الشعر الفارسی ابو العبّاس بن جیود المروزی واین قول
سیوطی است مؤلف گوید دیده شده اوّل من قال الشعر
بلغة الفرس هو بهرام جور الملك المشهور حیث قال

منم ان پیل دمان و منم آن شیر یله	نام من بهرام گور و کنیتم بوجبله

اوّل کسیکه زبان بسخن موزون برگشاد هوشنك دوّم
پادشاه قدیم عجم بود در مجمع الفصحاء و قیل بل الاوّل
منهم ابو جعفر بن حوض بن سعد بن سمرقندی کان فی سنة
ثلثمائة والشعر هذا اهوی کوهی در دشت چگونه رودا
یار ندارد بی چگونه رودا اوّل کسیکه بواسطه خوابی که دیده
بود از مطالعه اهل کتب اهل سنّت اجتناب ورزید و به

تحصیل

بتحصیل علوم حکمت وکلام اشتغال نمود امیر صدر الدین
محمد الدشتکی الشیرازی ره بود اول کسیکه علم صرف را وضع
کرد ابو مسلم معاذ بن المسلم الهراء النحوی الکوفی بود واینکه
شیخ کافجی گفته که واضع ان معاذ بن جبل بود خطاء است در
مجالس المؤمنین اول شبهه که در عالم پیدا شد شبهه ابلیس
بود منشاء صدور ان استبداد بود برای خود در مقابله
نص الهی واستکبار بماده آفرینش خود که آتش بود بر ماده
آفرینش آدم که گل بود حیث قال أَنَا خَیْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِی مِنْ نَارٍ
وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِینٍ مؤلف گوید از ائمهٔ طاهرین مرویست
که فرمودند سجده وتعظیم بر آدم از جهة نور محمد وآل محمد
صلی الله علیه وآله اجمعین بود همه ملائکه سجده کردند
وپیشانی مسکنت بر زمین نهادند جز ابلیس که از تکبر نمود

که خود را برتر از او تصور نمود	بفرمود ایزد که ای بی ادب
چه باشد ترا زین تکبر سبب	بگفتا که زین کار باید خوشم
که آدم ز خاک و من از آتشم	کجا خاک را سجده ز آتش خوش است

که آتش بطبع خوش سرکش است پس بر عارفان معلوم شد شیخ
ادیب اریب شاعر معاصر شیخ الرئیس خراسانی حائری گوید
تا که شد از تارکش تاج تبارک واشرف قول کرمنا بنی آدم شد
آدم را خطاب گشت مسجود ملائک آدم خاکی از آنک
داشت اندر جبهه نور پاک آل والاجناب ورنه بر آدم

ملك در تجديد ذا امر عجيب   نور وانكه سنة هناك انه شيء عجاب
وايضاً اوّل شبهه كه در ملّت محمّدى عليه واله شرائف
التحيّات بظهور رسيد رمع بن بطاخ معروف بود چه او
نيز در مقابله نصّ حضرت رسالت پناهى كه ائتونى بدوات
وقرطاس اكتب لكم كتاباً لن تضلّوا بعدى يعنى بياوريد پيش من
دوات وكاغذ تا از براى شما چيزى بنويسم كه اگر بان عمل كنيد
هرگز گمراه نشويد اوّل من صنّف فى البديع وسمّاه بهذا الاسم
عبد الله بن المعتز اوّل كسيكه تصنيف كرد در معانى بيان
شيخ عبد القاهر جرجانى اوّل كسيكه احداث كرد فلسفه و
حكمت روم بود در زمان حضرت موسى اوّل من تشهّر بالفلسفه
ونسبة اليه الحكمه فلوطرخس بمصر اوّل من تكلّم فى الرياضيات
وافرد علما اوقليدوس اوّل كسيكه حلّه را عمارت كرد و در
انجا نزول نمود امير سيف الدوله صدقة بن منصور بن على
بن مزيد الاسدى اوّل كسيكه قاهره مصر را احداث كرد جوهر
غلام معز الدين الله علوى فاطمى اسماعيلى بود اوّل كسيكه
موصل را احداث نمود وايد بن بيوراسف نام داشت و
نام او در لسان فرس نوار دشير بود ابن مقنع گويند كه اوّل
شهريكه بعد از طوفان نوح بنا كردند وبانى آن معلوم نيست
اوّل كسيكه اخراج علم طب كرد ارسطاطاليس بود از اهل
استخر در عهد اردوشير بن دارا بوده اوّل كسيكه وضع كرد علم

طب را بقراط بود اوّل کسیکه تاریخ نهاد هجرت نبوی را عمر بن الخطّاب بود بمشورت مولای متّقیان امیر المؤمنین علیه السّلام در سال شانزدهم هجرت وهو اوّل من وضع اسم الدّیوان لدفتر یکتب فی اهل الجیش واهل العطیّة کما فی القاموس وکانّه توسّع فیه بعد ذلك فسمّی اتباع الملوك والامراء والحکّام الدّنیویّه جمیعا باهل دیوان اوّل کسیکه چرخهان را بنا کرد یزید بن مهلب بن صفره بود اوّل کسیکه از سادات عظام موسویّه در مشهد مقدّس رضوی نقیب شد سیّد طاهر بود واز ان وقت تا این زمان نقابت موسویّه در نسل او باقیست فی مجالس المؤمنین لمولانا القاضی نور الله الحسینی التستری نوّر الله مرقده اوّل کسیکه در شهر مصر در ترتیب حالات و مقامات اهل بلد سخن گفت ذو النّون مصری بود اوّل من تغنّی ابلیس ثمّ زمر ثمّ حدا او رده فی العروس عن علی بن ابی طالب علیه السّلام واوّل من دلّ علی ترکیب الأفلاك و قدر وسیر الکواکب وکشف عن وجوه تاثیراتها ادریس علیه السّلام ذکره الثّعالبی فی لطائف المعارف قلت وفی اخبار الامامیّة انّه اوّل من وضع علم الرّمل واخبر بالملاحم وکتب اختیارات السّنة هو اذانیال علیه السّلام اوّل من زاد فی الکتاب بعد الحمد لله واسئله ان یصلّی علی محمّد صلّی الله علیه واله کان هرون الرّشید اوّل کسیکه حکم بلعن اعدای اهل بیت

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی قدس سره العالی و رساله لغتیه از مصنفات اوست زیاده از بیست نفر اصحاب را اسم برده است و آن نسخه در نزد مؤلف موجود است اوّل اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب جعفر بن ابی طالب در موته بود چون بجادله کرد و از مرکب پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اوّل من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمک فی ایام السفاح وکانت قبل ذلک تکتب فی دراج اوّل من خلع علی من ولده من اهل الدوله الرشید خلع علی جعفر البرمکی حین ولده الوزارة اوّل من مات حتف انفه رسول الله صلعم سید اجل مرتضی ره در کتاب مستفی این دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

وکان ولی الامر بعد محمد	علی فی کل المواطن صاحبه
وصی رسول الله حقا وجاره	واوّل من صلی ولدن جانبه

قال السیوطی اوّل من قال جعلت فداک ابن عم قیل علی بن ابیطالب قلت وکلامه ذلک منه ره فی مجالس مخاطبة مع رسول الله صلی الله علیه وآله کما نقل عن صاحب الکشاف اوّل کسیکه اجر را پخته کرد هامان بود اوّل کسیکه انصار را بر خلافت سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او گفته علی

علیه السلام در خانه ساکن شده بتعزیه رسول خدا مشغول
شد و قرشی دیگر لا ثُقَ اینکار نیست شیخ ابو جعفر طوسی ره در
کتاب امالی از قیس بن سعد روایة نموده قال سمعت علی بن
ابیطالب علیه السلام یقول انا اوّل من یجثوی بین یدی الله
عزّ وجلّ یوم القیمة للخصومه یعنی حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که من اوّل کسی خواهم بود که نزد خدای تعالی جهة خصومت مخالفان
خود زانو بر زمین خواهم زد در خبر است که مرد شامی خدمت
علی ع سؤال کرد از اوّل زنیکه دامن خود را بر زمین کشانید
فرمود هاجر بود هنگامیکه فرار کرد از دست ساره وسئل
عن اوّل من جرّ ذیله من الرجال قال قارون اوّل کسیکه
نعلین پوشید ابراهیم بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسی
که از انصار در روز سقیفه با ابی بکر بیعت کرد بشر بن
سعد بن ثعلبة الخزرجی الانصاری بود در تواریخ الأمه
اوّل کسیکه در شعب عقبه بحضرت رسالت بیعت کرد
براء بن معرور انصاری بود و اوّل کسیکه رو بکعبه
نماز کرد و اوّل کسیکه بثلث مال خود وصیّت نمود اوّل
سریکه در اسلام از شهری بشهری بردند سر عمر بن الحمق
الخزاعی ره بود که زیاد از تن جدا ساخت و بنزد معاویه
فرستاد اوّل کسیکه خواند در آخر خطبه اِنَّ اللهَ یَأمُرُ
بِالعَدلِ وَالاِحسانِ الآیة عمر بن عبد العزیز بود اوّل کسی

که قرائت کرد در اخر خطبه إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ الخ مهدی عباسی
بود اوّل کسیکه تمنّای مرگ کرد یوسف نبی بود قال السیوطی
اوّل من نقل من قبر الی قبر علیّ بن ابیطالب ثم قلت وهو باعتقاد
المخالف لما هو الحق والتحقیق ثم قال اوّل من اتّخذ الکیمیا
قارون وهو ایضًا اوّل من لبس الثّیاب الحمر ومن اطال الثّیاب
وسحبها کما ذکره الثعالبی اوّل زنیکه رسول خدا تزویج کرد
خدیجه بنت خویلد بود اوّل از پسران آدم صفیّ الله قابیل
بود اوّل فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النّساء اوّل قضیّة
ردّت من قضاء رسول الله علانیة دعوة معاویة زیادا اخرجه
ابن عساکر عن سعید بن المسیّب وغیره واخرج عن عمرو بن نجیه
قال اوّل ذلّ دخل علی العرب قتل الحسین علیه السّلام و
ادعاء زیادا اوّل هاشمیّة ولدت هاشمیّة ولدت الهاشمی
امّ علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فاطمة بنت اسد اوّل من نحی
النّبی فی الاسلام علیّ بن ابی طالب علیه السّلام وکانت
الخلفاء قبله یحبسون فی الدّیار اوّل من استخرج النّفر فی زمن
نوح النّبی علیه السّلام وهو اوّل من اتّخذ الکلاب للحرسه
اوّل من اتّخذ الجار بالجار والولی بالولیّ مروان بن الحکم
اوّل ذنب عصی الله به الحسد اوّل من اتّخذ السّلاح وجاهد
استرق الرّقیق ادریس علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام بود اوّل
من قاتل فی سبیل الله ابراهیم علیه السّلام حیث امر لوط والرّوم

نمرّا ابراهيم حتى استقلّ وهما وهو اوّل من عمل القسىّ كما عن
ابن عبّاس وعنه ايضاً اوّل من ركب الخيل اسماعيل وكانت
قبل ذالك وحشاً اوّل ما يرفع من هذه الامّة الحياء والامانة
عن النبىّ انه قال فى زينة المجالس انّ اوّل من سجد الى آدم
من الملائكة سجدة تحيّة اسرافيل فكتب الله على جبهته كلّ
القرآن اوّل من اتّخذ الجوهر جان افريدون فى كامل البهائى
اوّل من ارتجّ عليه فى الخطبة عثمان اوّل من خطب جالسا
حين كثر شحمه وعظم بطنه معاوية اوّل من استراح فى الخطبة
يوم الجمعة عثمان بن عفّان فى كتاب السّيوطى وهو اوّل
من خطب فى العيد قبل الصّلوة واوّل من فوّض اخراج
زكاتهم اوّل غزوة غزاها رسول الله صلى الله عليه وآله
بنفسه غزوة ودّان فى صفر من السّنة الثانية قبل بدر و
لم يحصل منها طائل قال الغزالى فى كتاب احياء العلوم
اوّل من سنّ دعوة المبتدعة بالمجادلة الى الحقّ على بن ابى
طالب عليه السّلام وقد ناظر فرق الملحدة فى متناقضات
القرآن فى كتاب صراط المستقيم للشيخ نور الدين على البياضى
ره قال رسول الله صلى الله عليه وآله اوّل من ياكل من
شجرة طوبى على بن ابى طالب عليه السّلام ايضاً فيه قال
علىّ حين بلغه انّه يكذب على من اكذب على الله تعالى
انا اوّل من عبده ام على رسول الله فانا اوّل من صدّقه ايضا

فيه عن سلمان قال النبي صلى الله عليه وآله اولكم ورودا على
الحوض اولكم اسلاما علي بن ابي طالب عليه السلام ايضا
فيه عن ابوذر قال النبي لعلي صلوات الله عليهما انت اول من امن بي
ايضا فيه عن زيد بن ارقم قال اول من صلى مع النبي صـ علي
بن ابيطالب عليه السلام ايضا فيه قال خزيمة في ابيات
اذا نحن بايعنا عليا فحسبنا   ابو الحسن مما نخاف من الفتن
الى قوله واول من صلى مع الناس كلهم   سوى خيرة النسوان
والله ذو المنن ايضا فيه وقال كعب بن زهير حمد النبي وخير
الناس كلهم   فكل من واحد بالفخر مفخور صلى الصلوة مع الامي
اولهم   قبل العباد ورب الناس مكفور وقال ربيعة بن حارث
عند البيعة ما كنت احسب ان الامر منصرف عن هاشم ثم عن ابي
حسن   اليس اول من صلى لقبلتهم   واعلم الناس بالاثار و
السنن   الى قوله ماذا الذي ردكم عنه فنعلمه   ها ان اول
بيعتكم من اول الفتن   ايضا فيه قال مالك بن عباده
رايت عليا لا لبيت قرينه   اذا ما دعاه حاسرا ومن صلا
هذا وفي الاسلام اول مسلم   واول من صلى وصام وهللا
وايضا فيه قال زفر بن زيد حوطوا عليا واحفظوه فانه وصي
وفي الاسلام اول اول   وقال قيس بن سعد بن عباده
هذا علي وابن عم المصطفى   اول من اجابه حين دعي ايضا
فيه عن ام سلمه والله لقد اسلم علي بن ابيطالب عليه السلام

اوّل الناس ومماكان كافرا روى قتادة عن الحسن انّ على
اوّل من امن وهو ابن خمسة عشر سنة عن على بن ابي طالب عليه السلام
قال اوّل من بغى فى الارض وجاهر بالمعاصى واستخدم الشياطين
وجرهم فى وجوه الشرّ عنق امّ عوج وكان قد انزل الله على ادم
اسماء العظيمة تطيعها الشياطين وامره ان يدفعها الى حوّا
ليحترس بها فاغفلتها عنقا وسرقتها واستخدمت بها الشياطين
وتكلّمت بشئ من الكهانة فدعا عليها ادم وامنت على ذلك
حوّا فارسل الله اليها اسدا اعظم من الفيل فهجم عليها
وقتلها وذالك بعد ولادتها عوج بسنين فى كنز اللبيب
لمعاصرنا الاديب الشيخ الفاضل احمد البغدادى دام عمره
اوّل من عاقب بالنار امرء القيس الثانى المعروف بالمحرّق
فى كنز اللبيب اوّل من قال الموت دون الجمل الجلال عبد
الرحمن بن عتاب بن اسيد بن ابى العاص بن اميه وكان
يقاتل يوم الجمل ويرتجز فى التواريخ اوّل من قال من مال
جعد وجعد غير محمود جعد بن الحصين الحضرمى فى المجمع
قال محمد بن كعب القرظى انّ رسول الله صلى الله عليه وآله
قال انّ اوّل الناس دخولا الجنة لعبد اسود كذا فى المجمع اوّل من
قال الحديث ذو شجون جنة بن ادّ بن طابخة بن الياس بن
مضر قال المفضّل اوّل من قال انّ البلاء موكل بالمنطق
ابو بكر اوّل من قال انّ البيع مرتخص ومال الحجر بن حلاج

الأربعی سید یثرب اوّل من قال ربّ ذارع لغیرها حصد سواه
امرؤ بن الضرب اوّل من قال ربّ رمیة من غیر رام الحکم بن عبد
یغوث المنقری وکان ارمی اهل زمانه قال المفضل اوّل من
قال ذکرتنی الطعن وکنت ناسیا رهیم بن حزن الهلالی اوّل من
رأی اللحیة شیث بن آدم علیه السلام اوّل من جاهد فی سبیل الله
ادریس علیه السلام وعن عایشه انّ قال رسول الله صلّی الله
علیه وآله وسلّم اوّل من یلحقنی منکنّ اطولکنّ باعاً فکنّا نتطاول
بالأیدی حتّی ماتت زینب بنت جحش فقلنا ما هذا الامر
صدقتها وکانت امرأة ذات صنعة بیدها اوّل کسی که گفت
این مثل را غثّک خیر من سمین غیرک معن بن عطیه مذحجی بود
سبب آنکه در حربی که میان قبیله بنی مذحج و قبیله دیگر از
عرب واقع شده بود برادر معن دوق را با مهتر بنی مذحج
اسیر کرده و دوق بحماقت و بیعقلی مشهور بود معن برفت و
برادر خود را از ایشان درخواست و با خود بحی رسانید
ایشان گفتند سید بنی مذحج و شاعر ایشان را در دست
خصم بگذاشتی و دوق احمق را بخواستی معن گفت غثّک خیر
من سمین غیرک در مناهج و نفایس الفنون محمود الدئلی خیر
قلیل وفضحت نفسی گویند اوّل کسیکه این مثل را زد فاخته
بود زن مرّة الاسدی و او خوبترین زنان عرب بود چون حسن
فاش شد این مثل زد یعنی این حسن اندک چیزیست و نفس

من بدان بسو انشد فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اول
کسیکه این مثل را گفت عش رجبا تری عجبا حارث بن عباد
بود وسبب آن بود که چون پیر شد یکی از زنان او بد خوئی
آغاز کرد حارث او را طلاق داد مردی دیگر او را بخواست زن
در مراعات آن مرد بغایت میکوشید و خوی نیک پیش می
گرفت آن مرد پیش حارث نعت و شکر این زن میگفت حارث
این مثل زد فی نفائس الفنون اول کسیکه این سخن گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله بود که یا خیل الله ارکبی اول کسیکه
این سخن را گفت ربیعة بن حوار الاسدی بود که ما جعل العبد
کربه فی مجمع الامثال الکرمانی اول کسیکه این سخن گفت اکثم
بن صیفی بود که من استرعی الذئب ظلم فی مجمع الامثال اول
کسیکه این سخن گفت عامر بن الظرب بود که من طلب شیئا وجد
اول کسیکه گفت من عز بز جابر بن رالان از بنی ثعل بود اول
کسیکه گفت من یشتری سیفی وهذا اثره حوث بن ظالم بود اول
کسیکه این مثل بزد که ما وراءک یا عصام حارث بن عمرو ملک
کنده بود از ممالک عرب فی تاریخ مناهج جار الله الهلالی اول
کسیکه این سخن گفت هذه تبلک والبادی ظلم فرزدق شاعر
بود اول کسیکه گفت العجب کل العجب بین جمادی ورجب
عاصم بن مقشر الضبی بود اول کسیکه گفت فی الصیف ضیعت
اللبن قول بنت السید بود که مال و منال بسیار داشت

از مرد خود طلاق گرفت و پشیمان شد میخواست که مرد رجوع
کند و شوهر او را نمیخواست برفت و شوهر دیگر کرد زوج اولین
را باز رغبتی تمام پیدا شد پیش زن فرستاد و اظهار تعلقی محبت
کرد زن گفت اترکتنی حتی اذا علقت ابیض کالقطن انشأت
تطلب وصلنا فی الصیف ضیّعت اللبن اول کسیکه گفت اسعی
بجدّک لا بکدّک حاتم عمیر الهمدانی بود اول کسیکه گفت شرنات
خداش بن حابس التمیمی بود اول کسیکه گفت ذهب امس بما فی
ضمضم بن عمرو الیربوعی بود اول کسی که این سخن گفت خیر قلیل
وفضحت نفسی زن مرّة اسدی بود که خوبتر از وی در زنان
عرب نبوده بحسن وجمال در جهان معروف گشت این مثل
بدان زدند بحسن چیزی ماننده است و نفس من مبارک بدان
رسوا شد فی مناهج الطالبین اول کسیکه گفت خالف تذکر
حطیئه ام عتبه بود اول کسیکه گفت بوادی خیر تحت زرع ابو العینا
بود در تاریخ آمده که وقتی ابو العینا از همدان باصفهان آمد
اتفاقا آن روز که وارد شد کودکان چنانکه عادت ایشان
جنگ است سنگ بیکدیگر میزدند سنگی بسر ابو العینا
آمد بشکست آشنائی داشت بوی طلب کرد و نیافت با حالت
رنجور و مهجور با سر شکسته در گوشه مسجدی نشست و پای وی
از خستگی راه آبله کرده بود و گرسنه هم بود بامید آنکه در آن
مسجد از امام یا ماموم بحال او آگه شوند هیچ آفریده ملتفت

او نشد در انتظار طعام شب را بصبح بر بیخوابی کند و امید واز
غایة جوع آرام برنداشت روز دیگر برخواست و بنزد آشناء خود مهلب
شتافت که وزیر مملکت بود از ابو العینا پرسید که در کدام روز
بشهر در آمدی گفت فی یوم نحس مستمر گفت در کدام ساعت
گفت فی ساعة العسرة گفت کجا فرود آمدی گفت بواد غیر ذی زرع
مهلب را حسن جواب او خوش آمد و تمامت اسباب او را مهیا
داشت و مرتب فرمود اول کسیکه گفت العود احق بان یحمد خداش
بن حابس تمیمی بود و حکایت او در کتب امثال مرقوم است که
بر زنی رباب نام عاشق شد آخر بوصل او رسید فی نفائس در
حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دو
شنبه دوازده شب از ربیع الاول گذشته بجانب مدینه
رفت و نصف النهار آن روز بود که بقبا آمد و در خانه
کلثوم بن هدم فرود آمد و تا روز جمعه آنجا اقامه فرمود
پس عزم مدینه کرد و در بنی سالم نماز جمعه گذاشت و آن
اول صلوة جمعه بود که در اسلام گذاشته شد در مناهج
اول کسیکه هجرت کرد برای دین ابراهیم بود کما قال الله تعالی
وَاِنّی ذاهِبٌ اِلی رَبّی سَیَهدِینِ رَبِّ هَب لی مِن لَدُنکَ رَحمَةً
وَاَلحِقنی بِالصّالِحینَ و مراد باین ذهاب هجرتست یعنی از
دار کفر هجرت کنم و در راه رضای تو بیرون روم در مناهج
اول جماعتیکه بندای خلیل الرحمن حج خانه خدا شتافتند

الصالحین بودند و ایشان بشیر و بشیر بحج آیند اول کسیکه
زره یافت داود علی نبینا واله وعلیه السلام بود چنانچه خداوند
در قرآن مجید فرموده وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ لداود و هر زره را
چهار هزار درهم میفروختی و طعمه خود و عیال از آن دراهم ترتیب
داشتی و باقی را بصدقه دادی و هرگز ذخیره ننهادی و فقرا
و مساکین را دوست داشتی در تاریخ و اول کسیکه زنبیل بافت
و بعضی گویند سلیمان نبی بود در مروج الذهب للمسعودی الشیعی
اول کسیکه در عرب برای میهمان ثرید شکست هاشم پدر
عبد المطلب بود در مناهج اول کسیکه ملة حنیفیه را تغییر داد
و اصنام و اوثان در حوالی کعبه بنهاد عمرو بن لحی بود و در آثار
آمده که رسول خدا ص فرمود که شب معراج عمرو بن لحی را دیدم
که در میان آتش دوزخ او را می کشیدند پرسیدم که با تو
دیگری هست گفت هرکه متابعت من کرد تا ظهور نبوة تو با من
قرین خواهد بود در مناهج الطالبین اول کسیکه جهة هدی
بیت الله شتران را قربانی کرد الیاس بن مضر بود فی تاریخ
الهلالی و اول کسیکه بعد از طوفان نوح و هدم و محو آثار
کعبه ارکان آنرا پیدا آورد و بر خلق ظاهر گردانید و اول
کسیکه از اولادان مضر بعلة سل وفات کرد او بود
اول کسیکه بعد از رسول وفات کرد و بوی پیوست زینب
بنت جحش زوجه آن جناب بود اول کسیکه در سقیفه

بالای

با ابوبکر بیعت کرد بشر بن سعد بود در ناسخ التواریخ است اول
سریکه حمل شد در اسلام و نقل از بلدی ببلد دیگر شد سر محمد بن
ابی بکر بود اگر صحیح باشد حمل شد بسوی معاویه مؤلف گوید
در احادیث شیعه آن سر عمرو بن الحمق الخزاعی است که از
اصحاب سید اوصیاء علی علیه السلام بود چنانچه گذشت
اول کسیکه قبا پوشید سلیمان نبی علیه السلام بود اول
کسیکه عمامه پوشید ذوالقرنین بود و بتحقیق پوشید عمامه
را از سبب قرینه اول کلمه که ابراهیم در وقت با آتش رفتن
میفرمود حَسْبِیَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ اول کسیکه بعد از مرگ
سخن گفت هارون وصی موسی بود چون هارون رحلت
یافت بنی اسرائیل متهم ساختند موسی را که او هارون را
کشته است زیرا که میل ایشان بسوی هارون بیشتر بود پس
خدا املهار برائت آنحضرت نمود آنکه امر فرمود ملائکه را
که هارون را مرده آوردند و بر مجالس بنی اسرائیل گردانیدند
وگفتند که خود مرده است و موسی بری است از کشتن او و این
وجه از حضرت سید الوصیین امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است و در روایت دیگر آنستکه موسی بر سر قبر هارون
آمد و ندا در داد و هارون بامر حقتعالی از قبر بیرون آمد
وگفت که موسی مرا نکشته است و باز بقبر برگشت و دیگر عجا
یبی بود اول معجزه که در حضرت رسول خدا ص ظاهر گشت سایه

اندافتن ابو بود بر سر آن حضرت و در حیوة القلوب اوّل کسیکه
کتب یونانی را عربی کرد خالد بن یزید بن معویه بود و در زهر
الربیع در حدیث است که چهار روز عید فطر را عید قرار داده
شد زیرا که از برای مسلمانان اجتماعی است که جمع می شوند در
آن روز پس حمد میکنند خدا را بر آنچه منّت گذاشته است بر
ایشان و بجهة آنروز اوّل سال است که در او اکل و شرب
حلال است بجهة آنکه اوّل سال نزد اهل حق شهر رمضان
است که شهر رمضان اوّل شهور است نزد رسول خدا هم
چنانچه وارد شده است و در روایات و در تقویم المحسنین
فیض کاشی قدّس سرّه تصنیفی که در اسلام شد خلاف است
و شیخ جلیل محمّد بن شهر آشوب ره در معالم العلماء که نسخه
از آن کتاب در نزد مؤلّف هست از غزالی شافعی نقل کرده
که اوّل کتاب ابن جریج است در آثار و حروف التفاسیر از
مجاهد و عطا در مکه پس کتاب محمّد بن راشد صنعانی در یمن
پس کتاب موطاء مالک در مدینه پس جامع سفیان ثوری
بعد شمرده‌اند بلکه اصح از آنستکه اوّل کتاب امیر المؤمنین
ع بعد سلمان پس ابوذر پس اصبغ بن نباته پس عبد الله بن ابی
رافع پس صحیفه کامله و ابن جریج مذکور عبد الملک بن
عبد العزیز بصری است که در سال صد و پنجاه و پنج وفات
کرده و در کشف الظنون فی اسماء الکتب والفنون دیده

شده است که از بعضی نقل که اوّل تصنیف سعید ابن ابی عروبه
است که در سنه ۱۵۶ وفات کرد و بعضی گفته اند ربیع بن صبیح
است که در سال صد و شصت وفات کرد و بعد سفیان بن
عیینه و مالک بن انس در مدینه و عبد الله بن وهب در
مصر و معمّر و عبد الرزّاق در یمن و سفیان ثوری و محمد بن
فضیل بن ذکوان در کوفه و حمّاد بن سلمه و روح بن عباده
در بصره و هشیم در واسط و عبد الله بن مبارک در خراسان
اوّل کسیکه داخل خانهٔ کعبه شد در زمان جاهلیّت رسول
خدا صلعم بود که چون قریش کعبه را در جاهلیّت خراب کردند
و خواستند بسازند نتوانستند پس در دل ایشان افتاد که
شخصی از ایشان گفت که هر یک از شما باید که پاکیزه ترین
مال خود بیاورید و نیاورید مالیرا که از قطع رحم یا حرام
دیگر بهم رسانیده باشید چون چنین کردند مانع برطرف شد
و متمکّن گردیدند از ساختن آن پس شروع کردند در بناء
تا آنکه بموضع حجر الأسود رسیدند پس منازعه کردند که کدام
یک حجر را در جای خود نصب کنند تا اینکه نزدیک شد
که در میانه ایشان حرب قائم شود پس راضی شدند بحکم
هر که اوّل از در مسجد الحرام در آید پس اوّل کسیکه داخل
شد حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بود چون
بنزد ایشان آمد و حقیقت حال خود را بعرض رسانیدند آن

حضرت امر کرد که جامه را پهن کردند و حجر را خود برداشت
و در میان جامه گذاشت و فرمود که رؤساء قبائل طرفهای
جامه را گرفته بلند کردند پس حضرت حجر را برداشت و در جای
خود گذاشت و حق تعالی او را باین کرامت مخصوص گردانید در
سبائک الذهب اصحاب هواتیه گویند که اوّل روز یکشنبه
که اوّل دنیا است در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه از اولاد اسمعیل
نبی الله علیه السلام کتاب اموخت و هم به نوع خط بنوشتی ادر بن
هميسع بود در مظاهر الانوار اوّل کسیکه چهار نائب بر ربع
مسکون تعیین کرد که حکمت و شریعت او را رواج دادند در ربیع
نبی است اوّل زنیکه حائض گشت حوا مادر ادمیان بود و ان
روز سه شنبه بود در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه اختراع
کیوه کرد که موزه ایست معروف کیوه گودرز بود در فرهنگ
انجمن ارا مسطور است که در سفر ترکستان که به طلب
کیخسرو رفته بود و چند سال دران بیابان میگشت و ان
موزه بود زیران چرم و روی ان ریسمان اکنون تکمیل یافته
مثل اول است و بهترین ان کیوه سپاهانی است و سپاهان دهی است
از اصفهان اوّل شهریکه در اراضی بلخ بنا گشت شهر بشنگ است
در تاریخ هرات اوّل کسیکه کافر شد و کفر ایجاد کرد شیطان
لعین بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسیکه متلفظ شد به
کلمه لا حکم الا الله برك بن عبد الله تمیمی بود در کتاب الهنا

مقید رہ موسوم بتحفۂ سلیمانی مؤلف گوید که این برک نامش حجاج است وکسی است که میخواست معاویه را بقتل برساند وبا ابن ملجم وعمرو بن بکر هرسه هم عهد شدند در باب قتل سر تن وقصه انها مشهور است اول کسیکه پارسی گفت پارس بن هوشنگ بن سیامک پیشدادی بود در تاریخ در فرهنگ انجمن ارای ناصری امده اول کسی که کلاه درویشی ساخت که چندین ترك دارد شیخ صفی الدین شاه اسماعیل صفوی او رحمه الله علیه بود که شاه اسماعیل صفوی مروج طریقه اثنی عشری برای تمیز این طبقه از دیگران از ماهوت سرخ کلاه دوازده ترك دوختن فرموده بود ودر هر ترکی نام یکی از ائمه اثنی عشر دوخته واین اعلا اخلاقی وافسری بود که بر بزرگان شیعی داده شده است اول کسیکه در مکه کاغذ ساخت میکائیل نام کشمیری بود وان در سنه هشتاد وهشت هجری بود در فرهنگ انجمن ارا اول کسیکه حضرت امام حسن عسکری بخدمت وکالت حضرت صاحب الامر علیه السلام منصوب ساخت عثمان بن سعید العمری اول کسیکه با رسول الله صلعم در مسجد نماز گذاشت امیر المؤمنین علیه السلام بود در خصائص النسائی اول کسیکه ختنه کرده شد از زنان هاجر مادر اسماعیل بود که ساره او را ختنه نمود واین مرسوم ماند در نزد مردم در ماثر سلطان امده اول پادشاهیکه نام خلیفه را از

خطبه بیفکند طاهر ذو الیمینین بود و اوّل کسیکه قرشیّت
برای او ثابت شد مالك نضر است زیراکه قریش لقب نضر است
در نفائس الاخبار اوّل کسیکه در حبس منصور دوانقی هلاك
شد عبد الله بن حسن بن حسین بن علیّ بن ابیطالب علیهم السّلام
اوّل سلاطین عبّاسیان ابو العبّاس سفّاح بود فی التّواریخ
و در کتاب بضاعة الایمان آمده که معاویه هزار کس را بصله
دوستی امیر المؤمنین علیه السّلام بقتل رسانید و اوّل کسی بود
که درمیان صفا و مروه سواره سعی نمود و اوّل کسی بود که علانیه
شرب خمر میکرد و ساز و سرود بآن ملحق ساخت و میل بیوزن
اکل و اباحهٔ آن نمود و اوّل کسی بود که بحیله و مکر کتابت
نمود و اوّل کسی بود که سر مسلمانان برای وی بهدیه آوردند
و اوّل کسی بود که بر تخت سلطنت نشست و تشبّه باکاسره
و فراعنه شد و اوّل کسی بود که بموت مسلمانان شماتت میکرد
چنانکه در تواریخ و سیر مسطور است که وقتی که خبر شهادت
امیر المؤمنین ع بآن ملعون رسید امر کرد که مردم شام بعیش
و عشرت مشغول شدند و اوّل کسی بود که با مشرکان بی اخذ
جزیه صلح کرد و اوّل کسی بود که بت فروخت و بت فروشی
را برقرار نهاد و هر ساله چندین کشتی بت بطرف هند می
فرستاد که فروخته قیمت آنرا از قماش و متاع بیاورند
و آنرا تجارت نام نهاد و چشم داشت ثواب هم داشت و اوّل

کسی بود که اسیر مسلمانان بفروخت واوّل کسی بود که خلافت را
در میراث نهاد و حواله در میراث نهاد و حواله بر پسر خود کرد
واوّل کسی بود از پادشاهان اسلام که زندان ساخت و مقصوره
در مسجد ساخت و خواجه سرایان بخدمت خود تخصیص کرد
اوّل کسی بود که نشسته میخواند بواسطهٔ سمن و عظم شکم بر پای
نمیتوانست بایستد واوّل کسی بود که جسد مسلم را در جوف
شکم خر مرده گذاشت و سوزاند اوّل کسیکه اخبار را بچهار
قسم منقسم ساخت احمد بن موسی بن طاوس بود پس علاّمهٔ حلی
وی را متابعت ورزید از علمای اعلام نیز همان طریق را سلوک
داشتند در روضات الجنّات للسیّد العالم الفاضل المعاصر المیر
محمد باقر الموسوی الخونساری مدّ ظلّه اوّل از علامات
ظهور حصار بستن در دور کوفه است بحصار و خندق اوّل
جماعتی را که مختار بن ابی عبیدهٔ ثقفی بدست آورد آن ده
تنی بودند که خیول بر بدن شهداء تاختند آوردند آنجماعت
را پس حکم کرد که ایشان را بر پشت خوابانیدند و میخهای
آهنین بر پشت و دستها و پاهای ایشان کوفتند و سواران
خود را گفت که بر روی اجساد خبیث ایشان تاختند تا قطعه
قطعه شدند پس از این ایشان را باتش سوزانیدند اوّل کسی
که با ابوبکر بیعت کرد شیطان ملعون بود اوّل فرجی که از
بنی هاشم بغصب گرفته شد امّ کلثوم بود دختر امیر المؤمنین

علی علیه السّلام بود که عمر بن خطّاب بر وی خطبه کرد مؤلّف گوید
این مطلب را گواهی است فی الحدیث قال الصّادق علیه السّلام
هو اوّل فرج غصب منّا فی کامل البهائی وغیره فاضلی ردّ
کرده است و رساله ردّیه و سوم بر ارغام اناف الخصوم است
آنچه معلوم میشود از اخبار و تاریخ بدستیاری عبّاس با تمام
رسید بجهت این عقد چون عقد اسیه بنت مزاحم بود با فرعون
اوّل کسیکه با امیر المؤمنین ع بیعت کرد طلحه و زبیر بودند
و بعد بیعت را شکستند اوّل کسیکه غالی شد در حقّ اسد الله
الغالب علی بن ابیطالب ع نصیری بود فی مفرح الاخبار
اوّل کسیکه نماز بر پیغمبر گذارد خدای عزّ وجلّ در بالای عرش
کبریائی خود بود از آن جبرئیل بعد میکائیل و اسرافیل و
ملائکه مقرّبین و امیر المؤمنین علیه السّلام اوّل دفعه که
پیغمبر صلّی الله علیه و آله بیعت امیر المؤمنین علیه السّلام
را از انصار و خلفاء گرفت در دار النّدوه که موضع شوری
بود دوّم در بیعت رضوان در زیر درخت در سال حدیبیه
سوّم در روزیکه نشسته بود در خانه امّ سلمه چهارم در غدیر
خم اوّل کتابی که در حدیث ساخته اند موطّاء مالک
بود و شافعی گوید ما اعلم شیئا بعد کتاب الله اصحّ من موطّاء
مالک اوّل کسیکه در علم درایه تصنیف کرد ابن حجر مکّی
بود در روضات الجنّات اوّل نامهای کلام الله المجید

قرآن است در نفائس الفنون اوّل کسیکه بنات مقالید
رسید و بخاصیّت او علم بهم رسانید حکیم دانشمند با هوش
مستر کالبس بود وی مردم جزیرة العرب و بلغت عربی و تمام
السن مردم فرنگ عالم و صاحب عزم بلند بود موجب
فنون ریاضی و هندسی بطریق فرنگ اوست از مقناطیس
قطب نما ساخت و بجهات عالم آگهی یافت که در روشنی و
تاریکی روز یا شب در دریا و خشکی بهر سمت که خواسته باشد
رسد و جهاز با این دستگاه و اسباب آن بنحو یکه رواج
دارد از نتایج افکار آن وحید عصر است در کتاب تحفة
العالم سیّد عبد اللطیف خان نجل سیّد نعمة الله جزائری
شوشتری مؤلّف گوید این حکیم جلیل اوّل کسیست که عالم
دیگر را که او را ینگی دنیا و امریکا نامند ظاهر و آشکارا کرد
اوّل کسیکه دست بیعت شاهی بهرام گور داد و دبیر خسرو
کسری بود که مدّعی سلطنت بود در منتخب الحکایات
اوّل کسیکه حضرت قائم آل محمّد را شست رضوان خازن
بهشت بود با جمعی از ملائکه مقرّبین که او را با آب کوثر و
سلسبیل شستند بعد از آن شست او را حلیمه خاتون
دختر حضرت امام محمّد بن علی الرّضا علیهما السّلام در نجم
الثّاقب العلامة النّوری مدّ ظلّه اوّل کسیکه نسب آل
ابی طالب را جمع کرد سیّد یحیی نسّابه است صاحب کتاب

انساب آل ابی طالب و از معروفین و رواة است و اوحد عالم
جلیل سید حسن بن شدقم مدنی است فی نجم الثاقب
للفقیه النبیه العالم العامل الکامل المولانا الجلیل حاج میرزا
محمد حسین نوری طبرسی نور الله قلبه اول کشته که از خون او
بازخواست میشود محسن در خون طپیده فرزند فاطمه زهرا
سلام الله علیها است در رساله شیخ عارف احمد احسائی اول
آیه که در قتال امده این بود قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم
الخ فی جواهر التفسیر لملا محمد المدعو بمحسن الکاشانی در دعا
نص امده اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر
تابع له علی ذلک اول کسیکه بقتل جبر در اسلام رفتار کرد
و شهید اویس بن حسان را بمحبت امیر المؤمنین علیه السلام
بروایت ابن اثیر و ابن خلدون زنده دفن کرد عبید الله بن زیاد
بود و اول کسیکه ولایت عراقین کرد و اول کسیکه سب
علی بن ابیطالب علیه السلام را در عراقین کشید و ترویج داد
پیغمبر اکرم ص فرمود یا علی اول کسیکه سر از زمین بر میدارد
محمد ص است بعد تو و اول کسیکه پوشیده میشود محمد است
بعد تو پس امیر المؤمنین علیه السلام بر روی زمین افتاد و
سجده حق بجای آورد و حمد کرد فی مناقب موفق الدین الخوارزمی
المکی اول کسیکه یحیی نامیده شد یحیی ع بن زکریا بود قال
الله تبارک و تعالی یا زکریا انا نبشرک بغلام اسمه یحیی لم نجعل

لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا اول نبي نبأ الله بعد ادريس نوح عليه السلام
وهو اول نبي نسخت شريعة آدم على نبينا وآله وعليه السلام
وهو اول نذير من الشرك لأهل الأرض وهو من اولي العزم
وهو اول نبي عذبت امته بدعوته اول هاشمية ولدت هاشميا
فاطمة بنت اسد ام امير المؤمنين عليه السلام وجعفر وعقيل
وطالب اول من قال جعلت فداك علي عليه السلام لما دعى
عمرو بن عبد ود الى الرزم والمحاربة يوم الخندق ولم يجبه
احد قال علي عليه السلام جعلت فداك يا رسول الله انا
لي قال انه عمرو بن عبد ود وقال انا علي بن ابي طالب فخرج اليه
فقتله فاخذ الناس منه اول من اخذ مال الناس بالظلم
الضحاك اول من سمى عبد الملك في الاسلام عبد الملك
بن مروان اول من غزل حوا غزلت صوف الضان نسج
آدم جبة لنفسه ودرعا وخمارا لحوا اول من وضع البقول
في الخوان كيخسرو بن سياوش اول من عمل قصعة ليشرب الماء
واللبن ونحوهما قينان بن انوش بن شيث بن آدم قال الشيخ
جمال الدين بن النباته اول من غنى على العود بالحان الفرس
النضر بن الحرث بن كلدة اول من غنى في الاسلام بالحان الفرس
سعيد بن مسجح اول من اتخذ العود بطليموس الحكيم اول شبهة
وقعت في البرية شبهة ابليس لعنه الله ومصدرها استبداده
بالرأي في مقابلة النص واختياره الهوى في مقابلة الامر و

الاستکبار بالمادة التی خلق منها وهی النار علی مادة آدم علیه السلام وهو الطین اوّل من صلّی الجمعة فی البحرین بعد امتحانها فی الدولة الصفویة المنتهیة الی الشاه سلطان حسین الموسوی الصفوی الحسینی الشیخ محمد بن الحسن رجل المقابی اصلا والاصبعی منزلا کذا فی لؤلؤة البحرین وروضات الجنات وغیره اوّل من ترک مطالعة احادیث العامة العمیاء من هذه السلسلة العلیة الدشتکیة واشتغل بتشیید قواعد الحکمة والکلام علی مباق ارباب البصیرة من طوائف الاسلام هو جناب العالم الحکیم الامیر غیاث الدین منصور بن الصدر الدین الحسنی الحسینی الشیرازی الدشتکی الاوّل صاحب مدرسة المنصوریة بالشیراز فی حبیب السیر وغیره اوّل من خلع علیه السواد العالم الصفی السید الرضی کذا فی عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب اوّل کسیکه مادرش دختر حضرت امام حسین ع است عبد الله بن محض بن الحسن المثنی وفاطمه طاهره دختر سید الشهداء ع زوجه حسن المثنی بن الحسن المجتبی علیه السلام سه پسر داشت اوّل عبد الله المحض دوّم ابراهیم الغمر سوّم حسن وابراهیم غمر الحسنی الحسینی جد امجد مؤلف کتاب است و پسر او اسمعیل دیباج است و پسر او ابراهیم ملقب بطباطبا است ونسب این فقیر بوی بدو واسطه بحضرت امام ثانی حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام است و از سلاله طباطبای الحسینی

الحسینی میباشم بدین طریق محمد جمال الدین السید محمد الحائری
مؤلف هذا الکتاب ابن السید العلامه حسین الطباطبائی
الیزدی بن السید مرتضی بن السید احمد بن میر حسین بن
میر سامع بن میر غیاث بن میر محمد مؤمن بن السید نور الدین
بن السید مراد بن الشاه اسد الله بن السید جلال الدین امیر
بن الحسن بن مجد الدین بن قوام الدین بن اسماعیل بن عباد
بن ابی المکارم بن عباد النسابة بن طاهر المدفون بالخوزستان
بن ابی الحسین علی الشاعر بن ابی الحسن محمد الشاعر الاصفهانی
المتوفی سنة اثنین وعشرین وثلث مائة بن احمد بن ابی
جعفر محمد بن ابی عبد الله احمد الرئیس بن ابراهیم الملقب
بطباطبا بن اسماعیل الدیباج الاصغر المکنی بابی ابراهیم
الملقب بالشریف الخلاص بن ابراهیم الغمر المتوفی مع اخیه
عبد الله المحض وجمع من السادة فی حبس المنصور بن الحسن
المثنی بن الامام المجتبی سبط المصطفی ابی محمد الحسن بن الامام
ابی الائمة امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام اول
کسیکه مادرش دختر امام حسن است امام محمد باقر فرزند
امام زین العباد علیهما السلام میباشد اول بناییکه در
ولایت خراسان واقع گشت قصبه فوشنج است در روضة
الصفا اول بقعه که در خراسان ساخته و پرداخته شد
قلعه شمیران است در روضة الصفا اول کسیکه اسب [illegible]

اختنه کردن ابراهیم خلیل بود چنانکه در حیوة القلوب
مسطور است اوّل کسیکه سعی صفا و مروه را سواره کرد معاویه
بود و اوّل کسیست که میل بخوردن گل کرد و از اصلال ذات
فی تذکرة الائمة اوّل کسیکه بثلث مال وصیّت کرد براء
بن معرور انصاری بود و اوّل کسیست که وصیّت در قبر
بجانب قبله قرار داده شود و اوّل کسیکه در استنجا استعمال
آب نمود او اوّل الآیات طلوع الشمس من مغربها مؤلف گوید
اوّل آیات قیامت است که پیش از نفخ صور واقع میشود اوّل
کسیکه اقرار بربوبیّت کرد در وقتیکه خدا فرمود الست بربکم
حضرت رسول خدا بود در علل الشرایع از حضرت امام محمّد
جعفر الصادق علیه السّلام روایت شده که فرمودند از حضرت
پیغمبر پرسیدند که بچه سبب سبقت گرفتی بر پیغمبران و
از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود
که زیرا که اوّل کسی بودم که اقرار بپروردگار خود کردم و اوّل
کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تعالی میثاق و پیمان گرفت
از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که
گفت الست بربکم آیا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس
اوّل پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان
در اقرار بخدا اوّل کسیکه وسمه ساخت هامان بود بجهة
فرعون که آن وسمه را بموی خود خضاب کرد سیاه شد

وفریب خورد فرعون از هامان فی تواریخ و زبدة ابتداء قسم
در زمان فرعون بود بروز و ظهورش از ساروو و غار و دکه
دو برادر بودند گویند تعلیم نمودند جماعتی را در خبری ۱۲
هزار الی سی هزار نوشته اند فی تواریخ السیر اوّل رسولیکه
امّت بدعای او هلاک شدند نوح علیه السّلام بود در
روضة الصّفا اوّل نعم طیب ولادت است در معانی الاخبار
مرویست از حضرت رسول خدا صلعم که فرمود من احبّنا اهل
البیت فلیحمد الله اوّل النعم قیل وما اوّل النعم قال طیب
الولادة ولا یحبّنا الّا من طاب ولادته ولا یبغضنا الّا من
خبث ولادته اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی آن عبادت
نمودند دشت کوفه بود که غری باشد از حضرت علی بن
ابیطالب ع منقولستکه اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی آن
عبادت کردند دشت کوفه بود که نجف اشرف باشد چون
خدا امر کرد ملائکه را که آدم را سجده کنند در اینجا سجده کردند
در حیوة القلوب و اعتقاد شیخ عارف احمد احسائی آنستکه
جنّت اوّل موجود است چنانچه در شرح و معنی حدیث و
روح القدس فی جنان الصّاغوره ذاق من حدائقنا الباکوره
الخ رجوع نمایند و اعتقاد من بنده آنست که جنّت و همه چیز در
او است از برکت نور حضرت سیّد الشّهداء ع خلق شده است
محمّد بن جریر طبری گوید اوّل کسیکه با امام حسن علیه السّلام

بیعت کرد قیس بن سعد بن عباده خزرجی انصاری بود
وگفت با تو بیعت میکنم بحکم خدا و سنت پیغمبر خدا وجهاد
با دشمنان خدا حضرت امام حسن فرمود بیعت کن بحکم
خدا و سنت رسول کذا فی ناسخ اوّل کسیکه از اولاد علی بن
ابیطالب ع که در زمان عباسیان حاکم مکه و مدینه شد
عبیدالله بن حسن بن عبدالله بن فضل بن عباس بن علی
بن ابیطالب ع بود فی نفائس الفنون آملی اوّل ما کتب الله
فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا هو انا من رضی عنه
والداه فانا منه راض ومن سخط علیه والداه فانا علیه ساخط
فی مصابیح القلوب قال الخواجه ع ان اوّل الفرائض بعد
معرفة الله ثم الصلوة واوّل ما یحاسب به العبد الصلوة فان
قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها فی مصابیح القلوب
اوّل خلیفة من بنی هاشم علی بن ابیطالب علیه السلام فی
سبائك الذهب اوّل کسیکه دعوی حضرت نبوی را اجابت
کرد شاه مردان وشیر یزدان بود وگفت کرفته مت را از ان
بر میان بسته ام تا هرچه فرمائی بدان قیام نمایم
من کمر بسته بجان ایستاده منتظر تا چه فرمائی تو ایشان با امیر المؤمنین
ودر جائی آورده چون در ایمان بر همه سابق بود گفت سبقتکم
الی الاسلام طرا غلاما ما بلغت اوان حلمی در مصابیح خواجه
صلی الله علیه وآله فرمود که میدانید اوّل کسیکه در بهشت

رود که باشد گفتند خدا و رسولش عالم‌ترند گفت در پیشان
مهاجر که تفرهای مسلمانان بدعاء ایشان دفع کردند در
مصابیح القلوب در خبر است که سید رسل چون از سفری
مراجعت میفرمود اول بخانه فاطمه زهراء سلام الله علیها
رفتی او تفحص احوال میکردند خداوند در شب معراج
بحبیبش محمد فرمود یا محمد علیّ اول من اخذت میثاقه من
الاوصیاء و علی اخر من اقبض روحه من الاوصیاء فی
مصابیح القبر اول منزل من منازل الاخره و اخر منزل
من منازل الدنیا فی الخبر چون اسلام قوی شد جبرئیل
امد که حق تعالی میفرماید که درهائیکه در مسجد گشاده اید
بر اندید جماعتی از اصحاب گفتند همانا این خطاب با ما نباشد
اول کسیکه ساز آن کرد که در بر او برند علی بن ابیطالب
بود خواجه صلعم بحجره فاطمه در امد و علی ع را گفت ای
علی تو اذنی و من از تو انت منّی و انا منک اول من
امن بالله عبد المطلب اول ملوک بروسیه غالیوس
فی ابن اثیر صیدانی و در لغة الثرد و الثرید نویسد فی
الحدیث اول من ثرد الثرید ابراهیم و اول من هشم الثرید
هاشم و کان الفرق بینهما ان الثرد فی غیر الیابس و الهشم
فیه قال الجوهری الهشم کسر الیابس یقال هشم الثرید و به
سمّی هاشم فی سامی الثانی اول زنیکه خدای تعالی بامن

خلق قرار داد قبل از آنکه مکّه را امر خود کند زمین کربلا
بود در تاریخ عسکریه سیف ذی زن وقتیکه حاضر مجلس
عبد المطّلب شد عبد المطّلب گفت ای پادشاه در شب
در ریش تو موهای سفید دیدم که امروز نمی‌بینم سیف گفت
من خضاب میکنم گویند اوّل کسی بود که خضاب کرد در
حیوة القلوب اوّل کسیکه وضع کرد و مرتّب ساخت دائره
تواریخ ولادت و وفات را امیر عبد الجواد رضوی بود در
اشعار در وفات یکی از عرفاء هندوستان از آنوقت الی
زماننا هذا معمول افتاده خاصّه در نزد افاضل هندوستان
ابو الصّلت هروی گفت خدمت امام رضا عرض کردم
که چون حضرت قائم شما خروج کند اوّل کاریکه میکند
چیست فرمود اوّل کاریکه میکند قطع میکند دستهای
طائفه بنی شیبه را زیرا که ایشان دزدان خانه خدا
هستند در عیون اخبار الرّضا اوّل کسیکه از درخت
تخته گرفت و خانها را در فرمود ساختند هوشنگ بود در
مناهج الطّالبین اوّل کسیکه از ملوک دعوی خدائی
کرد جمشید بود در مناهج اوّل مَن یُدخِلُ الجنّة فاطمه سلام
الله علیها فی انوار الهدایة لملّا محسن فاضل یزدی اوّل
من لحق بالنّبی فی الجنّة من اهل بیته فاطمه سلام الله علیها
فی انوار الهدایة لفاضل المذکور اوّل کسیکه زیرجامه

پوشید ابراهیم نبی بود در انس العالم و در علل الشرایع
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که خداوند وحی
فرستاد بسوی ابراهیم که زمین شکایت دارد نزد من بجهة
حیا از دیدن عورت تو پس قرار ده میان خود و میان او
حجابی پس قرار داد چیزیکه بزرگتر از جامه و پست تر از
سراویل بود پس او را پوشید و ان تا زانوهایش بود مؤلف
گوید که ظاهر اینستکه ان شبان باشد که از زیر جامه کوتاه تر
و از زانو چهار انگشت تجاوز کند و دیدم از ملاحان کشتی
که میپوشند و همین ستر عورت را میکنند اول کسیکه
بیعت کرد با مسلم بن عقیل در کوفه مختار بود فی روضة
المجاهدین اول کسیکه امر کرد بقطع دست فرعون بود
وقتیکه سحره ایمان بموسی اوردند فرعون گفت سزاء هم
شما را وان اینست لاقطعن ایدیکم وارجلکم من خلاف
ولاصلبنکم اجمعین فی زبدة التصانیف اول ما انزل القمح
علی ادم کان قدر بیض النعام وقیل له هذا رزقک ورزق
نبیک فمر فاحرث وازرع ولم تزل الحبة علی ذالک ثم نزل
علی قدر بیض الدجاج ثم الی الحمامة ثم الی البندق وکان
فی زمن عمر بن عبد العزیز علی قدر الحمصة فی حیوة الحیوان
للدمیری وقال ایضا اول من زرع حبة الحنطة ادم علی
نبینا واله وعلیه السلام وورد فی الخبر ان الله تعالی انزل

علی آدم ثور احمر و بقرة حمراء فحرث علیها فاتاه جبرئیل
بثلاث حبات من الحنطة فدفعها آدم علیه السلام حتی
حرث فقطعها ثم زرعها و نزعها ثم نقّاها فنبت الشعیر فلما بقیت
البقرتان بالحراثة الخ قال بعض العرفاء منه شیخ عزیز النسفی
قال رسول الله اوّل ما خلق الله العشق اوّل ایام عجوز
بیست و ششم شباط باشد خدای تعالی قوم عاد را هلاک
کرد عجوزی از ایشان بماند و بر ایشان نوحه کردی و مرثیه
گفتی بدان سبب آن ایام را عجوز گویند و عجز بحسب لغت
آخر را گویند و این ایام را بجهت آن عجوز گویند که آخر زمستان
است و نوروز اوّل روزیست که آفتاب ببرج حمل رسد
و در انوار النعمانیّة در کیفیت ظهور امام عصر آورده که
اوّل روزیست که در آن آفتاب طلوع کرد اوّل کسیکه
پادشاه شد کیومرث بود چنانچه اشاره شد و کیومرث
لفظی است سریانی بمعنی عربی حیّ ناطق و بفارسی
زنده گویا باشد و بعضی کیومرز دانند کیو بمعنی بزرگ
و مرز یعنی زمین و در روضة الصفا هست چون قبل
از تصدّی او بمراسم ایالت و سروری انواع جور و تعدّی
و هرج و مرج و احوال ساکنان ربع مسکون راه یافت
طائفه از عقلا و اشراف در باب دفع ظالم و بیداد اندیشه
تمام بجای آوردند انتظام عالم و نسق و ترفیه احوال بنی

آدم را بوجود مدبّری ذو اقتدار فرمان دهی رفیع مقدار
یافتند که ذات پسندیده سماتش به پیرایه نصفت و معدلت
آراسته بود تا طبقات رعایا از کافّه برایا از آسیب تعدّی اهل تمرّد
وطغیان سالم مانده در مهاد استراحت سر فرو آسوده و بدکاران کسانیکه بعناد
واستکبار فرو هر اختیار بنام کیومرث افتاد و او چون میان
اهل ملک و ملت را در باب معاد و معاش بایمان مولد کرد تا
و تاج شاهی بر سر نهاد و بر سریر سلطنت متمکّن گشت
فردوسی گوید: نخستین خدیوی که کشور گشاد اوّل
کسیکه در جاهلیّه خمس مال خود را در راه خدا داد عبد
المطّلب بود و کذا فی حیوة القلوب ابن عبّاس گفت رسول
خدا فرمود صدّیقان امت سه اند اوّل حبیب نجّار دوّم
حزقیل سوّم علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و علی افضل از
همه صدّیقان است در روایة الحرفه و لی در بعضی از نسخ
بنظر حقیر این طور رسیده است سباق الامم ثلاثة لم یکفروا
بالله طرفة عین علی بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن
آل فرعون و هم الصّدّیقون و علی افضلهم شیخ در امالی
بسند خود از قیس بن سعد بن عباده روایت کرده که از
حضرت علی بن ابیطالب شنیدم که فرمود انا اوّل من یجثو
بین یدی الله عزّ و جلّ للخصومه یعنی اوّل کسی هستم که
در روز قیامت برای خصومت زانو بر زمین خواهم زد

غایة المرام و اوّل چیزیکه از اسباب شفاعت است و فاطمه
طاهره بمحشر میاورد عمامه خون آلوده شوهرش علی است در
مجمع المعارف از عامه است در تفسیر ایه وَمَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ
اِلَی اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ انس بن مالک گوید این ایه در شان علی
نازل شد و اوّل کسی بود که بخدا ایمان اورد وَهُوَ مُؤمِنٌ
مُحْسِنٌ ذکره ابن شهر اشوب فی تصنیفه اوّل کسیکه ایمان
برسول خدا اورد و متابعت کرد از زنان خدیجه و از مردان
امیر المؤمنین علیه السّلام بود فی سیر النّبیّ و مناقب و تفسیر
و جامع الأصول قال علی علیه السّلام انا صلّیت مع رسول
الله سبعة سنین قبل ان یسلّم احد و یصلّی احد اوّل کلمه که
بر لوای حمد نوشته شد بسم الله الرّحمن الرّحیم بود بعد الحمد لله
ربّ العالمین بعد لا اله الّا الله محمّد رسول الله علیّا
ولیّ الله اوّل مطر نزل من السّماء فی یوم عاشورا و اوّل
رحمة نزلت فی یوم عاشورا فی غنیة الطّالب الشیخ عبد القادر
الجیلانی فی مجلس فضیلة یوم العاشورا قال رسول الله
صلّی الله علیه و آله و سلّم اوّل من اتّخذ علیّ بن ابیطالب
اخا من اهل السّماء اسرافیل ثمّ میکائیل ثمّ جبرائیل و
من احبّه منهم حملة العرش ثمّ رضوان خازن الجنّة ثمّ
ملک الموت و انّ ملک الموت یترحّم علی محبّ علیّ بن ابی
طالب علیه السّلام کما یترحّم علی الانبیاء یعنی اوّل

کسیکه کوفت علیّ بن ابی طالب را برادری کوفت از
اهل آسمان اسرافیل است بعد از ان میکائیل پس از ان
جبرائیل و اوّل کسیکه دوست داشت علی را از اهل آسمان
حاملان عرش شدند و بعد از ان رضوان خازن بهشت بعد
عزرائیل و بدرستیکه ملک الموت ترحّم میکند بر انبیاء
در مناقب المرتضوی وقال علیّ فی خطبته الحمد لله الأوّل
فلا شیٔ قبله والآخر فلا شیٔ بعده والظّاهر فلا شیٔ فوقه
والباطن فلا شیٔ دونه فی نهج البلاغة از ابوذر غفّاری
و سلمان فارسی مرویست که پیغمبر ص دست امیر ع را بدست
حق پرست خود کرفت و فرموده انّ هذا اوّل من امن بی
و نیز از سلمان روایت شده است که ان سرور فرموده اوّل
هذه الامّة ورودا علی الحوض اوّلها اسلاما علیّ بن ابیطالب
علیه السّلام خزیمة بن ثابت الانصاری در مدح علی علیه السلام
میفرماید ما کنت احسب هذا الأمر منصرفا عن هاشم
منها عن ابی حسن الیس اوّل من صلّی بقبلتهم واعلم
النّاس بالفرقان والسّنن ویکی از فصحای عرب اشارت
بسبقت اسلام امیر ع نموده میکوید قل لابن ملجم
الأقدار غالیة هدمت و ذالك الاسلام ارکانا رسول
خدا فرمود که ساعتی پیش از این جبرئیل امین بر من نازل شد
و کفت اکثر تحقیق در دست کن زیرا که عقیق اوّل سنکی

است که شهادت داد و اقرار کرد از برای خدا بر وحدانیت
و از برای تو بنبوت و از برای علی بوصایت و از برای اولاد او
بامامت و از برای شیعیان علی بدخول بهشت در غایة المرام
انا ابن معاولی در نص رسول بر علی قال النبی صلی الله علیه و
آله یا علی انت اوّل المسلمین اسلاما و اوّل المؤمنین ایمانا
سیّد اجل محدث علامه بحرانی در غایة المرام نقل از ابن بابویه
مینماید که وی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کند یهودی
خدمت حضرت امیر المؤمنین امد و عرض کرد مرا خبر ده از
اوّل سنکی که بر روی زمین نهاده شد و از اول چشمه که از
زمین جوشید و اوّل درختی که از زمین روئید فرمود ای
یهودی اما اوّل ان سنکی که بر روی زمین نهاده شد شما
میکوئید که ان سنکی است که در بیت المقدس است و دروغ
کفته اید بلکه ان سنکی است که آدم انرا از بهشت با خود فرود
اورد و ان حجر الأسود است و در کعبه نصب نمود یهودی کفت
راست کفتی و بخدا قسم که انچه کفتی بخط هرون و املای حضرت
موسی است و فرمود شما میکوئید اوّل چشمه که بر روی زمین
جوشید و جاری شد چشمهٔ بیت المقدس است و دروغ
کفته اید ان چشمه زندکانیست که یوشع بن نون ماهی
شور را دران چشمه شست و خضر از ان اشامید و احدی
از ان نیاشامید مکر انکه میر عرض کرد راست فرمودی و

بخط اقسم کہ چنین یافتم بخط هرون واملاء موسی مؤلف
گوید این قصه چنان بود که اسکندر ذو القرنین بطلب آب
حیوة با سپاه عظیم روانه شد تا اینکه بعد از زحمت بسیار چون
خضر نبی بر مقدمه لشکر او بود و باب رسید از آب بخورد
واسکندر محروم ماند وشما میگوئید اول درختی که از زمین
روئید درخت زیتون بود و دروغ گفته اید بلکه اول درخت
خرمای عجوه است که آدم از بهشت با خود آورد بهر کجا گفت
راست گفتی بخط اقسم بخط هرون واملاء موسی ما اخبرنا البتة
مؤلف گوید عجوه نخل خرمائیست بسیار خوب که بسیار
در مدینه طیبه ونواحی آن از این درخت بسیار است وتجربه
مکرر معلوم شده هر کس هفت عدد خرمای عجوه هر روز
تناول نماید از گزندگان واسیب زهرهای آنها در امان
خواهد بود وجمعی از افاضل در کتب خود نوشته اند که مکرر
بتجربه رسیده است خوردن هر صباح از این خرمای عجوه
وفی القاموس العجوة بالحجاز التمر المحشی وتمر بالمدینة
ودر تفسیر الست بربکم ومحمد نبیکم آمده اول میثاق
ربوبیت را از انبیاء عموما گرفت وانیکه میفرماید
وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّيْنَ مِيْثَاقَهُمْ یعنی یاد آور ای محمد
زمانی را که فرا گرفتیم از انبیاء میثاق ایشان را و ذکر کرد
همه انبیا را عموما بعد از آن افضل سلسله انبیا را بیان

نمود و نام بزرگ و مبارک محمّد یعنی پس از انبیاء اخذ
میثاق از نوکرد برای محمّد خصوصاً و رسول بر سائر انبیاء
مقدّم داشت اوّل پادشاهان عدالت گستر نوشیروان
فرخنده سیر بود و در حقّش کافیست که پیغمبر صلّی الله
علیه و آله فرمود ولدت فی زمن ملک العادل نوشیروان
فی خلاصة التّواریخ اوّل کسیکه نامه بسیّد الشّهداء ع
نوشت عمرو بن الحجاج بود اوّل کسیکه در کربلا شمشیر
بر بدن مقدّس حضرت ابی عبد الله الحسین ع زد و بدن
مطهّران سرور را مجروح نمود همین لعین ولد الزّنا بود
در کتاب حدائق السّیوف و شدائد الحتوف از سیّد رضا
حیدری یزدی اوّل کسیکه بعد از شهادت سیّد الشّهداء
احرام زیارت آن بزرگوار را بست و باین نعمت عظمی فائز
گردید جابر بن عبد الله انصاری بود در ریاض الشّهاده
اوّل کسیکه از اسرای اهل بیت وارد حرم رسول خدا شد
زینب خاتون بود عرض کرد یا جدّا اگر بنی هاشم نبودند
من برهنه می شدم تا ببینی چگونه بدنم سیاه و مجروح است
وقصی اوّل کسی بود از اولاد کنانه که پادشاه مکّه گشت
در مقامع آقا محمّد علی بهبهانی اوّل من آمن علی بن ابیطالب
علیه السّلام و این کلمه در اعداد مطابق است با علیّ بن
ابیطالب اوّل کسیکه وضع کرد شطرنج را صصه بن

داهر الهندی بود در تاریخ ابن خلّکان و برخی گویند واضع
شطرنج ناموغ بن هام بن یافت بن نوح علیه السّلام بوده است
اوّل کسیکه وضع کرد نرد را در دوازده خانه اردشیر بن بابکر
پادشاه فرس بود واز این جهت او را نردشیر خوانند در تاریخ
خلّکان اوّل کسیکه شراب را بتصدّق بفقراء داد ابن
درید لغوی مشهور بود ابو منصور ازهری لغوی گفت
سائلی از وی چیزی خواست ظرفی از شراب با وی بداد یکی
از غلامانش گفت شراب را بتصدّق میدهی در غضب شده
در جواب غلام این آیه را خواند لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُوا
مِمَّا تُحِبُّونَ وفی الحدیث پیغمبر اکرم فرمود یا علی خدای
تعالی بمن عطا کرد هفت چیز را که تو با من می باشی می
فرماید یا علی اوّل کسی هستی که از قبر برخیزی با من واوّل
کسی هستی که بر صراط بایستی با من واوّل کسی هستی که
پوشانیده شوی از لباس بهشت با من واوّل کسی هستی
که در علیین ساکن شوی با من واوّل کسی هستی که از
رحیق مختوم بیاشامی با من اوّل کسیکه بنای شهر نهاد
کیومرث بود واوّل پادشاهیکه در میان فرزندان
خویش خطبه انعقاد کرد او بود در تاریخ معجم فضل الله
اوّل کسیکه از وادی نجد اسب نجدی و مادیان عربی فرستاد
آورد ندو در بیابان قراء و شلستان در ایل خود رها

کرد شیخ ناصر بوشهری حاکم بوشهر و مضافات و بحرین
و بنادر بود و آنچه اسب عربی معروف فارس میباشد
در شیراز و غیره از همان تخمه است در روضة الصفاء ناصری
هدایت ره اوّل کسیکه بجهة منصب قاضی القضاة
اداء وجیه قرار داد ابو العبّاس عبد الله بن حسن بن ابی
الشوارب بود در بغداد دویست هزار درهم هر سالی بدیوان
بداد در ایّام معزّ الدّوله بن بویه در منتظم ناصری اوّل
کسیکه دروازه طعن بر مجتهدین گشاد و فرقه ناجیه
امامیّه اثنا عشریّه را بدو قسم منقسم گردانید یکی
اخباری و دیگری مجتهدی ملّا محمّد امین استرابادی
صاحب فوائد المدنیّه بود در کتب رجال اوّل کسیکه
بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام آمد جابر
بن عبد الله انصاری با آل رسول و بنی هاشم آمدند
در روز بیستم صفر سنه ۶۱ هجری بود چه خوب گفت شاعر

زائر اوّل جناب جابر است	جان فدای آنکه اوّل زائر است

اوّل کسیکه در مسجد سپهسالار که در طهران واقع و
بجامع سلطانی موسوم است بنماز جماعت ایستاد شیخ
جعفر الشوشتری بود در مآثر الآثار در حدیث است که
حضرت امام رضا علیه السّلام فرمودند چون خداوند
ولایت و امامت و حجّت ما را نهاد و ظاهر و ابرا ساخفا

عرض کرد اوّل آسمان هفتم قبول کرد و چون بزمینها عرض کرد
اوّل زمین کعبه قبول کرد و چون بکوهها عرض کرد اوّل کوه
عقیق اقرار کرد اوّل کسیکه از سلسلهٔ جلیله خواتون آباد
بمنصب رفیع امام جمعه نایل گردید السیّد العالم میر محمّد
حسین بن میر محمّد صالح الحسنی الحسینی الخاتون آبادی ابن
بنت المجلسی الثّانی فی مآثر الآثار اوّل زنیکه از خانواده
علی علیه السلام بجهة استقبال امام زین العابدین ع و
ماتم زده کان آن درباز مدینه بیرون رفت امّ البنین
مادر حضرت عبّاس بود در تحفة الذّاکرین اوّل کسیکه
از مدینهٔ مشرّفه رسول مهاجرت را قبول کرد و در قم بشهر
فراهان آمد و در آنجا توطّن فرمود و هم در آنجا سعادت شهادت
یافت و در همانجا مدفون گشت سلطان بن احمد بن حسن
بن افطس بن علی الأصغر بن الأمام علیّ بن الحسین علیهم السلام
بود در تاریخ شیخ جعفر شوشتری ره و در خصائص الحسینیّه
در بیان اوّل مخلوقات میفرماید اوّل مخلوقات نور
حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله میباشد یا نور آن بزرگوار
یا انوار سائر ائمّه پس بهر تقدیر میگوئیم بدرستیکه اوّل
مخلوقات نور شریف حضرت حسین است بجهة اینکه
پیغمبر صلعم فرمود حسین منّی و انا من حسین یعنی من از حسینم
و حسین از من است پس او اوّل مخلوقات است و اوّل آن

چیزاست که صادر شده از اوّل وهر مخلوق وشیخ الرّئیس
معاصر حائری گوید صادر اوّل نبودی حضرتش گر از اوّل
مصدری ممکن نبود افلاک را از هیچ باب   در خبر آمده پس
از آنکه حبیب بن مظاهر اسدی بجانب قبیله خود در
نواحی کربلا رفت وطلب یاری کرد بروایت خصائص الحسینیه
مردی از بنی اسد از جای خود برجست که او را عبدالله بن
بشر میگفتند وگفت منم اوّل کسی که اجابت نماید این دعوت
را پس از آن شروع برجز خواندن نمود ودر ثواب زیارت
زوّاره مقبول میا زاعتبات در خصائص امام صادق علیه السلام
فرمود اوّل کسیکه زیارت فرمود بعد از شهادت حسین
را ذات اقدس خداوند علی اعلا است واین کنایه است
از نوعیّه خصوصیّات الطاف کثیره الهیه با نجناب بعد از آن
زیارت فرمود رسول خدا وعطا فرمود بوی کاسه آبی که
نگه داشته بود او را از برایش فی وسائل المحبّین فی ترجمة
خصائص الحسین للفاضل المعاصر حاجی میرزا حسین
التّبریزی متّع الله المسلمین بطول بقائه اوّل کسیکه حسین
را بعد از دفن در آن نشاء زیارت کرد از انبیاء پیغمبر خاتم
انبیاء و از اوصیاء علی واز ملائکه جبرئیل وبعد میکائیل
بعد اسرافیل ودر خصائص الحسینیه آمده واما اهل این
نشاء اوّل کسیکه زیارت نمود آن سرور را بعد از دفن او

سیّد سجّاد بود وقتی که دفن نمودآن جسم مطهّر را ابتدا از
سر و ذکه بر روی خاک افتاده بود وایضا در ثواب زیارت
در خصائص کان اوّل من یصافحه رسول الله وامیر المؤمنین
علیهما السّلام واوّل قطرة من دمه یغفر له بها کلّ خطیئة
اوّل من انتقل من الکوفه الی القم من السّادات الرّضویه
کان ابوجعفر موسی بن محمّد بن علی الرّضا علیهم السّلام فی سنة
ستّ وخمسین ومأتین یعنی اوّل کسیکه از کوفه ببلده قم
از سادات رضویّه منتقل شد ابوجعفر موسی پسر محمّد بن
علی الرّضا بود در سال دویست وپنجاه وشش در مجلّد
ثانی عشر بحار الانوار قال رسول الله صلّی الله علیه وآله
انّ اوّل من اشفع له من امّتی اهل بیتی الأقرب فالأقرب
یعنی سیّد رسل فرمود که بتحقیق من اوّل شفاعت میکنم از
امّت خود قرب اهل بیت خود را اقرب پس تا آخر حدیث در
کتاب ابن حجر المکّی قال النّبیّ لعلیّ انّ اوّل اربعة یدخلون الجنّة
انا وانت والحسن والحسین وذراریناخلف ظهورنا وازواجنا خلف
خلف ذراریناو شیعتنا عن ایماننا وشمائلنا یعنی فرمودان
حضرت ای علی اوّل چهار کانه که داخل بهشت شوند من
وتو وحسن وحسین میباشیم امّا ذرّیّه در عقب سرما وزنان
مؤمنات ما در پشت سر آنها و شیعیان ما در جانب چپ
وراست ما باشند اوّل کسیکه اختراع کرد دوربین را

که در فرنگستان از چوب و شیشه سازند و از گوهر شاهوار
گران تر مصرف رسانند حکیم عالیشان مستر کوینکوس
بود کذا فی تحفة العالم اوّل کسیکه مقام و سر قبر حضرت
سیّد الشهداء ع بساخت اشجع سواران جهان محمّد بن ابراهیم
بن مالک اشتر نخعی بود در مونس الاحبار فی احوال المختار
بلسان الفارسی للسیّد الجلیل محمّد تقی الموسوی المشهدی اوّل
کسیکه سکّه زد بدرهم و دینار عمرو بن کنعان بود فی عیون
اخبار الرضا اوّل ضرب و سکّه که سلاطین مسلمانان از
اسلامبول زدند در سنه صد و هفتاد هجری بود بوزن و
عیاریکه خلفای بنی امیّه در دمشق معمول داشته بودند
در منتظم ناصری اوّل کسیکه او را صوفی خواندند فریدون
بود اوّل کسیکه امر کرد بعمامه سبز که علامت سیادت
باشد ملک اشرف شعبان بن پادشاه مصر بود بدانکه در
کتب اهل سنّت و جماعت مسطور است انّ هذه العمامة الخضرا
لیس لها فی الشرع والسنّة ولا کانت فی الزمن القدیم وانّما
حدثت سنة ثلاث و سبعین و سبعمائة بامر الملک الاشرف
شعبان بن حسین مؤلّف گوید اکنون کم پانصد و سی و
دو سال است که معمول افتاده و این سیره ممدوح و شایع
گشته و منع آن مقدوح است و صاحب شرح الفیه مشهور
باعمی و بصیر که اندلسی مولد است در شان عمایم سادات

انشاد کرده جعلوا الابناء الرّسول علامة ان العلامة شأن
من لم تشهر نور النبوّة فی وسیم وجوههم یعنی الشّریف عن الطراز
الاخضر وبعضی از افاضل نوشته‌اند پوشانید مامون
عبّاسی امام رضا علیه السّلام را و امر کرد بان لباس سبز
بنی هاشم که بپوشند اوّل کسیکه انشکده ساخت و آتش
پرستید قابیل بن آدم بود در تاریخ ابن اثیر و نیز در آن
تاریخ آورده در احوال یولس بن لامک که کان اوّل من سکن
القباب و در احوال توبلسین بن لامک گوید کان اوّل من
ضرب بالونج والصنج و در احوال توبلقین بن لامک گوید
کان اوّل من عمل النحاس والحدید مؤلف گوید یولس
و توبلسین و توبلقین هر سه تن برادران نوح نجی الله بودند
و ابن اثیر گوید ان اوّل من اتّخذ الملاهی من ولد قابیل
رجل یقال له ثوبال بن قابیل اتّخذها فی زمان مهلائیل
بن قینان اتّخذ المزامیر والطنابیر والطبول والعیدان و
المعارف فانهمک ولد قابیل فی اللهو و در احوال مهلائیل
بن قینان گوید اوّل من بنی البناء و استخرج المعادن
وایضا فیه انّه امر اهل زمانه باتخاذ المساجد اوّل عربی
قسم للذکر مثل حظ الانثیین عامر بن خثیم فی دور المعارف
اوّل من سیّب السوائب عمرو بن یحیی اوّل من سنّ الدیة
مأة الابل عبد المطلب اوّل ما یلقی به الارض من وجهه

الذقن وقيل اوّل ما يلقى الارض هو الجبهة والأنف لا
الذقن اوّل من سمّاها جمعة الأنصار وذالك قبل قدوم
النبيّ صلى الله عليه وآله الى المدينه وقيل نزول سورة
الجمعة الخ في مشكلات العلوم النراقي قيل اوّل من سمّاه
جمعه كعب بن لوى لاجتماع النّاس فيه اليه وهذا الرّجل
اوّل من قال كلمة امّا بعد اجمع الاطبّاء على انّ القلب اوّل
عضو يتكوّن وآخر عضو يسكن وهو انّه اوّل عضو يحيى اوّل
من اخترع القول بحرمة اقامة الجمعه في زمان الغيبة
الشّيخ حمزه سلّار الدّيلمي تلميذ سيّد المرتضى والمفيد في
روضات الجنّات وقال صاحب روضات الجنّات مدّ
ظلّه في ذكر شيخ الورع الامام خليل بن احمد النحوي و
ابوه احمد كان اوّل من سمّى بهذا الاسم بعد رسول الله صلى الله
عليه وآله اوّل استرخاء اعضاء دماغ است اوّل كسيكه
مشرف ومستوفي قرار داد لهراسب شاه كياني بود كذا في
حبيب السّير اوّل پادشاهيكه بكسرى لقب يافت نوشيروان
بن قباد بود كذا في حبيب السّير اوّل كسيكه زن پدر خود را
بزنا گرفت شيرويه بود عبد الله بن بسر مازني اوّل شخصى است
كه رو بقبلتين نماز كرده وآخر صحابي است كه در شام در گذشت
در منتظم ناصري اوّل پادشاه مسلمانان اسپانيا كه خود
را خليفه وامير المؤمنين والناصر لدين الله لقب داد عبد الرّحمن

سیم پادشاه اسلامبول بود بهم جنس خلفاء علوی افریقیه
بوده و منتظم اوّل پادشاهی که در ایالات شمالی فرنگ
سکّه زد امپراطور کانوت اعظم پادشاه انگلیس و دینمارک
و نروژ بود و قبل از او طوایف دانمارک و سوئد و نروژ
معاملات خود را با شمش طلا و نقره مینمودند فی منتظم
اوّل کسیکه امر کرد در بغداد در اذان حیّ علی خیر العمل
بگویند المستنصر علوی بود اوّل علامات خروج قائم
الائمّه طلوع ستاره دار است که در آسمان دوام کند
و عالم هرج و مرج شود و مردم مختلف کردند در غایة
المرام ابن بابویه نقل کند که رسول خدا فرمود به علی
بن ابیطالب علیه السّلام یا علی تو اوّل کسی هستی که بمن
ایمان آوردی و مرا تصدیق کردی و تو اوّل کسی هستی
که مرا در امر نبوّت من اعانت نمودی و با دشمن من جنگ
کردی و تو اوّل کسی هستی که با من نماز گذاردی و خدای
عزّ و جلّ بعزّت و جلال خود سوگند یاد کرده است که
از عقب صراط نگذرد مگر آنکه برات ولایت تو و ولایة
ائمّه از اولاد تو با او باشد و تو اوّل کسی هستی که بر حوض
من وارد شوی و دوستان خود را از آن حوض سیراب
گردانی و دشمنان خود را از آن برانی و تو رفیق منی در
وقتیکه بر بالای مقام محمود باز ایستم تا از تو طلب شفاعت

کنند و تو شفاعت ایشان کنی و تو اوّل کسی هستی که داخل
بهشت شوی و لوای من که لوای حمد باشد بدست تو
خواهد بود و آن لواء هفتاد و پنج شقّه است و هر شقّه
از آن بزرگتر از آفتاب و ماه و تو را صاحب درخت طوبی
در بهشت اصل درخت تو است و شاخهای آن درخت
شیعیان تو است و در غایة المرام رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود فاطمه سیّده زنان عالم است از اوّل
دنیا تا آخر دنیا و فاطمه اوّل کسی است که بمن ملحق خواهد
شد از اهل بیت من در حدیث است که پیغمبر روزی
جامه از خز پوشیده بود اصحاب عرض کردند یا رسول الله
این جامه را که بما داد فرمود وصیّ و صاحب سخا و
وارث علم من و برادر من و اوّل مؤمنان در اسلام اوّل
ندائیکه امام عصر عجّل الله فرجه میکند اینست الا لعنة
الله علی القوم الظالمین چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر داده باصحاب
که فرمودند ثواب او او از دهد در ماه رجب اوّل ندا
کند الا لعنة الله علی القوم الظالمین اوّل کو هیکه اقرار
کرد بر امامت علی علیه السّلام کوه عقیق بود و هر دو پیشکه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود
یا علی تو اوّل کسی هستی که از قبر بر خیزی با من و اوّل کسی
هستی که پوشانده شوی از لباس بهشت با من و قتیکه من

پوشانده می شوم و اوّل کسی هست که در علیّین ساکن
شوی یا من و اوّل کسی هست که از رحیق مختوم بیاشامی یا من
اوّل کسی که خیاطت کرد جمشید بود مؤلف گوید چه بسیا
ارباب اخبار اختلاف کرده اند و برخی بر آنند که یونس
نبی خیاطت مینمود و این صنعت از آن جناب است و
الله اعلم اوّل کسیکه علم فراست را ظاهر نمود اقلیمون الحکیم
بود قالوا اهل السیر اقلیم الحکیم مصر وفا بالفراسة وکان
یستدل علی اوصاف النفس وملکاتها بالصورة وتناسب
الخلقة فارادوا اختباره فی ذلک فحمل تلامذة بقراط الحکیم
وصوّروا صورته علی لوح من عندهم واتوه بها وقالوا تامّل
فی هذه الصورة واحکم بما عندک من اوصاف صاحبها
فلمّا تامّل فی دقائقها وتناسب اجزاءها قال صاحب
هذا الصّوره صاحب خدعة ومکر وفسق وهو یحبّ
الزّناء فلمّا سمعوا ذالک ارادوا قتله وقالوا ایّها الجاهل
انّه اعلم اهل الأرض واعدلهم واتقیهم وخیرهم فی جمیع
الأمور فقال انّما سئلتم عن علمی واخبرتکم به فرجعوا
الی بقراط واخبروه بما قال فقال صدق الحکیم ف
جمیع ما قال ولکنّی لمّا رایت قبح هذه الأمور ترکتها و
حفظت نفسی عن مباشرتها صلوة التراویح الّتی هی من
بدع عمر انّا اعترف به ولم ینکرها علیه جمع ترویحه و

هي المرّة الواحدة من الرّاحة كتسليمة من السّلام وسمّيت
لذالك لانّهم اوّل ما اجتمعوا عليها كانوا يسترحيون بين
تسليمتين في كتاب الكشكول من تصنيفات العالم المعاصر
الحاج سيّد علي الميبدي سلّمه الله قيل انّ اوّل من وضع
الكتاب العربي والسّرياني والكتب كلّها ادم على نبيّنا و
اله وعليه السّلام قبل موته بثلاثة مائة سنة كتبها في
الطّين ثمّ طبخه فلمّا اصاب الارض الغرق وكلّ قوم كتابهم
فكتبوه فكان لاسمعيل بن ابراهيم عليهما السّلام في كشكول
السيّد المذكور قيل اوّل من وضع الخاتم في يد اليسرى
جمشيد فقيل له لم تركت اليمنى مع اولى بالزّينة فقال قد
تمّت زينتها باليمن وقال اخوفي ذالك لم يزل اهل الفضل
محروما ولذالك كانت اليمنى مختارة الشيعة في كشكول
السّيد المذكور احمد بن محمّد الهروي اوّل من صنّف في
غريب الحديث عرضه على عبد الله بن طاهر فاستحسنه
في وفيات الأعيان اوّل من تكلّم على مذهب الأماميّه
وصنّف كتابا فيه الأمام علي بن اسماعيل بن شعيب بن
ميثم بن يحيى ابو الحسن الميثمي الخ اوّل ظهار كان في الأسلام
ظهار اوس بن صامت من المجادله اوّل لعان كان في
الأسلام لعان هلال بن اميّة مع زوجته قال رسول الله
صلّى الله عليه وآله يا انس اوّل من يدخل عليك من هذا

الباب امیر المؤمنین وسید المسلمین وقائد الغر المحجلین
وخاتم الوصیین قال انس کنت فی قسم اللهم اجعل
رجلا من الانصار اذ جاء علی علیه السلام فقال من هذا
یا انس فقلت علی علیه السلام فقام مسرورا واستبشرا
فاعتنقه ویمسح عرق وجهه بوجهه الخ فی مطالب السؤل
قال رسول الله انا سید النبیین وعلی سید الوصیین
وان اوصیائی بعدی اثنا عشر اولهم علی علیه السلام وآخرهم
قائمهم فی مودة القربی شافعی قال اول من خاصم من هذه
الامة بین یدی الرب تعالی علی علیه السلام ومعویه
یعنی اول کسیکه خصومت از این امت در قیامت نزد خدا
تعالی نماید علی علیه السلام با معاویه میباشد در فردوس
الاخبار پیغمبر فرمود که امر امت برمیان و قاری قائم است
تا قیام مرد که او اول آنکس باشد که رخنه و خلل در
دین من بیندازد و از بنی امیه نامش یزید میگوید در
فردوس الاخبار اول کسیکه سبقت کرفت بر ناخن بریدن
بدن امام حسین علیه السلام حصین بن نمیر ملعون
بود در مصائب النواصب شیخ عطا رسمی متعصب در
مدح خلیفه اول گوید خواجه اول که اول یار اوست
ثانی اثنین اذهما فی الغار اوست علامه مجلسی رحمه الله
میفرماید که حق تعالی خلق کرد حوا را از زیادتی طینت

آدم بر صورت او و خواب را بر او مستولی گردانیده بود
پس این را در خواب با او نمانده و این خواب اول خوابی بود
که در زمین دیدند پس بیدار شد و حوا را نزد سر خود دید
پس حق تعالی وحی کرد که ای آدم کیست اینکه نزد تو نشسته آدم
گفت آنکه در خواب بمن نمودی پس با او انس گرفت و
نیز در کتاب مذکور نقل شده که از سلمان فارسی رضه
منقول است که چون حق تعالی خلق کرد آدم را اول چیزی
که از او خلق کرد دیدهای او بود پس نظر میکرد بسوی بدنش
که چگونه مخلوق میشود و چون نزدیک شد که تمام شود
هنوز پاهایش تمام نشده بود خواست برخیزد نتوانست و
لهذا حق تعالی میفرماید اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ عَجُولًا و نیز در
همان کتاب از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
اول کسیکه قیاس کرد شیطان بود قیاس کرد نفس خود
را با آدم گفت مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاک خلق
کردی اگر قیاس میکرد که آن جوهری که روح آدم را از آن
مخلوق شده با آتش هر آینه نور و روشنیش بیش از آتش بود
قال رسول الله اول خلق الله یوم القیمة یکسی ابراهیم
یکسی ثوبین ابیضین ثم ابن جوزی قال یا علی اما علمت
انه اول من یدعی بر یوم القیمة انا فاقوم عن یمین العرش
و یساره و یلبسون حلة خضراء من الجنة ثم یدعی بالنبیین

بعضہم علی اثر بعض فیقومون سماطین علی یمین العرش ویبار
ویلبسون حلاً خضراً من الجنة وان امتی اوّل من یدعی یوم
القیمة للحساب ثمّ انت اوّل من یدعی بك لقرابتك منّی و
منزلتك عندی ویدفع الیك لوائی وهو لواء الحمد فی ابن
جوزی قال ابن عباس اوّل من شری نفسہ ابتغاء مرضات الله
علیّ بن ابیطالب ع ابن جوزی در خطبہ امیر المؤمنین میفرماید
اللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اِنّی اوّل من اناب وسمع واجاب از عبد
الاوّل صوفی واو از علیّ بن محمّد بن بشران واو از حسین بن
صفوان واو از ابوبکر قرشی معروف بابن ابی الدّنیا بزائر
اوّل جناب جابر است　　جان فدایم اکہ اوّل زائر است
اوّل کسیکہ از سادات رضویہ بقم آمد ابو جعفر
موسی بن محمّد بن [illegible] بن موسی الرضا علیہ السلام اوّل من [illegible] بود در
سنہ دویست و پنجاه و [illegible] اوّل الخلفاء من بنی امیہ ... [illegible] کوفت
و پوستہ برقع بروی فرو [illegible] من اسلم من علماء [illegible] قم
بدو پیغام فرستادند کہ تو را از [illegible] الا [illegible] المعہ
بیرون باید کرد پس ابو جعفر [illegible] بن محمّد عیسی [illegible]
از قم بکاشان رفت و [illegible] ومستغشی در احوال [illegible]
موسی مبرقع از مصنّفات [illegible] عمدة العلماء العاملین
قدوة الفقہاء الکام [illegible] حافظ الشریعہ وفخر الشیعہ
ثالث بجلسین المبرّء من کل شین مولانا الجلیل الحاج میرزا

حسین النوری الطبرسی نوّر الله قلبه صاحب حقائق الاوفر
گوید اوّل چیزی که در وقت نزول آدم تناول فرمود جوز هندی
است و اشاره باین آیه اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَآءِ تُؤْتِيْ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنٍ
بِاِذْنِ رَبِّهَا و ابن مردویه از عبدالله بن عباس روایت کند
که ابن عبّاس گفت در تفسیر تُؤْتِيْ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنٍ ان درخت
جوز هند است مؤلّف گوید جوز هان نارجیل معروف
است وان درختی است شبیه بنخل خرما و بعد از هفت
از غرس ان کم گذشت ثمر خواهد داد و درخت نارجیل [illegible]
شبیه شیر است و بسیار خوش طعم می [illegible] گوید [illegible]
درخت نارجیل بصد سال است د[illegible] جوش [illegible] ناموس
گوید و [illegible] جهل بن قرط الار[illegible] صحابی لانه
اوّل ع[illegible] ب از غضوب [illegible]
[illegible] شیطان لعین است اوّل من
کتب فی[illegible] گفت مرا از آتش خلق کرد
[illegible] بن اصبغ بن محمد القرطبی
[illegible] اندلسی اوّل من نقح علم الحکمة و
[illegible] بما وقرر طلب اثبات المدعی وطریق التوجیه
ارسطاطالیس تلمیذ افلاطون وکان قبله یاخذون الحکمة
تقلیدا ولذا یقال له المعلم الاوّل وهو اوّل من اسس
اساس المنطق و وضع علمه وخالف استاده وابطل التناسخ
وهو اوّل من وضع علم المجسطی وعرف حرکات الافلاک

وسير الكواكب بالبراهين الهندسيّة ووضع الأسطرلاب
والتّقويم هو بطليموس الحكيم قال شارح رسالة ابن زيدون
بطليموس صاحب كتاب المجسطي الكبير وجغرافيا والأسطرلاب
وكتاب اللحون الثّمانية وغير ذالك وهو اوّل من شرح القول
على هيئات الفلك واخرج علم الهندسة من القوّة الى
الفعل واكثر الرّوات يقولون انّه ثالث ملوك اليونان
بعد الأسكندر وبطليموس لقب ملوكهم وقال بعض محقّقي
التّاريخ بل هو رجل حكيم كان في زمن احد ملوك الرّوم
بعد اليونان في كشكول السّيّد العالم المعاصر على بن محمّد
على الحسيني الميبذي اليزدي سلّمه الله تم اوّل من وضع
علم الطّلسمات هو بليناس الحكيم اوّل من وضع الشّطرنج
ناموغ بن هام بن يافث بن نوح عليه السّلام اوّل من ابطل
الحدّ الشّرعي هو الأول وقيل اوّل الخلفاء من بني اميّه
وهو معويه كما في ربيع الأبرار اوّل من اسلم من علماء الحكمة
والفلاسفة ابو نصر محمّد بن احمد الفارابي الملقّب بالمعلّم
الثّاني وهو اوّل من شرب الخمر واتبع الشّهوات من الحكماء
قال على بن الجهم اوّل شيء اكله ادم ع حين هبط الى الأرض
الكمثرى في سبحة المرجان اقول قال صاحب حسن الوسائل
اوّل ما اكل ادم ع من ثمار الارض حين اهبط النّبق واقول
لا يخفى على الطّبع السّليم اذ لا منافاة بين الأثنين لان كتب

فی اولیته اکله من ثمار الارض بخلاف الاوّل والسّبق
ثم السّدرا اوّل کسیکه مدفون شد در خاک نجف خباب
بن الارت بود از اصحاب رسول خدا علی علیه السّلام در
غزوات رسول خدا مانند بدر واحد حاضر بود ودر غزوهٔ
صفّین ونهروان مورّخین متّفقند در رکاب امیر المؤمنین
حاضر بوده وچند سال در کوفه اقامت کرد ودر انجا وفات
فرمود فی الخبر صلّی علیه علی علیه السّلام ووقف علی قبره
وقال رحم الله خبابا اسلم راغبا وهاجر طائعا وعاش
مجاهدا وابتلی فی جسمه احوالا ولا یضیع الله اجر من احسن
عملا وشیخ ابو علی صاحب منتهی المقال ودیگران از ارباب
رجال در کتب رجالیّه مرقوم داشته اند اوّل کسیکه میثاق
گرفت از مردم برای دیگری اوّل بود که بجهة ثانی گرفت
اوّل کسیکه در عالم شعر گفت ادم صفی الله بود وسبب
ان بود که چون بفرمان ربّ الارباب ان مظهر پاک بر
عالم خاک نزول فرمود ظلمت این زندان فانی بچشمش ناخوش
نمود گرد عالم سیرا متفکر دید و ربّنا ظلمنا گویان جویان
عفو کریم میبود وبعد از خلعت غفران بدیدار زوج و
بعد از ان بقدوم اولاد کرام تسلّی شد در ان حال هابیل
مظلوم از قابیل مشئوم بکشت وادم را باز غربت وندامت
تازه شد در ان حال بقتل هابیل وندامت دنیا ادم

در موشیر فرزند شعر گفت و شیخ ابو علی مسکویه معاصر شیخ
الرئیس بو علی سینا در کتاب آداب العرب والفرس این
قصیده را بدین منوال بیان میفرماید که قال الحسین بن
علی علیهما السلام کان ابی علیه السلام بالکوفة فی الجامع
اذ قام رجل من اهل الشام فقال یا امیر المؤمنین انی اسئلک
عن اول من قال الشعر فقال علیه السلام آدم علیه السلام
قال وما کان شعره قال علیه السلام لما نزل من السماء فی
الارض فرای تربتها وسعتها وهواها وقتل قابیل هابیل فقال
علیه السلام تغیرت البلاد ومن علیها فوجه الارض مغبر قبیح

تغیر کل ذی لون وطعم | وقل بشاشة وجه الملیح
فوا اسفا علی هابیل ابنی | قتیل قد تضمنه الضریح
وجاورنا عدو لیس یفنی | لعین لا یموت فنستریح
فاجابه ابلیس علیه اللعنة | تنح علی البلاد وساکنیها
وفی الفردوس ضاق بک الفسیح | وکنت بها وزوجک فی قرار
وقلبک من اذی الدنیا مریح | فلم تنفک من کیدی ومکری
الی ان فاتک الخیر الربیح | فلولا رحمة الجبار اضحی
بکفیک من جنان الخلد ریح | اول فتنة فی بنی اسرائیل کانت

فی النساء وعن النبی انه قال اول قریش هلاکا اهل
بیتی اخرجه الطبرانی عن عمرو بن العاص اول من یکسی
حلة من النار ابلیس اول من یستظل فی ظل العرش

رجل انظر مسرا او لحاعنه اوّل حیضی که از زن سؤال نمایند
در روز قیامت از نماز او است و بعد از شوهرش وقتیکه
مرض جدری که آبله باشد ظاهر گشت عذاب الهی بود
بر قوم فرعون از آن عهد الی حال باقی است و نیست تنی
که آبله بیرون نیاورد اگرچه بیو صد سال عمر باشد
اوّل زمانیکه اختراع آبله کوبی شد سنه احدی عشره
ومأتین بعد الالف اوّل سکّهٔ که در اسلام زده شد
در سال هفتاد و پنج هجری بود و قبل از آن بر دینار بخطّ
رومی نقش می شد و بر درهم بخطّ فارسی بوده اوّل وقتی
که ظاهر شد شرب تتن و تنباک و اساس شطب و قلیان
در سال هزار و دوازده هجری بود و در همان سال شاه
عبّاس صفوی اوّل در بلاد آذربایجان استیلا یافت
اوّل کسیکه علم باروت ساختن را و وضع قونبوه در میان
نهاد یکی از علمای فلاسفهٔ اسکندریّهٔ مصر بود در سال
چهلم هجری و در همان سال معویه بر سریر شاهی در شام
مستقر گشت شیخ ابوبکر شیرازی گوید اوّل کسیکه از حرب
احد بگریخت عثمان بود در کامل البهائی اوّل زمانی
که استعمال انفیه شیوع یافت در اسلامبول در سال
هزار و پنجاه هجری بود اوّل من اخترع الخطّ البدیع الّذی
یعرف ایضا بخطّ النسخ بعد ما کان المدار علی الخطّ الکوفی

هو الشيخ محمّد بن علىّ بن مقلة الوزير فى عصر المتوكّل العبّاسى
وما بعده ثمّ اخذ فى تجويده وتنقيحه ياقوت المستعصمى الذى
هو من اقران العلقمى الوزير رايت صحيفة السجّاديه بخطّه الشريف
عند جناب العالم الفاضل الكامل الأديب الأريب المعاصر
الشيخ على الخراسانى الحائرى الموطن الملقّب بشيخ الرئيس دام
فضله اوّل من انتقل النسخ الى خط النسخ التعليقى هو المير
على استاد المير عماد الحسينى المشهور الّذى كان فى عصر السلطان
شاه عبّاس الموسوى الثّانى اوّل من خطّ المنكسر هو المولى شفيع
الاصفهانى اوّل من ابدع التصوّف هو ابو هاشم الكوفى اوّل
من حلق راسه هو ابونا ادم الصّفى عليه السّلام اوّل حكيم
لازم باب الحكّام هو ابو على الرّئيس وهو اوّل من كتب فى
تسخير الجنّ على ما هو الظّاهر ابو الفضل محمّد بن احمد الطّبسى
صاحب كتاب الشّامل وهو كتاب كبير مبسوط رايت نسخة
منه فى سنة سابع وثلثمائة بعد الألف فى بيت احد الفضلاء
البصرة وكان هذا الشيخ معاصرا للشيخ ابو حامد الغزالى اوّل
من كتب فى الملل والنحل المختلفه محمد الشهرستانى وكتاب
المذكور طبع فى بلدة مصر وايران وهو الان مشهور بين الخاصّ
والعام اوّل من خطّ بالعربى هو مرار بن مرّة الأنبارى
واوّل من نقل الخطّ الكوفى من الحيرة الى الحجاز هو حرب بن
اميه اوّل ما يوضع فى الميزان الخلق الحسن عن ام الدّرداء

مرفوعا اوّل ما یوضع فی میزان العبد نفقته علی اهله
اوّل ما یتکلم من الآدمی فخذه وکفه اوّل من یدخل الجنّة
التاجر الصدوق وعن ابی ذر مرفوعا اوّل طعام یاکلوه اهل
الجنّة زیادة کبد الحوت اوّل زمانیکه وضع کرده شد تاریخ
فرسیه در سنه ۳۱ هجری بود وابتداء تاریخ جلالی که معمول
علیه منجمان عصر است سنه ۴۷۱ بود وابتدای تاریخ ایلخانی
در سنه ۷۰۱ بود اوّل زمانیکه روزنامه نویسی مخترع گشت
که بنویسند وباطراف جهان روانه دارند واخبار عالم
را بیکدیگر رسانند در ممالک اوروپا در سال احدی وخمسین
بعد الالف اوّل زمانیکه تلغراف مخترع شد وشیوع یافت
سنه ست ومائتین بعد الالف بود اوّل زمانیکه کاغذ
مخترع شد در مملکت ختا در سال صد بعد از ولادت
عیسی ع بن مریم در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه شراب
انکور ساخته شد در مملکت جرمانیا در زمان دولت
پادشاه رومه سیصد سال بعد از ولادت مسیح بن مریم
در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه کاغذ از پنبه ساخته
شد در سمرقند سنه ثمان وعشرین هجری بود اوّل زمانی
که کاغذ را از چوب ساختند جماعت اعراب بودند در
سنه تسع وثمانین من الهجرة در تاریخ جهان شاهی اوّل
زنیکه از لشکر امام حسین ع کشته شد زوجه وهب بن

عبد الله کلبی بود چون دید شوهرش مشغول جدال با اشرار
است عمود بدست خود گرفت و بجای شوهر جوانش آمد و میگفت
فداك ابی و امی قاتل دون الطیبین حرم رسول الله و
چون شوهرش با دست بریده کشته شد زن ببالینش آمد
و خون از روی او پاك میکرد شمر اشاره بغلام خود غلام
عمود آهنی بسر او بزد که سر آن زن شکافته شد و شهید
گشت و بعد از آن مادر وهب بمجادله قدم نهاد پیر از
اینکه بروایت بحار سر فرزند را برداشت و بعد از آن
بسوی لشکر پسر سعد انداخت و یکنفر را بآن کشت پس
عمود خیمه برداشت بر آن گروه حمله کرد دو نفر را کشت
امام علیه السلام فرمود ارجعی یا ام وهب انت و ابنك
مع رسول الله فان الجهاد مرفوع عن النساء اول کسیکه
احمد نامیده شد خاتم رسل محمد مصطفی صلی الله علیه و
اله بود و درخت بادنجان اول درختی است که شهادت
بر وبوبیت رب و نبوت نبی و امامت ائمه اطهار کرد در
سماء العالم اول کسیکه یوسف نامیده شد یوسف بن
یعقوب ع بود در خبر است که چون خداوند صورت
انبیاء را بآدم ع نمود وی ایشان را دید در آسمان ششم
یوسف را با تاج و جلال چنانچه در اخبار رسیده دید
عرض کرد خدایا این کیست ندا رسید که یکی از اولاد تو است

که مردمان بر او حسد برند بجهة آنچه باو عطا نمایم
عرض کرد آن چه باشد ندا رسید خطی از حسن آدم او را
در بر گرفت فرمود لا تأسف یا بنیّ وانت یوسف فی زبدة
التصانیف مولانا صید را اوّل مولودیکه در اسلام
بدنیا آمد عبدالله بن زبیر بود اوّل کسیکه مرثیه
گفت برای امام حسین علیه السّلام بجار بود اوّل
کتابیکه در شرح مزجی از امامیه نوشته شد شرح فصول
خواجه است نسخه از آن دیده شد اوّل اذانی که بلال
گفت برکوه ابو قبیس بود در فتح مکّه اوّل خداوند از ملائکه
میثاق گرفت و اوّل کسی که بلی گفت حجر الاسود بود از ائمه
طاهرین روایت شده که خداوند وقتیکه اخذ میثاق
کرد بر ربوبیت خود و نبوّت محمّد مصطفی صلّی الله علیه و آله
و بوصایت علی علیه السّلام تمام ملائکه صوامع جبروت
و بار یافتگان عالم ملکوت بلرزه افتادند اوّل کسیکه
از ملائکه سرعت نمود باقرار باین میثاق حجر الأسود بود
و از این جهة خدا او را اختیار کرد و میثاق را بدهن او سپرد
و حجر الأسود بیاید در روز قیامت و برای او باشد لسان
ناطق و عین ناظر و شهادت دهد برای هر کس که بامکان
آمده و میثاق را حفظ نمود و حجر را از بهشت بیرون آورد
تا اینکه آدم متذکر شود آنچه را که فراموش کرده از عهد

ومیثاق او در وسائل وانوار النّعمانیه سیّد جزائری اوّل
رایتیکه از کوفه برپا شد در خلافت امیر المؤمنین علیه السّلام
رایة ربیع بن خیثم بود اوّل خطبه که پیغمبر برای مسلمین فرمود
در سال اوّل هجرت بود در منتظم ناصری اوّل جزیه که در اسلام
در اسلام مصالحه اهل حیره با خالد به نه هزار درهم
در سنهٔ یازده هجری در منتظم اوّل سراپردهٔ که در منی
زده شد سراپرده عثمان بود که در سال ۲۹ حجّ کرد در منتظم
اوّل مقصوره که در مدینه ساخته شد مقصوره مروان
بن حکم بود در منتظم اوّل کلمهٔ که امیر المؤمنین علیه السّلام
فرمود در نهج البلاغه فی بدء اوّل کلمهٔ که ذکریا گفت بود
وقتیکه منشار بر سرش نهادند این بود الحمد لله الواحد
الاحد الصّمد فی تاریخ وقتیکه ادم ع هبوط بزمین نمود
اوّل کلمهٔ بزبان سریانی گفت فارسیش اینست شکر تو انا خدای
راکه از عالم نور بندهٔ خاکی خود را بعالم خاک رسانید
در تاریخ وقیل انّ اوّل من تکلّم بالعربیّة ادم علیه السّلام
فی الجنّة فی حلّ المشکلات فی المسائل المهمّات اوّل
من لقب بالصّاحب من الوزراء اسماعیل بن عبّاد فی
تاریخ ابو الفداء اوّل من تنصّر ملوک الرّوم هو شاپور
ذی الاکتاف فی ابن اثیر اوّل من بنا القبه علی الفاطمة
زینب سلام الله علیها بنت امام الجواد ع اوّل من اتّخذ

له النعش فاطمه علیها السلام الله اوّل من اتخذ الرایات الخلیل اوّل من
رمی فی سبیل الله سعد بن ابی وقاص اوّل من کاتب لقمان الحکیم
فی جعفریات اوّل شهید فی الاسلام مهجع فی جعفریات اوّل مولود فی الاسلام
عبدالله بن زبیر فی جعفریات اوّل من دفن فی البقیع اسعد
بن زراره فی جعفریات اوّل من ارتبط الفرس فی سبیل الله
المقداد فی جعفریات اوّل من سمّی محمد نبیّنا صلی الله علیه
و آله فی جعفریات اوّل من سجد لله شکرا امیر المؤمنین
علیه السّلام لیلة المبیت واخبره لسلامة نفسه الشّریف
فی جعفریات اوّل من تجلّی له الحق بهویّة الذّاتیة السّاریه
فی المظاهر الکونیّة کلّها واوّل من خلع الله علیه صفاته
الثبوتیّة الحقیقه من اولاد آدم علیه السّلام بعد الفناء
فیه والبقاء به ابراهیم الخلیل علیه السّلام در ناسخ
امده فیثاغورس اوّل کسیکه رد بر اقوال دهریّون
وطبیعون از امیر المؤمنین است که هذا و ندعرضه دا
ولایت مرا بر طیور اوّل کسیکه از انها قبول کرد باز سفید
وقبره که نوعی است از عصافیر در نفائس الاخبار در
خبر در سماء والعالم مجلد بحار روایت کرده قبره مرغی
است که هدیه برای حضرت سلیمان آورد هدیه او را
قبول کرد و دست بر سر او کشید و از برای ایشان دعا
کرد و از اثر دست انجناب کاکل بر سر انها روئید شد

موأف

مؤلف گوید مناسب این خبر ابیات اشعار دیده شد

جاءت سلیمان یوم العید قبّرة	اتت بجرادة کان فی فیها
ترنّمت بفصیح القول واعتذرت	انّ الهدایا علی مقدار مهدیها

ونیز بفارسی انشاد شده بجهة تحف بجانب بزرگان

لایق نبود قطره بعمّان بردن	خار و خس صحرا بگلستان بردن
امّا چکنم که رسم موران باشد	پای ملخی نزد سلیمان بردن

وایضاً علی علیه السّلام فرمود که اوّل مرغیکه از انها انکار نمود بوم و عنقا بودند امّا بوم از صفت او اینست که در روز ظاهر نمیشود بجهة عداوت سائر طیور با او و امّا عنقا پس او میان دریا پنهان می شود اوّل کسیکه در عقاید حقّه امامیه تصنیف نمود شیخ جلیل خواجه نصیر الملّة والدّین محمّد بن الحسن الطّوسی بود کتاب تجرید در معرفة و توحید نام نهاده بقول صاحب کافی الکفات فی مدح علی علیه السّلام هاله حالة هرون لموسی فافهمها اعلی حبّ علیّ لامن القوم سفاها اوّل النّاس صلوة جعل التّقوی حلاها ردّت الشّمس علیه بعد ما غاب سناها در ذکر فاطمه بنت اسد ابن جوزی گوید قال اهل السّیر اوّل هاشمیّة ولدت خلیفة هاشمیّه ولایعرف خلیفة ابواها هاشمیّان سوی امیر المؤمنین علیه السّلام وهی اوّل امراة هاجرت عن مکّة الی المدینة ماشیة حافیة وهی

اوّل امراة بايعت رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم بمكّة
بعد خديجة فى تذكرة خواص الامّة اوّل من اسلم من الصّبيان
على عليه السّلام فى ابن جوزى اوّل من قال فما عدا فيما بدا
هو امير المؤمنين على عليه السّلام قال العالم الفاضل
النّبيه العلّامة النّورى نوّر الله قلبه اوّل من سنّ القتل
والظّلم هو قابيل بن ادم اوّل من ينتصر من الضرب
ربيعه وهو بهرام بن هرمز بن سابور فى ابن اثير اوّل
شجرة غرست فى الارض العوسجة ومنها عصاء موسى فى
حيوة القلوب اوّل من اخترع البديع وسمّاه بهذا التّسمية
عبد الله بن المعتزّ العبّاسى قال فى صدر كتابه وما جمع
قبلى فنون البديع احد ولا سبقنى الى تاليفه مؤلّف و
الّفته فى سنة اربع وسبعين ومأتين فمن احبّ ان يقتدى
بنا ويقتصر على هذه فليفعل ومن اضاف من هذه المحاسن
او غيرها شيئًا الى البديع وارتأى غير رأينا فله اختياره
قال السّيّد على خان فى انوار الرّبيع كنت اظنّ انّ اوّل
من نظم انواع البديع على هذه الاسلوب البديع فضمّن
كلّ بيت نوعا والقادح لشموس هذا المرام طوعا هو الشيخ
صفى الدّين الحلّى اوّل من انتقل الى مكّة المشرّفة من شيراز
السّيّد محمّد معصوم بن علىّ بن نظام الدّين احمد بن محمّد
معصوم بن احمد نظام الدّين بن ابراهيم شرف الملّة بن محمّد

صدر الدّين

صدر الدین بن اسحق عز الدین بن علی ضیاء الدین بن عمر بن
فخر الدین بن امیر عز الدین ابی المکارم بن امیر خطیر الدین
بن الحسن شرف الدین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العزیزی
بن علی ابا سعید الصیبنی ابن زید الأعثم ابی ابراهیم بن علی
ابی شجاع الزاهد بن محمد ابی جعفر بن علی بن الحسین بن جعفر
ابی عبدالله بن احمد نصیر الدین السکین النقیب ابن جعفر
ابی عبدالله الشاعر بن محمد ابی جعفر بن محمد بن زید الشهید
بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب فی القاموس والهالکی
الحدّاد والصیقل لانه اوّل عمل الحدادة الهالک بن اسد بن
قاموس اوّل کسیکه کلمهٔ امّا بعد گفت داود نبی است یا کعب
بن لوی اوّل لوائی که در اسلام بسته شد لوائی بود سفید
که برای حمزه رسول خدا صلعم بست و مامور نمود بسر راه قریش
در منتظم ناصری اوّل کسیکه خانه کعبه را جامه پوشانید
تبع یمن اسعد ابو حرب حمیری بود و او معاصر گور ساسانی بود
در تاریخ نزهة القلوب حمدالله مستوفی ازال حرّ ریاحی اوّل
نفاق مسلمین در حفر خندق و نازل شدن آیه اذ یقول
المنافقون الخ در سنه پنج هجری فی منتظم و اوّل قضای نماز
عصر که با نماز عشای شب خوانده شد فی منتظم اوّل سالی
که منبر برای وعظ و خطبه ساخته شد در سال هفت هجری
بود در منتظم ناصری اوّل بتاریخی که بعد از وفات حضرت

رسول صلعم بمسلمین رسید خبر قتل ذوالخمار سهلة بن کعب
بن عوف بود فی منتظم اوّل کسیکه امر فرمود هر دو تن بر
سر یک ظرف طعام بنشینند حضرت یوسف علی نبینا
واله وعلیه السلام بود چه در تواریخ امده یازده برادر او
چون بر سفره ضیافت نشستند وهر دو تن بر سر یکظرف طعام
بن یامین تنها بماند حضرت یوسف علیه السّلام که با بنیامین
از یک مادر بودند بر سر ظرف طعام در جنب او بنشست
اوّل کسیکه بال وپر ترتیب داد وبهوا طیران نمود ارسطا
طالیس حکیم بود واکنون ارباب صنایع فرنک ساخته اند
اوّل ظهاریکه در اسلام واقع شد قصّه اوس بن صامت
است بازوجه اش خوله بنت خویلد یا بنت ثعلبه واین
قصّه چنانستکه اوس خواست وقتی با او نزدیکی کند
زن قبول نمیکرد اوس در غضب شد گفت بزن خود انت
علیّ کظهر امیّ تو بر من چون پشت مادر منی واین طلاق
جاهلیّت بوده پس نادم شد اوس بزن گفت گمان نمیکنم
که تو حلال باشی از برای من پس گفت برو از پیغمبر صلّی الله
علیه واله سؤال کن زن بخدمت پیغمبر امد وحکایت
خود را عرض کرد رسول خدا فرمود تو حرامی بر او زن
صیحه زد وناله کشید وعرض کرد بار پروردگارا بفرست
بر زبان پیغمبر خود چیزیرا عایشه سر پیغمبر را شست وشوی

داد دران حال وجمعی امد وایهٔ ظهار قد سمع الله قول التی
تجادلک فی زوجها نازل شد رسول طلبید اوس را پس فرمود
می توانی ازاد کنی غلامی را عرض کرد قوه ندارم فرمود دو
ماه پی در پی روزه بدار عرض کرد من پیر و ناتوانم اگر روزی
سه مرتبه طعام نخورم بینائی من تمام میشود فرمود میتوانی
شصت مسکین طعام بدهی عرض کرد نه حضرت فرمود
اعانت کنم تو را بپانزده صاع عرض کرد خدا و رسول میداند
که افقر از من در میان مکه و مدینه نیست فضحک رسول
الله و قال اذهب الی اهلک اوس خوش دل شد اول
زمانیکه چاپ مخترع گشت سنه اربع وخمسین وثمانمائه
بود اول زمانیکه باسمه سنگی مخترع گشت سنه هزار و
دویست و ده هجری بود اول زمانیکه قند از چغندر
ساختند سنه اثنا عشر و مائتین بعد الالف بود و در
این سال سلطان عادل خاقان مغفور جلوس نموده
و اقا سید مهدی بحر العلوم طباطبائی وفات نموده و اقا
سید مرتضی واعظ جد مؤلف این رساله تولد یافته
اول کسیکه بخندق کندن و نقاره زدن صبح و شام
اشارت کرد منوچهر بوده در حبیب السیر افسطوس کرد در
سلک حکام فرنگ انتظام داشت رایت استقلال بر
افراشت و افسطوس در حبیب السیر اول پادشاهیکه

اوراقیصر خوانند بتقریب آنکه وقتیکه متولد میشد
مادرش فوت شد شکم مادرش را شکافتند اورا بیرون
آوردند مثل این مولود را در فرنکستان قیصر گفتند وچون
بسن رشد وجهانبانی رسید بهمان نام قیصر میخواندند و
تمامی ممالک روم وشام ومصر بحیز تصرف وتسخیر او درآمد
درحبیب السیر والبربر جیل من الناس یقال اول من سماهم
بهذا الاسم افریقیس الملک لما ملک بلاد وقد جاء فی الحدیث
الباء فی اهل بربر فی مجمع البحرین هذا ما ناجی به امیر المؤمنین
علیه السلام عند قبر النبی صلی الله علیه وآله اللهم هذا
اول العدد وصاحب الأبد ونورک الذی قهرت به
غواسق العدم وبواسق الظلم وجعلته منک ولک والیک
وعلیک دالاً دلیلاً روحه نسخة الأحدیة فی اللاهوت
وجسده صورة معانی الملک والملکوت وقلبه خزانة
الحی الذی لا یموت طاوس الکبریاء وحمام الجبروت تبیین
قال علی علیه السلام انه صلی الله علیه وآله اول العدد
وهذا لانه کان صلی الله علیه وآله اول ما خلق الله وما
کان قبله موجود سوی الباری تعالی وهو الأول بلا
آخر ولکنه لیس من قبیل الأعداد ولا یطلق علیه انه عدد
کما قال به اهل الحساب لأنه تعالی واحد والواحد علی
الأصح لیس عددا فعلی هذا اول العدد هو النبی صلی الله

في اللغة لقب [illegible] في القبطية [illegible]

علـ

علیه واله اذ هو ثانی الموجودات واول الممکنات وثانی الواحد
عدد بلا اختلاف وهیهنا زیادة الکلام لتوضیح المرام خداوند
منان عز شانه در کلام مجید در چند محل ذکر اول میفرماید
در سورهٔ ال عمران میفرماید اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُّضِعَ لِلنَّاسِ
لَلَّذِیْ بِبَکَّةَ مُبٰرَکًا وَّهُدًی لِّلْعٰلَمِیْنَ ودر سورهٔ انعام
میفرماید قُلْ اِنِّیْٓ اُمِرْتُ اَنْ اَکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ الخ ونیز
درهمین سوره میفرماید وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰی کَمَا خَلَقْنٰکُمْ
اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ونیز درهمین سوره می فرماید وَنُقَلِّبُ اَفْئِدَتَهُمْ
وَاَبْصَارَهُمْ کَمَا لَمْ یُؤْمِنُوْا بِهٖٓ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّنَذَرُهُمْ فِیْ طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُوْنَ
ونیز درهمین سوره میفرماید لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ لَاشَرِیْکَ
لَهٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِیْنَ ودر سورهٔ اعراف
میفرماید فَلَمَّآ اَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَکَ تُبْتُ اِلَیْکَ وَاَنَا اَوَّلُ
الْمُؤْمِنِیْنَ ودر سورهٔ توبه می فرماید اَلَا تُقَاتِلُوْنَ قَوْمًا
نَّکَثُوْٓا اَیْمَانَهُمْ وَهَمُّوْا بِاِخْرَاجِ الرَّسُوْلِ وَهُمْ بَدَءُوْکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ
الخ ونیز درهمین سوره می فرماید اِنَّکُمْ رَضِیْتُمْ بِالْقُعُوْدِ
اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخٰلِفِیْنَ ونیز درهمین سوره میفرماید
لَا تَقُمْ فِیْهِ اَبَدًا لَمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَی التَّقْوٰی مِنْ اَوَّلِ یَوْمٍ الخ
ودر سورهٔ کهف می فرماید لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا کَمَا خَلَقْنٰکُمْ
اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ودر سورهٔ طه می فرماید قَالُوْا یٰمُوْسٰٓی
اِمَّآ اَنْ تُلْقِیَ وَاِمَّآ اَنْ نَّکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰی ودر سورهٔ

انبیاء میفرماید یَوْمَ نَطْوِی السَّمَآءَ کَطَیِّ السِّجِلِّ لِلْکُتُبِ
کَمَا بَدَأْنَا اَوَّلَ خَلْقٍ الخ و در سورۀ شعراء می فرماید اِنَّا
نَطْمَعُ اَنْ یَّغْفِرَ لَنَا خَطَایَانَا اَنْ کُنَّا اَوَّلَ الْمُؤْمِنِیْنَ و در سورۀ
یس می فرماید قُلْ یُحْیِیْهَا الَّذِیْ اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ و در
سورۀ زمر میفرماید قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا
لَّهُ الدِّیْنَ وَاُمِرْتُ لِاَنْ اَکُوْنَ اَوَّلَ الْمُسْلِمِیْنَ و در سورۀ حم
سجدہ که فصّلت باشد می فرماید وَهُوَ خَلَقَکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ
وَّاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ و در سورۀ زخرف میفرماید قُلْ اِنْ کَانَ
لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعٰبِدِیْنَ مؤلف گوید دانایان
دانندکه در قران مجید لفظ اول بسیار است ولی بجهة
تیمّن و تبرّک بهمین چند ایه اکتفا نمودیم اوّل خطبه که رسول
خدا صلّی الله علیه و اله خواند در قبا بود چون پیغمبر
ساز مدینه کرد در روز جمعه از قبا بیرون شد و بر شتر
خویش بنشست چون بقبیله بنی سالم ابن عوف رسید
هنگام نماز جمعه در امد وایشان قبل از ورود پیغمبر
مسجدی از بهر خود بنا کرده بودند پس ان حضرت از ناقه
بزیر امد و در انجا رفت و خطبه ادا فرمود بسم الله الرحمن
الرحیم الحمد لله الذی احمده واستعینه واستغفره واستهدیه
واومن به ولا اکفره واعادی من یکفره واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

وارسله بالهدی والنور والموعظة علی فترة من الرسل
الخ وتمام این خطبه درکتب اخبار شیعه واهل سنت در قصه
هجرت مرقوم واشتر انده واین خطبه در اتفقا دجمعه مقرر افتاد
وان اول خطبه ونماز جمعه بود که دران اراضی بپای رفت
قال السید علی خان فی سلوة الغریب اول من انتقل من
اجدادنا الی شیراز المحروسه علیا ابا سعید النصیبی قال
علی علیه السلام ما لابن ادم والفخر اوله نطفة واخره جیفه
فی نهج البلاغة ونیز امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید
الحمد لله الاول قبل کل اول والاخر بعد کل اخر باولیته
وجب ان الاول له وباخریته وجب ان لا اخر له فی نهج
البلاغة اول شهری که بجو تنها بعد از طوفان نوح بنا شد
شوشتر است در فرهنگ انجمن ارای ناصری اول حکم
عمر عزل نمودن خالد بن ولید ونصب ابو عبیده جراح
بود در منتظم اول صلوة جمعه که در عراق بجای اورده
شد در ماه صفر سنه شانزده هجری بود در روز جمعه
صلوة فتح بود که سعد بن وقاص در ایوان کسری بجا اورد
اول شیاع علم کیمیا در میان اعراب در سال صد و
بیست ویک هجری بود اول متخلص از خلفای علویین ابو
محمد عبد الله بن محمد العلوی بود فی منتظم ناصری تالیف
اعتماد السلطنه وید عزه اول کسیکه بوق ساخت غرو

بود در مجالس المتقین شهید امده در قصه ابراهیم که
خواست از خدا عذابی بجهة نمرود وقومش خداوند پشه
فرستاد بروایتی ان قدر پشه امد که مردی واحد هزار
پشه گرد امد از خوردن وخفتن ونشستن وایستادن
ماندند متحیرانه عاجز وهلاك می شدند حتی پشه ها
همه لباسها وگوشتهای ایشان وزین واسباب اسبان
بخوردی نمرود گفت خانه از مس بجهة او ساختند
که هیچ شکاف نبود در او ومگر یك سوراخ بسیار تنگ
همان قدر که نفس بیرون اید حق تعالی پشه فرستاد
تا از ان شکاف داخل شد اما از تنگی سوراخ یك پر
او هم شکست ودر بینی نمرود رفت تا مغز او رسید
بروایتی تا سیزده شبانه روز مغز او بخورد نمرود بی
طاقت شد امر کرد تا بوقها ساختند ومیزدند تا
او از بوق بودی ساعتی ارام بودی گویند اول بنای
بوق نمرود نهاد مؤلف گوید وجه این بوق بر سه وجه
است یا بوق سلاطین است که او را کرنا خوانند یا بوق
درویش وقلندران وقلاشان است یا بوق حمامی
است که بجهة اخبار مردمان زده می شود ایلو حکیم اول
من وضع الفوتوغرافیا وجل فرانساوی اسمه شارل وهل
انکلیسی اسمه داق واول فی در المکنون فی الصنایع والفنون

اوکیا

اوّل ما عمل الشمع فی الهند واستحضر وضع منه فی بلاد البندقیه
ثمّ فی البورتوغال ثمّ فی اسپانیا ومن هناك امتدّت معرفة
عمله الی فرنسا فی کتاب درّ المکنون اوّل کسیکه در ممالك
ایتالیا لوای حکمت برافراشت و در نشر علوم و ثبت حکم
پرداخت و هنوز در آن ملك قانون دولتی بنای سلطنت
میبود در ناسخ التواریخ اوّل خون هونکای مانك بنجا اسلا
اوّل سلاطین چین است در ناسخ التواریخ از بعد از جهت
خاقان مغفور صاحبه شمس الدوله اوّل کسیکه از این
سلسله رجال و نساء مجاورت عتبات اختیار نمود در تاریخ
خاقانی از تالیفات سلطان احمد میرزا عضد الدوله

اوّل وقتیکه استعمال باروت شیوع یافت در سنه
ششصد و هشتاد و شش بود اوائل ظهور دولت عثمانیه
اوّل زمانیکه توپ ساختند در سنه هفتصد و شصت
هجری بود در سلطنت امیر تیمور خاتمة الکتاب ابوذر گفت
انّ رسول الله قال لعلیّ اوّل من آمن بی واوّل من یصافحنی یوم
القیمة بدرستیکه رسول گفت علی است اوّل کسیکه ایمان آورد
بمن واوّل کسیکه در روز قیامت مصافحه کند بامن در کامل
السقیفة البهائی در نکت الفصول علی آمده که فاطمه را رسول
بشارت داده که اوّل کسیکه بمن رسد از اهل بیت من تو باشی
فاطمه اوّل بنوهاشمی بود که متوفی شد در کامل البهائی مذکور

در مدح امیر المؤمنین علی علیه السّلام میگوید نقد ان گنج
علم بی پایان نیست دیگر بجز علی عالا کو حکیم است و عالم اشیا
اوّل حق بود بلا اوّل آخر حق بود بلا آخر ودر جای دیگر گوید
اوّل آخر او بود در دین ظاهر و باطن او بود بخدا بنام اوّل
الائمّه ختم شد بر ارباب فضل مخفی نماناد که در جمع این رساله
ترتیب ملحوظ نبوده الحمد لله وله المنّة که آنچه مکنون خاطر بود
بیاری اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در حیّز تحریر
در آورده و بر صفحه ظهور جلوه گر خواهد بود شکرا لایزرفین
حق تعالی ختم شد این نامه در قرب سه سال حالی خواهیم
ما از روی حال لیک باید بنظر اجلال تا شود مقبول
طبع خاص و عام للنبی منا تحیّت والسّلام الحمد لملهم
الرّائز کامد بمبارکی باخر پیوست بخوشترین زمانی انجام
در عام هزار و سیصد و هشت اتمام الحمد لله اولا و آخرا و
باطنا و ظاهرا و صلی الله علی محمّد واهل بیته الطّاهرین
وقد تمّت هذه الرّسالة الشریفه فی اخبار الاوائل مع
تردّد البال وکثرة الاشتغال فی السّنة الثامنة من المائة الرابعة
بعد الألف من الهجرة النبویّة فی کربلاء المعلّی علی مشرفها
الاف التحیّة والثناء حامدا مصلّیا مستغفرا و
کتبه بیمناه الداثرة الخاطئة العبد المسیء جمال الدّین
محمّد الطّباطبائی البروجردی الحائری
عفی عنه

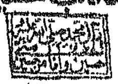
۵

بسم الله الرحمن الرحيم

تقريظ جناب عمدة العلماء العاملين قدوة الفقهاء الكاملين العالم البارع والبحر الواسع والمحقق العلامة والمدقق الفهامة المحدث الفقيه المتتبع النبيه حاوي الفروع والأصول جامع المعقول والمنقول محقق الحقائق مدقق الدقائق مصباح الهدى مفتاح الدجى سمي ثاني السبطين مولانا الحاج ميرزا حسين النوري الطبرسي نور الله قلبه ومتع الله المسلمين بطول بقائه

بسم الله الرحمن الرحيم

لله در السيد السند والحبر المعتمد جامع فنون الفضائل و حاوي صنوف المعالي والفواضل وماحي مساوي الأخلاق والرذائل النقاد البصير والمضطلع الخبير علم السادة ومعدن الفضل والسعادة الأمجد المؤيد جمال الدين السيد محمد بلغه الله تعالى ما يتمناه فقد احسن واجاد في هذا التأليف الشريف واغرب وافاد في هذا المجمع المنيف اللطيف واودع فيه من شوارد الآثار ما تشتهيه الأنفس وتلذ الابصار واجمع فيه من نوادر الأخبار ما تروح به قلوب الأخيار فجزاه الله عن السلف الصالحين والخلف الباقين خير جزاء المحسنين والحمد لله وصلواته على خير خلقه محمد وآله الطاهرين كتبه بيمناه الداثرة العبد المذنب حسين بن محمد تقي النوري الطبرسي



تقریظ منظوم از جناب مستطاب خاتم الفضلاء و زبدة الأدباء قدوة الأزکیاء عین الفضل و بحر الأدب و کشاف معضلات من لغات العجم والعرب الفاضل الجلیل العالم النبیل الأدیب الأریب الشاعر الماهر المعاصر آقا شیخ علی الخراسانی الأصل الحائری الموطن الملقب بشیخ الرئیس ادام الله افضاله

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعه در تقریظ کتاب مستطاب از شکسته خامه و طبع افسرده این محب حقیقی و مشفق حمیمی شیخ الرئیس علی الخراسانی عفی عنه و عن والدیه بر صفحهٔ این صحیفه اجرا یافته تا اینکه از این حقیرهم نمودی در آش و تاری در قماش در این صفحهٔ ایام باقی مانده شاید ببرکت اجداد طاهرین مؤلف از برای این عبد عاصی در یوم الفزع الاکبر نجاة و خلاص حاصل آید

تعالی الله از این تالیف کامل
که در روی جمع امدهر اوائل

تعالی الله از این شیرین کتابی
که بنود در کتب آن را مماثل

چو عقل اوّل ار اوّل کتابیست
که در جمع اوائل گشته حاصل

ز هر اوّل در این فن امداغاز
ز هر شهر و دیار و هر قبائل

در آن بنهاده بحری از معانی
بالفاظی خوش و لطف و شمائل

بسی تو وصف بشگفته در وی
که زیبندهٔ هر دانش پژوهان شاغل

کتابی همدم ارباب دانش
کتابی مونس اهل فضائل

ممهّد اندر آن اثبت تاریخ
بوجهی شامل و بر نحو کافل

ندیده دیدهٔ اهل بصیرت … چنین تالیف با چندین شمائل

ز نوک خامهٔ استاد تحقیق … جمال عقل و دین صدر افاضل

جمال الدین محمد آنکه آمد … بدانش فخر اقران و اماثل

مهین نوباوهٔ ختم رسالت … حسین مرتضی را خوش سلائل

فروزان کوکب درج مناقب … درخشان گوهر درج خصائل

از او علم رجال آمد مسدد … چنانچه در حدیث آمد وسائل

محیط دانش او بیکرانه … بحار بینش او بی سواحل

کلامش گشته مفتاح تواریخ … بیانش جمله مصباح مشاکل

ز تصنیفات وی آمد رجوافی … بدیت اورده هر بیرحی وسائل

حروفش تحفة الاخوان سالک … رموزش درة البیضاء عاقل

رئیس از بهر تاریخش شب و روز … چو مهر و مه روان در مراحل

که تا که هاتف غیبش بگفتا … بگوشد نام احیاء الاوائل

تقریظ منظوم از جناب قدوة الافاضل آعزبة الاطباء
الأديب الأريب اللبيب مولانا السيد مهدي الطبيب
الحائري المشهور بالشهرستاني دام عمره

جزيت خيراً جمال الدين حين سمت
منك العلوم وكان العلم مهجوراً
فقشعت ظلمات قد اظل بها
جهاله فاستنار الحق تنويرا

احيا الأوائل اعجازا بما رقمت … منه الأنامل منظوما ومنثورا

كيف التنكير وتاليفاته نطقت
بفضله وبيع بهاء مشكورا
فانظر الى كتبه تنظر الى صور
فيها النفوس اقامت للعلى سورا
ما معضل قط الا قد انار بها
برهانه واضال الشك تفسيرا
سل البلاغة هل تذكر لمنطقه
لدى البيان بديها كان ماثورا
سقيا لأجداث اباء له سلفت
وعلمهم ظل في الأجداث مسطورا
حتى اذا هضت ابناءها ورثت
وقد بدا منهم ما كان مغمورا

تقريظ منظوم من جناب المستطاب زبدة الفضلاء العالم الفاضل الأوحد الكامل الموحد مولانا صارم الدين الميرزا محمد زيد عزه سبط العالم الرباني والفاضل الصمداني مولانا محمد صادق الأردستاني اليزدي الحائري طاب رمسه

عماد الواعظين محمد من	تنزه من صباه عن الرذائل
جمال الدين من عليا نزار	حليف المجد من خير القبائل
تحلى بالمكارم والمآثر	تحلى بالمحاسن والفواضل
زكي لوذعي الممعي	ربيب العلم محسود الأماثل

تواريت عن ابيه الفضل قد ما — وكان ابوه ينبوع الفضائل
شريف الأصل ممدوح السجايا — جليل القدر محمود الخصائل
له في المكرمات شهود صدق — له في فضله كم من دلائل
فنهاما يزيد العين نورا — ويسلو منه قلب كل ثاكل
كتاب مستطاب اُرّخوه — يسر القلب اخبار الاوائل

تقريظ منظوم من جناب الفاضل الجليل والعالم النبيل الشيخ موسى الحائري دام عمره العالي صاحب كتاب تحقيق الاحكام

بشرا كم قد اتاكم خير تاليف — بخير طرز واسلوب وتوصيف
من بحر فضل جمال الدين من سمكا — سماء مجد وتفخيم وتشريف
كفاه تاليفه فضلا وفيه غنا — عن ذكر مدح وتبجيل وتوصيف
احيا بما فيه اخبار الاوائل فا — المرء خير الجزاء عن كل عطريف

تقريظ منظوم از جناب مستطاب فاضل كامل شاعر ماهر اديب اريب اقا سيد هاشم واعظ خلف مرحوم جناب قدوة الفقهاء العظام محقق الحقائق مولانا الحاج سيد محمد باقر الطباطبائي اليزدي طاب ثراه صاحب كتاب وسيلة الوسائل في شرح الرسائل

اگر خواهي كه از اخبار ايدل باخبر باشي — بخوانش اهر دم ز فرط شوق اخبار الاوائل

وگر خواهی ز اسرار لدنّی آگهی یابی
که بنمائی توصیه خویش هر آگاه کامل را

چه خوش باشد که باوی انس گیری تادم مردن
که مونس گشته او بوده از ابواب فضائل را

حکا ستّل حفظ از لوح محفوظ خداوندے
که موجود است و هستی داد عالم را بجا اهل را

سل البلاغ بنویسند بر رخسار حور العین
روا باشد چه الفاظش منوّر میکند دل را

سقیا الاجداث اباء در درج دانش و بینش
که وصف ذات او حیران نماید عقل عاقل را

حقّی ال احمد اطهر دلیل شرع پیغمبر
مثال جدّ خود و حید نکو کرده خصائل را

جمال الدّین والدّنیا محمّد زاده زهرا
که اندر عصر خود فخر است اقران و اماثل را

بود تاریخ تالیفش بعهد ناصر الدّین شه
نبیند در جهان چشمی چنین سلطان عادل را

شهنشاهی که با اقبال گردید از ازل توام
نزاید مادر گیتی چه او فرزند مقبل را

چه رفتی یکهزار و سیصد و هفت باید از هجرت
بانجام آمد این تالیف و زایل کرد باطل را

بمدح این کتاب ای قطب عقلت شد چنین عاجز
که در عمرت نخواهی مرا نمود اینگونه مشکل را

تقریظ منظوم از جناب مستطاب قدوة الفضلاء العابد الزاهد الشاعر الماهر المعاصر المحول الی الآقا شیخ جواد الله زنوزی الحایری المتخلص بوامق سلمه الله تعالی برکتاب [illegible] الاخبار الائمة العالم النحریر [illegible] تنقیح الاحکام ومونس ارباب الفضائل

تبارک الله از این اختتام طرفه کتاب
بزرع علم تو گوئی به وقت تصنیف
سحاب فضل همانا بفصل نیسانی
هفت در صدف وتشریف
گرفت مریم دهر از نفیب روح قدس
هزار عیسی جان آفرین بهر دم یف
برغم مدّعیان نوعروس حجله فضل
فکند از رخ معنی هزار گونه نقاب
بهر پرده چند سخن فاش گویمت بملا
که این کتاب در این علم گشته فتح الباب
دراوست مندرج اخبار هر اوائل هر
یگانه گوهر پر قیمتیست بس نایاب
نخست نثر کتابیست از مؤلف آن
که متقن است ومسلم بصحّه اصحاب

بیان وی همه نغز ... ... اوهمه بغز
... بن عقل فصل خطاب
مورخین همه ... ... شاب ...
محدثین همه ... ... شیخ و شاب
انیس ... ... فاضل جمال
جلیس ... ... اولوا الالباب
... ... و نوك خامه بجهل
جمال ملة والدین سلالة الاطیاب
... ... جامع لغات وعلوم
حسین نژاد و حسن نسبت و تمام نسناب
... ... سعادت ز همکنان در فضل
چنانچه مفخر است درجهان بعلم وزیاب
همین براست بفضلش که در هدایت خلق
گرفته مسلك پیران دین بعهد شباب
برتبه مجلسی عصر خویش در تالیف
گرفته از کل اخبار روزگار گلاب
بکار سرعت تحریر نوك خامه او
رقم زنند زدو صد قصه در زهاب وایاب
بیان وصف چنین نو خجسته بیکر انست
زدین تالیف توان گشت عالمی سیراب
زبان

زبان ببند تو وامق ز مدح و منقبتش
گذار قصهٔ مدحش سوی دعا بشتاب
الا هماره فلک تا که پر ستاره بود
همیشه تا که ببارد مطیر بخلق سحاب
بجلوه روی محبّش با نبساط سرور
بگریه چشم حسودش چه ز برش میزاب
مؤلف این رساله معروض می دارد که در این ایام جناب
قدوة الفضلاء الکرام اقا شیخ جواد در فولی الاصل که صاحب
تقریظ منظوم است ساعت صحن نجف را که از موقوفات
نواب جلالت ماب میرزا اسمعیل خان امین الملک وام
است انچه در شبانه روز که بیست و چهار ساعت است
ربع و نیم و سه ربع تمام میزند در حساب اعداد باین
مصرع اخر مطابق نموده است و مجموع زدن ساعت در شبانه
روز ششصد و سی و شش هست)
ساعت صحن که مید یار از جلی
۶۳۶
صحن محمدای قوام دین علی
مذکور است اظهیر بو امو بر قوم افتاد
تمت
سید نبل بصیر
منقن است احوال

الانبيآء والائمة عليهم ... لتقية والرجعة نجات
المذنبين فى مصائب ... ين لطائف الاقوال فى
معرفة الرجال ... بالظلامة فى اسماء ...
تاريخ رياض ... عرائس
البلدان ... الفضلاء وروضة الشعرآء اخبار الاوائل
وموا ... فضائل كه مين كتاب است رياض الملوك
فى ... ير والسلوك مشتمل على الجداول والبيوت
المصنفين من العلمآء وتوجمة المؤلفين من الفضلآء
ح التواريخ فى ذكر حالات السلاطين الصفويه
سوانح عمرى ماه ومهر فى تاريخ بوشهر تحفة الاخوان
فى احوال سيد العارفين اقاخان الحسينى المحلاتى ...
الناصريه مخزن الدعوات المجربه نجوم الارض فى ذ...
محدثين العصر الذين اطاعة الناس لهم فرض احسن
التقويم فى الاختيارات سر الحقائق وكشف الدقائق
فى الاشعار كتاب الكشكول المسمى بموائد الـ ...
وفوائد الحاوين ربيع القلوب ...
زبدة الاخبار فى تاريخ ا...
تحفة الانام فى شرح ...
احوال بنى ادم م...
التواريخ فى تا...